

ایران، شاه بیت غزل شعر جهان



برگزاری نخستین همایش شاعران ایران و جهان طی چهار روز در چند شهر کشورمان، جنب و جوشی دلپذیر را در پهنه شعر و ادب ایران و جهان ایجاد کرد و حال و هوایی به سرزمین شاعر پرور و شعر دوستان بخشید که عطر آن تا مدت ها، نه تنها مشام مردم ما، بلکه بسیاری از کشورهای را آکنده خواهد کرد.

کتابخانه

عکس: مهدی کاروبی

شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۹
۹ جمادی الاول ۱۴۳۱، ۲۴ آوریل ۲۰۱۰
شماره ۲۲۸، پیاپی ۸۷۹
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست
www.ketabehafteh.ir



سرزمین های
شرقی را همیشه
دوست داشته ام
۲۰



کتاب گویا، نسل
جوان را با مطالعه
آستی می دهد
۱۸



شیرودی
کتاب
و حقایق ناگفته
۱۴

۲
افزایش ناشران
بین الملل و مراحل
پایانی آماده سازی
نمایشگاه
۳
«رقص گردنبد»
دلدا با ترجمه بهمن
فرزانه منتشر شد
۴
• نشست با حضور
سخنرانان خارجی
برنامه جدید
سرای اهل قلم
• شاعر تونس
دومین قصیده اش را
برای شیراز
می سراید

وزیر ارشاد از برگزاری کنگره شعر فاطمی در قم خبر داد

دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در آیین پایانی دومین دوره مسابقات رسانه های عاشورایی، با تأکید بر توجه ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت های دینی و مذهبی از برگزاری کنگره شعر فاطمی در قم خبر داد.

حسینی فعالیت کانون های فرهنگی هنری مساجد، موسسات قرآنی جشنواره های بین المللی امام رضا (ع) در مشهد و امام حسین (ع) در تبریز و جشنواره های متعدد در کشور را که دارای مضامین مذهبی و قرآنی است از دیگر اقدامات این وزارتخانه در این حوزه خواند.



حسینی گفت: «برگزاری جشنواره باید به گونه ای باشد تا بتوانیم مفاهیم قرآنی و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را ترویج کنیم.»
وی به تلاشگران عرصه فرهنگ و هنر کشور تأکید کرد هرگز به وضع موجود اکتفا نکنند و با فعالیت های بیشتر از قابلیت بالاتری برخوردار شوند، زیرا ارزش های انسانی در یکایک تلاشگران باید هر روز افزون تر شود.
حسینی، ملت ایران را ملتی فرهنگی و با ذوق دانست که جهانیان را به شگفتی و اعجاب وامی دارند و افزود: «ملتی با این همه خلاقیت، ابتکار و نوآوری، باید در این مسیر گام های بلندی بردارد.»
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره نمایشگاه

دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در آیین پایانی دومین دوره مسابقات رسانه های عاشورایی، با تأکید بر توجه ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت های دینی و مذهبی از برگزاری کنگره شعر فاطمی در قم خبر داد.
حسینی فعالیت کانون های فرهنگی هنری مساجد، موسسات قرآنی جشنواره های بین المللی امام رضا (ع) در مشهد و امام حسین (ع) در تبریز و جشنواره های متعدد در کشور را که دارای مضامین مذهبی و قرآنی است از دیگر اقدامات این وزارتخانه در این حوزه خواند.
حسینی گفت: «برگزاری جشنواره باید به گونه ای باشد تا بتوانیم مفاهیم قرآنی و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را ترویج کنیم.»
وی به تلاشگران عرصه فرهنگ و هنر کشور تأکید کرد هرگز به وضع موجود اکتفا نکنند و با فعالیت های بیشتر از قابلیت بالاتری برخوردار شوند، زیرا ارزش های انسانی در یکایک تلاشگران باید هر روز افزون تر شود.
حسینی، ملت ایران را ملتی فرهنگی و با ذوق دانست که جهانیان را به شگفتی و اعجاب وامی دارند و افزود: «ملتی با این همه خلاقیت، ابتکار و نوآوری، باید در این مسیر گام های بلندی بردارد.»
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره نمایشگاه

سرآغاز

دستمان درد نکند!

هفته گذشته، ایران میزبان و شاهد همایشی بود که در نوع خود، یک «رویداد مهم و صد در صد فرهنگی» محسوب می شد.
نخستین همایش «شاعران ایران و جهان» که به همت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۲۸ فروردین تا یکم اردیبهشت برگزار شد، در تهران و اصفهان و شیراز نمود بیشتری داشت. اگرچه در این روزگار، صرف برپایی شب شعرهایی در شهرهای بزرگ نمی تواند دلیلی برای توجه خبری بیشتری باشد، اما آنانی که دلشان خالصانه و صادقانه برای شعر و ادب این مرز و بوم می تپد، هر جا که بودند، خبرهای این همایش را دنبال کردند؛ از نخستین روزهایی که پیشنهادش در جشنواره شعر فجر مطرح شد تا چند روز بعد از آیین پایانی آن.
دستشان درد نکند! دست همه کسانی که گمنام برای این میزبانی تلاش کردند؛ کسانی که افت و خیزش را به جان خریدند؛ اشخاصی که از آبرو و حیثیت خود برای برگزاری آبرومندانه آن خرج کردند و...
دستمان درد نکند! دست ما، همه اصحاب رسانه، همه آنانی که در رسانه های مکتوب، صوتی، تصویری، مجازی و خصوصی و ملی و سراسری، شرح و توجه دوقبضه به خبر «آتشفشان ایسلند در ۶-۷ هزار کیلومتری ایران» را به بهار ادبی دیارمان ترجیح ندادند و رسم مهمان نوازی را خوب ادا کردند!

باید پدران و مادران، بچه‌ها را از اول با کتاب محشور و مانوس کنند. حتی باید بچه‌های کوچک با کتاب انس پیدا کنند.

بچه‌هایمان را هم از اول کودکی عادت بدهیم که کتاب بخوانند؛ مثلاً وقتی می‌خواهند بخوابند، کتاب بخوانند و بخوابند. وقتی که ایام روز فراغت است، یا مثلاً روز جمعه‌ای که بازی می‌کنند، بخشی از آن را حتماً برای کتاب قرار بدهند. در تابستان‌ها که بچه‌ها و جوانان تعطیل هستند، حتماً کتاب بخوانند؛ کتاب‌هایی را معین کنند، بخوانند و تمام کنند.

مصاحبه رهبر معظم انقلاب با خبرنگار صداوسیما، پس از بازدید از ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۳۷۲/۲/۲۱

فراخوان کتاب سال قصه‌های قرآنی



واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی سازمان اوقاف و امور خیریه، سومین دوره «جشنواره انتخاب کتاب سال قصه‌های قرآنی» را برگزار می‌کند. در این جشنواره آثار تالیفی، ترجمه‌ها، فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌های مرتبط با موضوع قصه‌های قرآنی، پیامبران، ائمه (علیهم‌السلام) و صحابه، معرفی خواهند شد.

بر اساس این فراخوان تمامی نویسندگان، مترجمان، محققان، هنرمندان و ناشران می‌توانند برای شرکت در این جشنواره، دو نسخه از آثار خود را که از سال ۱۳۸۴ تاکنون برای نخستین بار منتشر شده‌اند، به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند یا به صورت حضوری تحویل دهند.

ارزیابی و داوری آثار این جشنواره بر پایه معیارهای چهارگانه صورت می‌گیرد. محور نخست؛ داستان‌های بلند، رمان، مجموعه داستان‌های کوتاه و تک‌داستان‌های چاپ شده و مجموعه داستان‌ها برای مخاطبان بزرگسالان. معیار دوم به داستان‌های بلند، رمان، مجموعه داستان‌های کوتاه و تک‌داستان‌های چاپ شده در مجموعه داستان‌های ویژه گروه سنی کودک و نوجوان اختصاص دارد. محور سوم این جشنواره نیز کتاب‌ها و تک‌مقاله‌های پژوهشی چاپ شده در مجموعه مقالاتی است که به بررسی، نقد و تحلیل قصه‌های «جشنواره انتخاب کتاب سال قصه‌های قرآنی» پرداخته‌اند.

فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌هایی که در حوزه قصه‌های موضوع جشنواره، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوشته شده و به چاپ رسیده‌اند، یا بر مبنای آنها نمایشی روی صحنه رفته و فیلمی ساخته شده که از طریق اکران عمومی در سینما یا در تلویزیون نمایش داده شده باشند، معیار نهایی این جشنواره به شمار می‌آید.

درباره آثار نایاب، ارسال دو نسخه کپی از تمامی صفحات متن و جلد کتاب که شامل صفحه‌شناسنامه نیز باشد، کافی است. مهلت ارسال آثار به این جشنواره نیز تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۹ تعیین شده است. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را به دبیرخانه جشنواره «انتخاب کتاب سال قصه‌های قرآنی» به نشانی تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و ولیعصر (عج)، خیابان برادران مظفر جنوبی (صبا)، شماره ۴۰ ارسال یا از طریق تلفکس ۰۲۱۱۶۶۹۶۲۸۱۱ (۰۲۱) در این باره اقدام کنند.

دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران خبر داد

افزایش ناشران بخش بین‌الملل و مراحل پایانی آماده‌سازی نمایشگاه



دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از افزایش تعداد ناشران بخش بین‌الملل در این دوره از نمایشگاه خبر داد.

محمد الهیاری فومنی در گفت‌وگو با کتاب هفته با اعلام این خبر و با اشاره به این که برنامه‌های اجرایی نمایشگاه کتاب مراحل پایانی را می‌گذرانند، اظهار داشت: «بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی که در بخش بین‌الملل بیست و سومین نمایشگاه کتاب تهران صورت گرفته، امسال شاهد افزایش تعداد ناشران از کشورهای مختلف خواهیم بود که برخی از این ناشران برای نخستین بار است که در نمایشگاه حضور می‌یابند.» وی در ادامه افزود: «حجم زیادی از کتاب‌های مربوط به بخش بین‌الملل از طریق گمرک وارد شده و همکاران ما در بخش بین‌الملل به‌طور مستمر با ناشران در ارتباطند تا حضورشان در تهران همزمان با آغاز کار نمایشگاه باشد.»

دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با تأکید بر این که معاونت اجرایی تلاش می‌کند تا در صورت امکان بتواند نمایشگاه را یک هفته زودتر از آغاز کار رسمی نمایشگاه در اختیار ناشران قرار دهد تا بتوانند کار آماده‌سازی غرفه‌ها را انجام دهند، یادآور شد: «انجمن‌های صنفی همکار نمایشگاه مشغول آماده‌سازی سالن‌ها هستند و با تلاشی که امسال کمیته ناشران داخلی داشت، بحث جانمایی از سوی انجمن‌ها صورت گرفته است؛ در مجموع همه تلاش ما معطوف بر این است که خدماتی که در نمایشگاه ارائه می‌شوند، متناسب با شأن مردم باشند.»

الهیاری در پاسخ به این سوال که آیا در حال حاضر ناشران از نحوه وضعیت تخصیص غرفه‌هایشان مطلع‌اند؟ اظهار داشت: «ناشران هر بخش با صنف خودشان در ارتباطند برای مثال ناشران دانشگاهی با انجمن ناشران دانشگاهی، ناشران

کتاب تهران که چهارشنبه ۲۵ فروردین با حضور سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، نیز یادآور کرد: «عمده مباحث این جلسه شامل توصیه‌های وزیر برای برگزاری بهتر نمایشگاه بود که از جمله مساله خدمات رفاهی نمایشگاه مطرح و تصمیم‌های خوبی در این باره اتخاذ شد.» دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در پایان ابراز امیدواری کرد: «چنانچه سال به سال دغدغه‌های مسوولان فرهنگی کشور نسبت به آماده‌سازی مکان نمایشگاه کمتر شود و امکان ایجاد فضایی مستقل برای نمایشگاه کتاب فراهم آید، امید می‌رود مباحث توسعه نمایشگاه تهران و گسترش خدمات فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند.»

بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت در مصلای امام خمینی (ره) برگزار می‌شود.

کودک با انجمن ناشران کودک و در بخش‌های دیگر مثل بخش ناشران عمومی و ناشران آموزشی نیز این ارتباط به همین ترتیب برقرار است.»

دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران همچنین در پاسخ به این سوال که طرح فروش اینترنتی کتاب که پیش از این از سوی مسوولان فرهنگی وعده داده شده بود به کجا رسید؟ گفت: «عرضه کتاب در فضای مجازی و ترتیب دادن سازوکارهای قانونی آن مساله‌ای است که همواره مورد توجه معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد بوده و همچنان نیز در حال پیگیری است اما اجرایی شدن آن تا حدودی به همت و تلاش خود ناشران در این عرصه نیز بستگی دارد اما به‌طور کلی در ارتباط با پیشرفت کار به لحاظ اجرایی، حوزه معاونت متعاقباً در این باره پاسخ خواهد داد.»

الهیاری درباره نتیجه پانزدهمین جلسه شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی

توافق برای نشر گسترده نهج البلاغه

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مراسم امضای تفاهم‌نامه همکاری با بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه، از ترجمه نهج البلاغه به ۱۰ زبان خیر داد و برپایی نشست‌های مشترک، نقد و ارزیابی آثار نوشته شده در این عرصه را از مفاد این تفاهم‌نامه خواند.

در این مراسم که ۲۹ فروردین برگزار شد، دکتر مصطفوی، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با تأکید بر عزم این سازمان در ترجمه نهج البلاغه برای شیعیان و حتی غیرمسلمانان کشورهای مختلف، این کتاب را برای جهانیان سودمند دانست.

وی گفت: «ترجمه نهج البلاغه به زبان‌های مختلف برای استفاده عموم بر اساس دقیق‌ترین و تخصصی‌ترین شیوه‌ها توسط مرکز ساماندهی نشر و ترجمه سازمان با همکاری بنیاد نهج البلاغه برای مخاطبان خارج از کشور صورت می‌گیرد.»

همچنین حجت‌الاسلام اصغر صابری، رئیس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، عنوان کرد: «بر اساس تفاهم‌نامه امضا شده، این مرکز از طریق تهیه نرم‌افزار e.book، برگزاری نشست‌های تخصصی و همایش‌های بین‌المللی و دوره‌های آموزشی، فعالیت‌های مشترکی را برای معرفی این کتاب ارزشمند و فرهنگ غنی آن با بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه برنامه‌ریزی می‌کند.»

تفاهم‌نامه همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و بنیاد نهج البلاغه با پنج ماده و یک تبصره، شامل موضوعاتی از قبیل نشست‌ها و کنفرانس‌های مشترک، نقد و ارزیابی آثار نگاشته شده مشترک، برگزاری نمایشگاه‌های علمی، فرهنگی و هنری، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت با موضوع نهج البلاغه و سیره امیرالمؤمنین (ع) در داخل و خارج از کشور، همکاری در حوزه فناوری و محیط مجازی، همکاری در طراحی، تدوین و تهیه کتاب الکترونیکی و توسعه کتابخانه‌های طرفین و تقویت کتابخانه‌های خارج از کشور در حوزه نهج البلاغه است.

در یادروز شیخ اجل

سعدیه گلباران شد

همزمان با فرارسیدن یکم اردیبهشت یادروز سعدی شیرازی، آرامگاه شیخ اجل توسط سعدی دوستان و اهالی فرهنگ گلباران شد.

انتشار دفتر سیزدهم سعدی نیز یکی دیگر از اقداماتی به‌شمار می‌رود که در یادروز شیخ اجل به کوشش کوروش کمالی سروستانی مدیر مرکز سعدی‌شناسی صورت گرفت.

این کتاب با آثاری از اصغر دادبه، سیروس شمیسا، احمد سمیعی گیلانی، فرح‌نیا کار، سعید



حمیدیان، ابوالحسن قیصری و غلامحسین دینانی منتشر شد. دفتر سیزدهم «سعدی‌شناسی» بخشی با عنوان برگزیده مقالات منتخب «بوستان» شامل مقاله‌هایی از غلامحسین یوسفی، حبیب یغمایی و احمد رجایی دارد.

همچنین «کتاب‌شناسی بوستان» و «مقاله‌شناسی» بخش ضمیمه این کتاب را تشکیل می‌دهد. این اثر توسط انتشارات مرکب سعدی‌شناسی منتشر شده است.

هر ساله همزمان با یادروز سعدی مجموعه مقالات سعدی‌شناسی از سوی این مرکز در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

بماجرعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

آنچه خوبان همه دارند

«سعدی عاشق پیشه ای است که شعر می گوید و عشق در شعر او تجلی یافته است. هرگاه که به غزل روی آورده، کلامش بوی عشق داده؛ چرا که به خوبی عشق را تجربه کرده است.»

اینها جمله های غلامحسین عمرانی شاعرند در یادداشتی به نام «آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری» که به مناسبت اول اردیبهشت، یادروز شیخ اجل، سعدی، در اختیار خبرگزاری کتاب ایران قرار گرفته است. وی در این یادداشت نوشته است: «سخن در دست سعدی همچون مومی است نرم، فرم شعرهای او مطابق نیت مخاطبان اوست. آری سعدی غزلسرای مجرب، عاشق پیشه، قصیده سرائی که ممدوح را پند می دهد و سخندانی سجع گوست. پس سعدی مصداق حقیقی «آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری» است.»

همچنین به مناسبت روز سعدی، ایبنا گفت و گوهایی را با مرتضی کاخی، شاعر و پژوهشگر، کاووس حسن لی، شاعر و استاد ادبیات کهن فارسی، محمد یوسف نیری، پژوهشگر، مصحح و استاد دانشگاه شیراز، عباسعلی وفایی، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی و نیما تجریدیر سلسله نشست های سعدی شناسی است که پیش تر در سرای اهل قلم برگزار می شد، منتشر کرده است.

کاخی در گفت و گو با ایبنا گفته است: «حافظ که شاعری در نهایت فصاحت، بلاغت و عمق معناست نیز خود را دنباله رو سعدی معرفی می کند و او را استاد سخن می خواند. حافظ در برخی از مواقع همان وزن و قافیه های سعدی را البته به اقتضای زمان خودش به کار گرفته است.»

متن کامل گفت و گو با کاخی، یادداشت عمرانی و دیگر گفت و گوهای خبرگزاری کتاب درباره سعدی را در ایبنا بخوانید.

گزارش تصویری

۲ گزارش تصویری هم از دیدار شاعران خارجی شرکت کننده در همایش شاعران ایران و جهان و آیین افتتاحیه این همایش در تالار وحدت در بخش گزارش تصویری این خبرگزاری قابل رؤیت است.

کتاب در رسانه ها

شما می توانید تیتراژ اخبار و مطالب مرتبط با کتاب در روزنامه ها و برنامه های صدا و سیما را که در طول هفته گذشته به صورت روزانه در ایبنا منتشر شده، پیگیری کنید.

همایش شاعران ایران و جهان

ایبنا، مجموعه ای از ۱۷ گفت و گو، چندین گزارش و چندین خبر را درباره نخستین همایش شاعران ایران و جهان که از ۲۸ فروردین تا اول اردیبهشت به همت معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد در سه شهر تهران، شیراز و اصفهان برگزار شد، را منتشر کرده است. در این همایش ۵۰ شاعر ایرانی و ۵۰ شاعر غیر ایرانی از ۴۰ کشور جهان شرکت داشتند.

بخش های عربی و انگلیسی خبرگزاری کتاب هم اخبار مربوط به این همایش جهانی را به زبان های عربی و انگلیسی پوشش دادند.

«رقص گردنبد» دلدا با ترجمه بهمن فرزانه منتشر شد



رمان «رقص گردنبد» اثر گراتزیا دلدا، برنده ایتالیایی نوبل ادبیات، با ترجمه بهمن فرزانه منتشر شد. این کتاب را که انتشارات «کتاب خورشید» منتشر و روانه بازار کتاب ایران کرده در نمایشگاه کتاب تهران (۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت) ارائه می شود.

«رقص گردنبد» رمان کوتاهی است که دلدا آن را پیش از دستیابی به نوبل ادبیات در سال ۱۹۲۴ میلادی و با نام ایتالیایی la danza della collana منتشر کرد. گفته می شود این رمان در اهدای جایزه نوبل ادبیات به این نویسنده در سال ۱۹۲۶ موثر بوده است و بهمن فرزانه، مترجم ایرانی ساکن ایتالیا که بسیاری از آثار دلدا را به فارسی ترجمه کرده نیز بر این نکته تاکید داشته و در کتاب نوشته است: «گراتزیا تنها نویسنده زن ایتالیایی است که جایزه نوبل ادبیات را به خود اختصاص داده و رمان رقص گردنبد در این موفقیت نقش بسزایی داشته است.»

ترجمه فرزانه از این رمان کوتاه ابتدا در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات کتاب مهناز منتشر شد، اما اکنون انتشارات کتاب خورشید که در چاپ مجموعه آثار نویسندگان معاصر ایتالیایی فعال است، این کتاب را با شکل و شمایل جدید روانه بازار کتاب ایران کرده است.

در ایران نیز بیش از ۱۵ کتاب مستقل از آثار این نویسنده توسط مترجمانی چون بهمن فرزانه و هما رامشک به فارسی ترجمه و منتشر شده است. اما بهمن فرزانه مترجم اصلی آثار این نویسنده محسوب می شود و به تنهایی بیش از ۱۳ کتاب از آثار دلدا را به فارسی برگردانده است که این آثار توسط نشرانی چون ققنوس و کتاب خورشید منتشر شده اند.

«رقص گردنبد» در ۱۲۴ صفحه چاپی، با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه منتشر شده و قیمت آن ۲۹۰۰ تومان است. گراتزیا دلدا (Grazia Deledda) بانوی داستان نویسی

زندگانی مردم ناحیه ساردنی پرداخته است. ساردنی جزیره ای در غرب ایتالیا و دریای مدیترانه است که همراه با جزیره های کوچک اطراف ناحیه ساردنی را تشکیل می دهد. ساردنی پس از سیسیل، بزرگترین جزیره مدیترانه به شمار می آید.

بندر باستانی اوستیا در این جزیره مربوط به دوران سلطنت آنکوس ماریوس (۶۱۷ - ۶۴۰ قبل از میلاد) بندر حمل و نقل گندم سیسیل و ساردنی و همچنین پایگاه دریایی رم بود که در قرن نهم ویران اما در سده های میانه دوباره احیا شد. آثار باستانی به جای مانده، این جزیره را به یک محل مهم تاریخی تبدیل کرده است.

رمان های گراتزیا دلدا امروزه مقامی خاص در ادبیات ایتالیا دارند و اغلب شان به زبان های زنده دنیا ترجمه شده اند.

ایتالیایی، خالق آثاری چون «الیاس پورتولو»، «راه خطا»، «سرزمین باد» و «وسوسه» در ۲۷ سپتامبر ۱۸۷۱ میلادی در جزیره ساردنی ایتالیا متولد شد. موفقیت ادبی گراتزیا دلدا با انتشار داستان «درخت کش» شروع شد. جایزه نوبل در سال ۱۹۲۶ برای آنچه نوشته های ایده آل، گرایش به تحلیل وضع زندگی بومی، تشریح واضح مسائل انسانی که با عمق و احساس زیاد بیان شده اند به این نویسنده تعلق گرفت. اولین اقتباس سینمایی با عنوان خاکستر بر اساس آثار این نویسنده در سال ۱۹۱۶ و به کارگردانی فیوماری ساخته شده و در زمره نخستین آثار اقتباسی سینمای ایتالیا به شمار می آید. در سال ۱۹۲۹ نیز آلدو بندتی با اقتباس از نمایشنامه گراتزیا، فیلم دیگری را با بازی آگوستو باندینی روانه پرده سینماهای ایتالیا کرد. این نویسنده تقریباً در تمام آثار ادبی خود به تشریح

راز پسر استفن کینگ فاش شد



پسر استفن کینگ، نویسنده مشهور آثار دلهره آور فاش کرد که مدت هاست با نام مستعار کتاب می نویسد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از کانوه «جو هیل» نام مستعاری است که جوزف کینگ آثار دلهره آورش را با آن نام منتشر کرده است.

او فاش کرد در ۱۰ سال گذشته با تمام جدیت تلاش کرد تا این راز مخفی بماند چون می خواست با استفاده از توانایی های خودش آثارش را به فروش برساند.

وی گفت کارهایش را با نوشتن داستان های کوتاهی در سبک معمول و کلی شروع کرده و بعد به سبک پدرش گرایش یافته و با نام مستعار، آثاری دلهره آور را نوشته است.

پسر ۳۷ ساله کینگ گفت اگر با نام جوزف کینگ وارد بازار کتاب علمی می شدم این خطر وجود داشت که ناشران به خاطر نام من دست به انتشار آثارم بزنند، اما من می خواستم از توانایی نوشتن خودم مطمئن شوم و به همین دلیل باید از نام پدرم فاصله می گرفتم.

از آثاری که تاکنون با نام «جو هیل» منتشر شده می توان به «جعبه قلبی شکل» اشاره کرد که در سال ۲۰۰۷ به عنوان نخستین رمان او در فهرست پرفروش ها جای گرفت. «شاخ» یکی دیگر از آثار این نویسنده جوان است.

پسر ژرژ سیمنون هم کتاب نوشت

نویسنده مشهور ژرژ سیمنون نبود، هیچ گاه یک ناشر سرشناس چاپ نخستین تجربه نوشتاری اش را برعهده نمی گرفت.

او می گوید اگر قرار باشد کتاب دومی بنویسد آن را هم به زبان انگلیسی خواهد نوشت.

ژرژ سیمنون که در سال ۱۹۰۳ در بلژیک متولد شده، نویسنده پرکار رمان های جنایی، خالق مجموعه داستان های پلیسی کمیسر مگره است.

در آثار سیمون خشونت و هراس موجود در مناسبات ویران انسانی در قرن بیستم عناصر اصلی را تشکیل می دهد. او بیش از ۳۲۰ رمان و داستان کوتاه نوشت. ماجراهای کمیسر مگره در میان آثار او جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده و ده ها رمان و داستان کوتاه او با این موضوع نوشته شده است. از این آثار در مجموع بیش از ۶۰۰ میلیون نسخه به فروش رسیده و فیلم های متعددی با اقتباس از این شخصیت راهی پرده سینما شده است. ژرژ سیمنون در سال ۱۹۸۹ در لوژان سوئیس درگذشت.

پییر سیمنون، پسر ژرژ سیمنون نویسنده بلژیکی و خالق شخصیتی چون کمیسر مگره هم به جرگه نویسندگان پیوست. نخستین کتاب سیمنون که با عنوان «به نام خون ریخته» منتشر شده، مثل آثار پدرش در زمره آثار جنایی می گنجد.

نویسنده در این کتاب ۴۰۰ صفحه ای به ماجراهای پنهانی مالی در بانک های سوئیس در جریان جنگ جهانی دوم پرداخته است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) پییر سیمنون که از ۲۰ سال پیش در آمریکا زندگی می کند این کتاب را به زبان انگلیسی نوشته است. او در این باره گفته اگرچه پدرم بلژیکی است، اما مادر من کانادایی است و من سال هاست در کالیفرنیا زندگی می کنم.

با این حال انتشارات فلاماریون فرانسه به دلیل شهرت نام سیمنون ترجمه و چاپ این کتاب به زبان فرانسوی را برعهده گرفت.

نویسنده که زبان فرانسه را با لهجه لوژان سوئیس، جایی که سال های نخست زندگی اش را در آنجا گذراند، صحبت می کند بر این امر تاکید دارد که اگر پسر

دو کتاب جدید از نشر آموث «دیدار» و «باغ اناری» در نمایشگاه کتاب

مدیر انتشارات آموث از انتشار دو کتاب جدید با عنوان «دیدار» نوشته ابراهیم میرقاسمی و «باغ اناری» به قلم محمد شریفی خبر داد.



یوسف علیخانی در گفت و گو با «کتاب هفته» ضمن اعلام این خبر یادآور شد: «چاپ اول این دو کتاب امسال در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از سوی نشر آموث در دسترس علاقه مندان حوزه ادبیات قرار می گیرد.»

علیخانی که خود از نویسندگان حوزه ادبیات است و تاکنون آثاری نظیر «اژدهاکشان»، «قدم بخیر مادر بزرگ من بود» و «عروس بید» را در کارنامه ادبی اش ثبت کرده، درباره کتاب «دیدار» گفت: «دیدار» نام معشوقه طاهر ذوالیمنین است و این رمان حکایت دلدادگی طاهر به او را شرح می دهد که نویسنده به موازات پرداختن به این حکایت، ماجرای جنگ های طاهر، ارتباطش با مامون، کشته شدن امین، بیعتش با امام رضا(ع) و نهایتاً کشته شدن طاهر توسط مامون را در بخش های کوتاهی آورده است.»

به گفته مدیر انتشارات آموث، این کتاب که نخستین رمان ابراهیم میرقاسمی است، در ۲۶۰ صفحه و با شمارگان ۲۲۰۰ جلد منتشر شده است. مدیر انتشارات آموث همچنین از چاپ یک مجموعه داستان با عنوان «باغ اناری» به قلم محمد شریفی خبر داد و گفت: «محمد شریفی تا امروز به واسطه تک داستان هایش شناخته شده و برخی داستان های کوتاه او به هفت یا هشت زبان نیز ترجمه و درباره آنها از سوی نویسندگان مطرح نظرانی ارائه شده است که «باغ اناری» در واقع شامل مجموعه داستان هایی از این نویسنده است.»

علیخانی همچنین از چاپ دو رمان دیگر از محمد شریفی با نام های «سرجوخه امین» و «باغ خرفه» در آینده ای نزدیک خبر داد.

ماجرای ترور اشرف پهلوی در فرانسه رمان شد

جواد افهمی، با استفاده از حادثه ترور اشرف پهلوی در فرانسه، رمانی را با عنوان «خورشید بر شانه راستشان می درخشید» نوشته که به زودی توسط نشر هیلا منتشر می شود. در این رمان به معرفی قوم بلوچ و نقش و چگونگی حضورشان در مبارزات انقلابی نیز پرداخته شده است. افهمی درباره این اثر اظهار داشت: «ماجرای ترور اشرف پهلوی در شهریور ۱۳۵۶ در فرانسه که در واقع علت آن سیاسی نبود، بلکه توسط قاچاقچیان بین المللی صورت گرفته، دستمایه نگارش رمان «خورشید بر شانه راستشان می درخشید» را فراهم کرد.»

وی ادامه داد: «در این رمان به صورت موزی، به معرفی قوم بلوچ و نقش و چگونگی حضورشان در مبارزات انقلابی پرداخته شده است.»

رمان «سوران سرد» نوشته افهمی و تولید مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری نیز به تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده که در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه می شود.

این رمان به موضوع خدمت سربازی دو نفر در دو پایگاه واقع در غرب کشور و رویارویی آنها با گروهک های ضد انقلاب پرداخته است.

مدیر سرای اهل قلم نمایشگاه کتاب خبر داد

۱۰ نشست با حضور سخنرانان خارجی، برنامه جدید سرای اهل قلم

عباسلو در پاسخ به این سوال که برنامه های امسال سرای اهل قلم تا چه حد بر اساس سنجش بازخورد برنامه های سال گذشته طراحی شده اند؟ گفت: «در مورد نشست های مناسبتی، بازخوردها را خیلی نمی سنجیم برای مثال، ایام شهادت حضرت زهرا(س) به خودی خود اهمیت دارد و شاید نیازی به سنجش بازخورد ندارد اما آن بخش از نشست ها را که می شد بر اساس بازخورد مخاطب سنجید، در جلسات مربوط به نمایشگاه به بحث گذاشتیم و تصمیم بر این شد که آن دسته از نشست ها که سال قبل با استقبال مخاطبان رو به رو شده باز هم در برنامه ها گنجانده شوند، برای مثال حضور بازیگران عرصه سینما و تئاتر یا حضور شاعران و ترانه سرایان با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه رو شد و به همین دلیل امسال هم سعی کردیم حتما این مقوله ها را لحاظ کنیم.»



عباسلو درباره نحوه مشارکت نهادها و مراکز علمی فرهنگی در برگزاری نشست های سرای اهل قلم نمایشگاه نیز یاد آور شد: «امسال هم مانند سال های قبل، تلاش کردیم برگزاری نشست ها را تا حد امکان به موسسات، مراکز و نهادهای علمی فرهنگی بیرونی واگذار کنیم و به عبارتی، سهم مشارکت آنها را افزایش دهیم و ارتباط شخصی من این است که در این زمینه موفق خواهیم بود.»

وی در ادامه تصریح کرد: «البته تعداد نشست هایی که این مراکز متقاضی برگزاری شان هستند، به مراتب بیشتر از ظرفیت نشست های نمایشگاه کتاب است و من همین جازمن عذرخواهی از مراکز و نهادهایی که برنامه پیشنهادی شان لحاظ نشده، این قول را می دهم که این نشست ها در طول سال در سرای دائمی اهل قلم خانه کتاب به مرور برگزار شود.»

سرای اهل قلم بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، امسال برای نخستین بار نشست هایی را با حضور سخنرانان خارجی با همکاری دفتر مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می کند.

احسان عباسلو، مدیر سرای اهل قلم بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، در گفت و گو با «کتاب هفته» ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: «با توجه به همکاری هایی که با دفتر مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی داشتیم امسال حدود ۱۰ نشست را با حضور صاحب نظران خارجی عرصه فرهنگ و ادب تدارک دیده ایم.»

عباسلو یادآور شد: «این نشست ها جدا و متفاوت از نشست هایی اند که هر سال از سوی دفتر مجامع و فعالیت های فرهنگی در بخش بین الملل نمایشگاه برگزار می شوند.»

مدیر سرای اهل قلم نمایشگاه بین المللی کتاب با اشاره به این که امسال نیز مانند سال های گذشته تعدادی از نشست های سرای اهل قلم به موضوعات مناسبتی اختصاص خواهند یافت، در این باره توضیح داد: «امسال بنا به مناسبت هایی که مقارن با نمایشگاه کتاب شده اند، از جمله سالروز شهادت حضرت زهرا(س)، شهادت استاد مطهری و تعدادی از شخصیت های علمی و فرهنگی که سالمرگ یا سالروز بزرگداشتشان مقارن ایام برگزاری نمایشگاه کتاب است نشست هایی را در نظر گرفته ایم.»

وی در ادامه افزود: «برخی نشست هایمان به مناسبت بزرگداشت شخصیت های مذهبی خواهند بود که سال گذشته فوت کرده اند از جمله آیت الله

محمد فاضل لنکرانی، بزرگداشت استاد خوانساری، علامه جعفری - که سال های گذشته نیز برگزار می شد - شناخت آثار و افکار علامه عسکری و برخی شخصیت های دیگر که برای هر یک، نشست پیش بینی شده است.»

مدیر سرای اهل قلم بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درباره برنامه های تدارک دیده شده به مناسبت روز ملی اکو که در سال های گذشته نیز برگزار می شد، اظهار داشت: «طبق روال سال های گذشته با همکاری اکو، روز ملی کشورها را برگزار خواهیم کرد که در این بخش نیز شاهد حضور مهمانان خارجی خواهیم بود که البته متولی این برنامه ها سفارتخانه های کشورهای عضو اکو مستقر در تهران خواهند بود.»

با ترجمه خرمشاهی و پیشگفتار سبحانی

«نیایش های مولانا» در نمایشگاه کتاب عرضه می شود

«نیایش های مولانا» با ترجمه بهاء الدین خرمشاهی و پیشگفتار توفیق سبحانی در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه می شود.

به گزارش ایسنا، فروزنده اربابی، نماینده بنیاد بین المللی مولانا، درباره این کتاب توضیح داد: «نیایش های مولانا» مجموعه دعاها و ذکر های مورد علاقه مولانا است و توسط یکی از نوادگانش حدود ۴۰۰ سال پیش گردآوری شده و در ترکیه به چاپ رسیده است.»

وی گفت: «دعاها و آیه های قرآنی این کتاب توسط بهاء الدین خرمشاهی ترجمه شده و پیشگفتاری ۲۲ صفحه ای و بسیار پرچنان توسط توفیق سبحانی بر آن نوشته شده است.»

نماینده بنیاد مولانا در ایران به علاقه مولانا به زیارت عاشورا اشاره کرد و گفت: «زیارت عاشورا یکی از دعاها ی مورد علاقه مولانا بوده که آن را زیاد می خوانده است؛ بنابراین در این کتاب، زیارت عاشورا توسط حجت الاسلام جعفری ترجمه شده و بهاء الدین خرمشاهی آن را ویرایش کرده است.»

او درباره صحت این کتاب هم گفت: «جمع آورنده کتاب، خود فردی ادیب و دانشمند بوده است؛ بنابراین در صحت و سقم آن هیچ شک و وجود ندارد.» به گفته اربابی، ترجمه انگلیسی «نیایش های مولانا» در آمریکا نیز منتشر شده است. او همچنین اظهار امیدواری کرد، این کتاب طی مراسمی در نمایشگاه کتاب رونمایی شود. «نیایش های مولانا» در ۱۶۰ صفحه، با شمارگان ۲۲۰۰ نسخه و قیمت شش هزار تومان با کاغذ گلاسه توسط نشر باغ به چاپ می رسد.



وزیر ارشاد از برگزاری کنگره شعر فاطمی در قم خبر داد

ادامه از صفحه اول

حسینی با اشاره به نام گذاری سال جاری از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال همت مضاعف و کار مضاعف گفت: «یکی از مصادیق همت و کار مضاعف، اهتمام به مطالعه و توسعه کتابخوانی است که امیدواریم با برگزاری نمایشگاه کتاب و ترویج کتاب، قدم های محکمی در این زمینه برداریم.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین سه شنبه گذشته در آیین پایانی نخستین همایش شاعران ایران و جهان که در سعده شیراز برگزار شد حضور یافت. وی در این مراسم هدف اصلی وزارت ارشاد را ارتقای جایگاه شعر و ادب فارسی دانست، از برگزاری چند مراسم و آیین بزرگداشت برای بزرگان ایرانی خبر داد و گفت: «این قضیه وظیفه ای بر دوش ماست و با همکاری اهل ادب انجام می شود؛ چرا که شعر و ادب در کشور ماسابقه ای طولانی دارد و برنامه های متعددی برای شعر معاصر باید داشته باشیم.»

شاعری که نام دخترش را شیراز گذاشت

این شاعر با اشاره به این موضوع که نام نخستین دخترش «شیراز» است اظهار داشت: «سال ها پیش قصیده ای درباره شیراز سرودم و بر همین اساس نیز نام دختر خود را شیراز گذاشتم. مطمئن هستم در بازگشت از این سفر که در طی آن از شیراز نیز دیدن کردم قصیده دیگری درباره شیراز می سرایم.» وی در ادامه تشریح کرد: «به شاعری از آمریکای جنوبی در این همایش برخورد کردم که ترانه هایی را درباره ایران و اماکنی که از آنها بازدید کرده بود می سرود. این امر تنها از رهگذر برپایی چنین همایشی میسر شده است.»



نخستین همایش شاعران ایران و جهان از ۲۸ فروردین تا یکم اردیبهشت در سه شهر تهران، اصفهان و شیراز برگزار شد. در این همایش بین المللی که به همت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، ۵۰ شاعر ایرانی و ۵۰ شاعر غیر ایرانی حضور داشتند.

نورالدین صمود، شاعر اهل تونس که در نخستین همایش «شاعران ایران و جهان» شرکت کرده بود از سرودن دومین قصیده اش در وصف شیراز پس از بازگشت از این سفر خبر داد. او پیش تر نیز قصیده ای را برای شیراز سروده است و نام دخترش را هم «شیراز» گذاشته است.

صمود در گفت و گو با خبرنگاری کتاب ایران (اینا) درباره همایش «شاعران ایران و جهان» گفت: «اگر این همایش برگزار نمی شد، قطعاً نمی توانستم با بسیاری از شاعران ایران و جهان از چین تا برزیل و به عبارت دیگر نیمی از کره زمین آشنا شوم.»

وی ادامه داد: «افزون بر این اطلاعات، یافته های بسیاری را درباره مسائل مذهبی ایرانیان، اقوام ایرانی و حتی کشورهای همسایه ایران از جمله عراق به دلیل آشنایی با شخصیت های مختلف کسب کردم.»



گزارشی از برگزاری نخستین همایش شاعران ایران و جهان

ایران، شاه بیت غزل شعر جهان

برگزاری نخستین همایش شاعران ایران و جهان طی چهار روز در چند شهر کشورمان، جنب و جوشی دلپذیر را در پهنه شعر و ادب ایران و جهان ایجاد کرد و حال و هوایی به سرزمین شاعر پرور و شعر دوستمان بخشید که عطر آن تا مدت ها، نه تنها مشام مردم ما، بلکه بسیاری از کشورها را آکنده خواهد کرد.

این همایش با حضور شاعران خارجی که از جمعه گذشته وارد خاک ایران شدند، به تدریج رنگ و بوی جدی تر به خود گرفت و وارد مرحله اجرایی شد. شاعران خارجی که بیشتر آنان پیش از این یکدیگر را ندیده بودند، در نخستین برنامه خود صبح شنبه (۲۹ فروردین) و پیش از آیین گشایش، از خبرگزاری کتاب ایران؛ به عنوان تنها و نخستین خبرگزاری تخصصی کتاب در سراسر جهان بازدید کردند که البته شگفتی زیاد آنان را نیز موجب شد.

در ادامه، شاعران که از آب و هوای بهاری تهران نیز بهره مند شده بودند، از ساعت چهار در تالار وحدت، آغازگر همایش با حضور رئیس جمهوری ایران شدند.

افتتاحیه ای فراموش نشدنی

آیین گشایش از ساعت چهار در تالار وحدت تهران آغاز شد، مراسمی که به واقع پر استقبال ترین مراسمی بود که در حوزه ادبیات در سال های اخیر برگزار شد، به نحوی که حتی یک صندلی خالی نیز در سالن وجود نداشت.

دکتر محمود احمدی نژاد، در این مراسم با قرائت ابیاتی از بزرگان ادب فارسی، به اصالت شعر حقیقت جو اشاره کرد و گفت: «من شاعر نیستم، اما شاعران و شعر و شاعری را دوست دارم و باید همین جا حسرت خود را به شما عزیزان که از سراسر دنیا به ایران آمده اید، اعلام کنم که به دلایل مختلف برای امثال من که دارای مسوولیت های اجرایی هستیم، فرصت شنیدن همه اشعار میسر نمی شود.»

رئیس جمهوری با اشاره به این که بالاترین تراوشات بدیع، از زبانی است که از آن محبت و عاطفه ابراز می شود، تصریح کرد: «زبان عاشق و شاعر، متفاوت از زبان حکیم و فیلسوف است و می داند عشق، مقوله ای است بی ابتدا و بی انتها.» وی با بیان این که «عاشق به هر سو بنگرد جز معشوق نمی بیند» گفت: «زبان فارسی، ظرف بی بدیل عاشقان دلسوخته است که با دلدادگی به حق، صاحب کلام ماندگار و نافذ می شوند. خوب که بنگریم، سلاطین عشق، دلدادگان به حق بوده اند.»

رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه با اشاره به شعر حافظ، گفت: «آن سلطان ملک سخن، مقام سلطانی را از بندگی سلطان آفرینش و گنج خویش را از خزانه آن پادشاه گرفته و آن گنج، عشق است. حافظ توجه به خداوند، عشق و دین را مایه ماندگاری می داند.»

رئیس جمهور تصریح کرد: «شاعران دلی عاشق و روحی رهمیده از دنیا و پیوسته به حق داشتند و اگر خوب بنگریم، واقعیت گسترده در همه فرهنگ ها و ملت ها این است که ماندگاران، عاشقان حقیقت جاویدند.»

دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز دیگر سخنران این آیین بود که از متنی شاعرانه برای سخنانش بهره برد و گفت: «شعر، چشمه ای از چشمه های جاودانگی است و اگر از کوهسار معرفت پر شود، همیشه زلال خواهد بود.» وی ادامه داد: «شعر، گاهی سیلابه های کویری و آلوده است، جریان دارد ولی نوشیدنی نیست. «عنصری» و «عسجدی» مصداق بارز این شعرند. این دو تن از فردوسی کم نداشتند، اما بری اگر



کاشتند، آفت زده بود. ولی شاهنامه که امسال از سوی یونسکو هزاره پایان سرایش آن اعلام شده، تاریخ را درنوردیده است.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: «در جمع شاعران بزرگ ایران و جهان از حافظه شان مددمی جویم. کجا شدند عجایب هفت گانه جز بخشی از اهرام ثلاثه؟ چه شد طاق کسری و شکوه تخت جمشید؟ اما سعدی و گلستان و بوستانش جاودانه شدند.»

حسینی افزود: «اگر امروز شاهد احیای کلام مولوی در قاره آمریکا به ویژه آمریکای لاتین هستیم، برای دست یابی ادیبان آن خطه به اشعار اوست. کتاب کیمیاگر نویسنده برزیلی، اگر میلیون ها نسخه فروش دارد، تنها از یک داستان مولانا نشأت گرفته است.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین تصریح کرد: «به میزان تطابق دایره های اندیشه های انسانی، امکان هم اندیشی به مرکزیت شعر وجود دارد و انتظار دارم دبیرخانه دایمی همایش، به طور جدی اعلام حضور کند و به جست و جوی بوته ها بگردد که مولانا و حافظ و رودکی و غیره، کار خود را کردند و اکنون نوبت شماست.»

وی با بیان این که شاعران برگزیده ایران ظرفیت جهانی شدن دارند، افزود: «امیدوارم این همایش سلسله تعلق و دریچه چشم انداز های زیبا را بر اندیشه های والا بگشاید.»

پیش از سخنان سید محمد حسینی، آیت الله محمدی کلپایگانی، رئیس دفتر مقام معظم رهبری نیز طی سخنانی گفت: «امیدوارم این همایش سرآغاز پیوند محکم ادبی بین کشورهای شرکت کننده باشد، زیرا زبان، رشته پیوند محکمی بین ملت هاست.»

وی ادامه داد: «یکی از معجزات شعر این است که هرچه سروده شود، باز موضوعات آن تمام نشدنی است که از کرامت شعر است و شعر چشمه زاینده رودخانه ای خروشان است که در اعصار و جغرافیا و زبان های مختلف وجود دارد.»

دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز که شعر در دوران مدیریتش، روزهای پر خیر و قابل توجهی را تجربه می کند، گفت: «آرزوی دیرینه برای اهالی فرهنگ و ادب دوستان بود تا چنین همایشی برگزار شود و امروز ما شاهد اجرایی شدن این امر مهم و آغاز حرکتی برای ارتباط بیشتر بین شاعران ایرانی با شاعران دیگر کشورهای جهانیم.»

وی در ادامه، از دوره ای برگزار شدن این همایش در آینده خبر داد و افزود: «بر اساس سیاستگذاری های

همایش بین المللی شاعران ایران و جهان به پایان رسید. در این مراسم، مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسوولان فرهنگی استان فارس، شاعران و میهمانان نخستین همایش «شاعران ایران و جهان» حضور داشتند که به ایراد سخنرانی، قرائت شعر و اجرای موسیقی سنتی پرداختند.

نورالدین صمود، شاعر تونسی، ساجی اف از روسیه، ابوطالب مظفری از افغانستان، منیر مزید از رومانی، مختار قاسم زاده، خالد محمد محمود از قطر، خاور تقوی شاعر پاکستانی و مصطفی اصلان از ترکیه، از شاعرانی بودند که در این مراسم به شعرخوانی پرداختند. همچنین، احد ده بزرگی، حمیدرضا شاکر ساری، محمد رضا خالصی، مصطفی محدثی خراسانی و محمود سجادی، از شاعران ایرانی بودند که در این شب شعرخوانی داشتند.

سرانجام در روز بزرگداشت سعدی، با گلباران مقبره شیخ اجل، نخستین همایش شاعران ایران و جهان نیز به پایان رسید تا قدم نخست در راه تعامل شاعران ایران و جهان برداشته شود، قدمی که می تواند با برنامه ریزی و ادامه حمایت از روند شعر کشور، نتایج پرباری داشته باشد.

مراسم روز بزرگداشت سعدی با شعرخوانی شاعران شرکت کننده در سعدیه شیراز با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، امام جمعه استان فارس و جمعی از مسوولان فرهنگی، شاعران و علاقه مندان حوزه شعر همراه بود. در این مراسم که دهقانان معاون سیاسی و امنیتی استانداری فارس، آیت الله ایمانی، نماینده ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه شیراز، دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و علی اکبر اشعری، معاون رئیس جمهور و رئیس مرکز اسناد و کتابخانه ملی، حضور داشتند، آیت الله ایمانی، با تاکید بر این که تاریخ بر تقدس و جایگاه و نقش شیراز در تعالی فرهنگ اسلامی و ایرانی گواهی می دهد، گفت: «در روزگار ما تجلیل از سعدی، تنها تجلیل از شعر و نثر شیوا نیست، بلکه تجلیل اخلاق و حکمت و معرفت بلیغ و رسا نیز هست.»

وی در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: «ذهن و زبان سعدی آن گونه که در آثار نظم و نثر او پیداست، پیوندی ناگسستنی با معارف اسلامی دارد و تسلط او به مبانی علوم قرآنی و برخی ترجمه های روان آیات و احادیث، نشان دهنده عمق نگاه این حکیم دوران ساز است.»

سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و شعرخوانی شاعران و اجرای موسیقی، بخش های دیگر این برنامه بودند.

محمدعلی بهمنی، پروانه نجاتی، محمدحسین جعفریان و صدرا ذوالریاستین، دیگر شاعران ایرانی بودند که در این مراسم شعر خواندند.

همچنین نوری الجراح، علی اورال و شاعرانی از چین، هند و بلغارستان نیز به قرائت شعرهایشان پرداختند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مراسم هدف اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ارتقای جایگاه شعر و ادب فارسی دانست و گفت: «این قضیه، وظیفه ای بر دوش ماست و با همکاری اهل ادب انجام می شود؛ چرا که شعر و ادب در کشور ما سابقه ای طولانی دارد و باید برای شعر معاصر برنامه های متعددی داشته باشیم.»

وی افزود: «در این راستا، به زودی کنگره شعر فاطمی در استان قم و چند مراسم و آیین بزرگداشت برای بزرگان ایرانی برگزار خواهد شد.»

شورای شعر فجر، برنامه هایی برای دوره ای برگزار شدن این همایش در آینده در دست داریم.» دکتر پرویز یادآور شد: «امیدواریم شرایطی برای برگزاری جشنواره شعر فجر فراهم شود تا بتواند در سایر نقاط جهان حضور یابد و به هم اندیشی با سایر شاعران بپردازد.»

همچنین، موسی بیدج، دبیر علمی همایش نیز گفت: «همواره سواالی وجود داشته مبنی بر این که کشور ما که شاعران بزرگی داشته است، جایگاه اکنونی شعرش کجاست و برپایی این همایش در حقیقت پاسخ به این پرسش است که جایگاه شعر امروز ایران در کجاست. شعر یک رسانه است؛ رسانه ای اصیل و نجیب.»

در این مراسم خورخه آر بلچه، اهل اروگوئه، کیتاکا و امبریا، شاعر کنیایی، جرج شکور، شاعر مسیحی لبنانی و سراینده منظومه «امام حسین (ع)» و یانیس ایفانتیس، شاعر یونانی، به قرائت سروده های خود پرداختند که ترجمه این شعرها به فارسی نیز قرائت شد. از میان شاعران ایرانی حاضر در این مراسم نیز علی معلم دامغانی، عرفان نظر آهاری و فاضل نظری به شعرخوانی پرداختند.

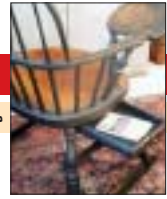
شعرخوانی بر فراز زاینده رود

شاعران در شامگاه شنبه (۲۹ فروردین) پس از شرکت در افتتاحیه، از کتابخانه ملی بازدید کردند و برای سفر روز بعد به اصفهان آماده شدند. از ظهر یکشنبه (۳۰ فروردین) شاعران ایرانی و خارجی همایش و نمایندگان رسانه ها، به شهر اصفهان پرواز کردند تا در تالار فرشچیان به شعرخوانی بپردازند.

مراسم شعرخوانی شاعران در تالار فرشچیان در میان ازدحام پر شور شعر دوستان اصفهان و با حضور شاعران ایران و جهان از ساعت ۲۰ آغاز شد. حضور مردم در این مراسم، اهمیت این برنامه را برای استان اصفهان که پایتخت فرهنگی کشور شناخته می شود، نشان می داد.

خسرو احتشامی، نخستین شاعری بود که با دو غزل در وصف سعدی و حافظ به شعرخوانی پرداخت. سومین روز نیز با گلباران مقبره صائب تبریزی و بازدید از اماکن تاریخی اصفهان به پایان رسید تا شیراز، سومین شهری باشد که در حافظیه و سعدیه از شاعران میزبانی کند.

شهر گل و بلبل از شاعران جهان میزبانی کرد
مراسم شب شعر شاعران ایران و جهان در حافظیه شیراز برگزار شد و با این برنامه، سومین شب از نخستین



مصطفی خلجی

نهم اردیبهشت، سالروز تشکیل شوراها در ایران است؛ نهادی که مردم را بر سر نوشت شان بیشتر حاکم می کند. از طرفی، اردیبهشت، با برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و تکاپوی ناشران سراسر کشور برای حضور فعال در این نمایشگاه و بازدید میلیونی ایرانیان از این اتفاق ملی، به ماه کتاب در ایران تبدیل شده است. تقارن این دو مناسبت، ما را بر آن داشت تا موضوع «شورای شهر تهران و کتاب» را با رییس این شورا، مهندس مهدی چمران در میان بگذاریم.

گفت و گوی کتاب هفته با رییس شورای شهر تهران

محل دائمی نمایشگاه کتاب، منتظر بخش خصوصی است

میلیارد تومان اعتبار برای کتابخانه ها در نظر گرفت. آیا شورا فکری برای تأسیس کتابفروشی در تهران و مناطق مختلف کرده است؟ چون کتابفروشی ها در تهران فقط در خیابان انقلاب و خیابان کریمخان متمرکزند.

قاعدتاً این طرح و برنامه را ما نباید داشته باشیم. این طرح را باید خود کتابفروشان و کسانی که فروشگاه دارند اجرا کنند. مثل «شهر کتاب» که شهرداری با آن همکاری زیادی داشت و الان هم تا آنجایی که من می دانم، فروشگاه های زیادی به صورت بخش خصوصی در نقاط مختلف تهران دارند. باید از اینها حمایت شود که بتوانند در کل شهر کتاب را توزیع کنند. من همیشه در فروشگاه های بزرگی که ساخته می شوند، اصرار دارم که حتماً یک غرفه کتاب هم باشد. ولی کتاب هایی که آنجا می گذارند کتاب های عمومی خوانند بود و بحث کتابفروشی به گونه ای است که برای هر صنف، دسته و گروهی، کتاب های خاصی را باید پیش بینی کند. بنابراین یک کتابفروشی در یک محله نمی تواند پاسخگوی همه باشد و در واقع صنف کتابفروشی با صنوف دیگر فرق دارد. بنابراین اجباراً باید یک جایی باشد که کتابفروشی های متنوع که کتاب های مختلف را می آورند، بتوانند کنار هم قرار بگیرند. تأسیس کتابفروشی عمومی هم در این شرایط کار دشواری است که آدم کتاب هایی را ارائه بدهد که با ذائقه همگان سازگار باشد و بتواند استفاده کنند. ولی با همه این تفصیلات من اصرار داشتم که حتی در فروشگاه های بزرگ هم ما غرفه کتاب داشته باشیم و حتی اگر سمبلیک هم باشد، این را به عنوان توجه به اهمیت کتاب انجام بدهیم.

چه تسهیلاتی برای کتابفروشان در نظر گرفته می شود؟

از مالیات وزارت دارایی معافند، از یک سوم عوارض هم همین طور؛ مثل عوارض پسماند یا عوارض فروشگاهی که البته اینها رقم بالایی نیست.

آقای مهندس! تهران به عنوان یک شهر فرهنگی حداقل در خود ایران و خاورمیانه مطرح است. ولی چرا وقتی به ظاهر شهر نگاه می کنیم، در زمینه مسایل فرهنگی به ویژه کتاب، توجه زیادی را نمی بینیم و فرهنگ نمود چشمگیری در ظاهر شهر ندارد. مثلاً تبلیغات کتاب در شهر تهران خیلی کم است.

بینید ذات کتاب با سایر مسائل به عنوان یک کالا متفاوت است. یک موقع یخچال و تلویزیون و اینگونه مسائل را تبلیغ می کنند و تبلیغ آن هم برای شناسایی است، اما کتاب به گونه دیگری است و اصلاً از این جنس نیست که بخواهد اینطور تبلیغ بشود. بنابراین نوع تبلیغات آن کاملاً باید متفاوت باشد با اینکه مثلاً یک بیلبورد بزنند و یک کتاب را تبلیغ کنند. قاعدتاً اگر یک کتاب بخواهد تبلیغ شود باید در همه شهر تبلیغ شود و این اولاً رقم بسیار بالایی را خواهد طلبید که کتاب و کتابخوانی با این شرایط محدود و بازده پایین اقتصادی که دارد، جوابگوی هزینه این تبلیغات نخواهد بود. ولی من صحبت شما را قبول دارم که تبلیغات متناسب با خود کتاب را هم در شهرمان نداریم و قاعدتاً باید در این زمینه فکر کنیم که شاید مثلاً داخل اتوبوس یا داخل ایستگاه مترو جاهای خوبی برای تبلیغ کتاب یا حتی ارائه کتاب باشد؛ کاری که الان شرکت مترو می کند و کتاب های جیبی را در ایستگاه ها ارائه می دهد یا در اتوبوس ها حتی جاهایی تعبیه شوند که شهروندان بتوانند کتاب برای مطالعه بگذارند یا حتی قرض بدهند.



را می سازیم و جلو می بریم. حتی اگر فزایندی کنیم و سالن های کوچکتر را اول بسازیم، به تدریج جلو می رویم. اما ان شاءالله امیدواریم که سرمایه گذاری بیاید و کار را در دست بگیرد.

تا زمانی که آنجا آماده نشده، نمایشگاه کتاب در مصلا برگزار می شود؟

جای دیگری را فکر نمی کنم بشود آماده کرد. یک نمایشگاه فرش را موقتاً سال ۸۳ پیش بینی کردیم که برای نمایشگاه کتاب کوچک است و قاعدتاً الان امکانات مصلا بهتر است.

خودتان بهتر می دانید که تهران در بین استان های کشور، به لحاظ فضای کتابخانه ای فقیرترین است.

بحثی که در مورد فقر کتابخانه در تهران مطرح شده کاملاً درست است. فقط هم کتابخانه نیست. ما در مورد سایر خدمات هم همین مشکل را داریم و این فقر همه زمینه ها هست. حتی در مورد خدمات ورزشی و فضای سبز و مدرسه هم هست. متأسفانه در تهران کمتر به این توجه می شود که این شهر یکی از محروم ترین شهرهاست. اگر مثلاً با استان ایلام مقایسه کنید، می بینید که از حیث فضای کتابخانه ای کمتر است اما در نقاطی تراکمی از اینها وجود دارد که البته در سطح محله و شهر استفاده نمی شود و مورد استفاده ملی قرار می گیرد. مثلاً ورزشگاه آزادی یک فضای ملی است. مردم شهر که نمی توانند بروند آنجا ورزش کنند. اصلاً نمی توانند استفاده کنند. یا مثلاً مردم منطقه ۱۲ تهران حتی یک فرهنگسرا ندارند و در حقیقت یک کتابخانه درست و حسابی هم ندارند. این امر فقر تهران را می رساند. البته در این زمینه، یکی از جاهایی که تلاش می کند شهرداری تهران و شورای شهر است که باید کتابخانه های جدید احداث کند. ما هر فرهنگسرای که احداث می کنیم، حتماً باید در آن کتابخانه باشد. نهاد کتابخانه های عمومی کشور هم در این زمینه تلاش می کند. الان بحث انجمن خیران کتابخانه ساز را دارند که حالا پیشنهاد داده اند و ما هم با آنها همکاری و در هیأت امنای آنها حضور داشته باشیم.

برنامه ویژه ای در زمینه تأسیس کتابخانه در شورا تصویب شده است؟

ما برنامه ویژه ای برای این کار تنظیم نکرده ایم ولی همانطور که گفتم، تمام مراکزی را که تحت نظارت ما قرار دارند به کتابخانه تجهیز می کنیم و خود این، برنامه ای است که موجب گسترش کتابخوانی خواهد شد. عموماً بودجه هایی هم که می گذاریم، بودجه های بالایی اند. مثلاً سال گذشته شهرداری حدود ۲۰۵

رفت و آمدش سخت است. جای دیگری را که انتخاب کردیم و دسترسی مردم به آن بیشتر است، شهر آفتاب بود. در طرح جامع شهر آفتاب پیش بینی یک نمایشگاه شده بود که برای میزان فضای نمایشگاه صحبت کردیم و مساحت آن افزایش داده شد. به گونه ای که فضای بسیار مناسب و خوبی به وجود بیاید. شهر آفتاب جای مناسبی است و دسترسی های خوبی دارد؛ از جاده قم یا بهتر بگویم بزرگراه خلیج فارس و از جاده ساوه و بزرگراه آزادگان می شود به آن دسترسی داشت حتی می شود بزرگراه های دیگری هم برای آنجا تعبیه کرد و علاوه بر همه اینها، مترو تا مرقد حضرت امام (ره) می رود و کافی ست که ما یک ایستگاه هم آن طرف، کنار نمایشگاه پیش بینی کنیم که پیش بینی هم شد و الان آماده است. با اتوبوس و وسایل شخصی هم می شود رفت و آمد کرد. همچنین، ما فکر کردیم که در کنار آن، دو هتل هم برای مسافران خارجی و داخلی و یک فروشگاه بزرگ هم ساخته شود.

ساخت آنجا آغاز شده است؟

ساختن آنجا بودجه بالایی را می طلبد که الان شهرداری نمی تواند مستقلاً آن را تأمین کند و بسازد. چون نمایشگاه چیزی نیست که شهرداری آن را بسازد. آن نمایشگاه را هم وزارت بازرگانی ساخته بود. اینجا را هم خوشبختانه وزارت بازرگانی الان آمادگی دارد که همکاری کند ولی ما می دانیم که وزارت بازرگانی هم نمی تواند این کار را به تنهایی انجام بدهد. بهترین کار، کمک گرفتن از بخش خصوصی و سرمایه گذاری است. حالا سرمایه گذارانی هم اعلام آمادگی کرده اند. مثلاً یک نفر آمد حتی قرارداد هم بست اما به دلیل رکود اقتصاد جهانی نتوانست سرمایه گذاری کند، چون از کشورهای عربی و دبی آمده بودند. الان هم با چند نفری مشغول صحبت و بحث و گفت و گو هستیم. اینجا هنوز ساخته نشده و البته اگر ساخته شود برای نمایشگاه کتاب که هیچ، بلکه برای همه نمایشگاه ها مناسب است؛ زیرا سالن های متعدد با همه امکانات رفاهی خواهد داشت.

آیا شهرداری بودجه ای برای ساخت آن اختصاص نداده است؟

ما امسال بودجه ای حدود ۴۰ یا ۴۵ میلیارد تومان برای زیر ساخت های آن پیش بینی کردیم. گفتیم حداقل مثل بیابان نباشد. آب و برق و فضا سازی و جاده سازی را پیش بینی کردیم که اگر اینها صورت بپذیرد، زمین برای هر کسی که خواست آنجا سرمایه گذاری کند، آماده است. حالا اگر کسی هم نیامد، آنجا

آقای مهندس! با توجه به این که برگزاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نزدیک است، برنامه های این شورا برای بهتر برگزار شدن این نمایشگاه چیست؟

نخستین بار، موضوع برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، به دلیل ازدحام زیاد آن، در شورای دوم مطرح شد. نمایشگاه کتاب که در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران در بزرگراه شهید چمران برگزار می شد، در کنار دیگر نمایشگاه های عامه پسند، مثل نمایشگاه بهاره و نمایشگاه اوتومبیل، ترافیک زیادی در بزرگراه های اطراف ایجاد می کرد. اختلاف نظرهایی میان شورای شهر، وزارت بازرگانی و دولت وقت پیش آمد. حتی به تنش هایی هم انجامید. ما سخت اعتقاد داشتیم که این گونه نمایشگاه ها نباید آنجا باشند و دلایلش را هم بیان کردیم. البته دولت هم وقتی دید که ما این را از روی منطق و دلسوزی مطرح می کنیم، پذیرفت و خودش هم به این نتیجه رسید و تفاهم شد که نمایشگاه های پر ازدحامی که افراد زیادی را در خودشان جمع می کنند و زیاد هم تخصصی نیستند، در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران برگزار نشوند. دوستان گفتند نمایشگاه کتاب هم جزو این گونه نمایشگاه هاست و نباید در آن جا برگزار شود. مطبوعات بحث های زیادی مطرح کردند که نمایشگاه کتاب کجا برگزار می شود؟ و حیف است که بعد از سال ها این نمایشگاه که حتی در دوران دفاع مقدس و جنگ هم برگزار می شد، الان تعطیل بشود. ما با مسؤولان مصلاي تهران و همینطور معاون فرهنگی وزیر ارشاد و یکی دو نفر از اعضا و رییس کمیسیون فرهنگی شورای شهر جلسه ای ترتیب دادیم و در آنجا این بحث مطرح شد، راهی که بتواند پاسخگوی این تعداد جمعیت مشتاقی که برای نمایشگاه کتاب می آیند، نداریم جز این که نمایشگاه کتاب در مصلاي تهران برگزار شود تا این نمایشگاه بین المللی که جایگاه بالایی را بین همه کشورها باز کرده و خودش یک برندی شده و شأنی دارد، از بین نرود. خوب دوستان مسؤول در مصلا هم لطف کردند و این را پذیرفتند و جلسات دیگری هم گذاشته شد تا این نمایشگاه به خوبی برگزار شود.

برای آینده نمایشگاه کتاب چه فکری شده است؟ چه مکانی برای برگزاری مناسب این جشن ملی در نظر گرفته شده؟

مکان قبلی نمایشگاه کتاب تهران به لحاظ دسترسی و فضا، خوب بود، اما از نظر ساختمان ها، قدیمی و مناسب نمایشگاه کتاب نبود. استانداردهای لازم را هم نداشت. چند سال پیش هم در آن جا آتش سوزی شد و مشکلات زیادی پیش آمد. اساساً محل دائمی نمایشگاه بین المللی تهران برای امور تجاری و اداری مناسب نیست و بیشتر باید برای فعالیت های علمی، فرهنگی و نظایر آن استفاده شود تا تردد زیادی نداشته باشد. حتی عده ای می خواستند آنجا را بخرند و به کاربری های دیگر تبدیل کنند ولی ما اعلام کردیم که کاربری فضای سبز آنجا قابل تغییر نیست.

برای مکان نمایشگاه کتاب هم مطالعاتی صورت گرفت و دو مکان بیش از همه مطرح شد. یکی نمایشگاه پرند بود که از سال ها قبل یعنی از سال ۷۹ یا ۸۰ مطرح است. فکر می کنم سال ۸۳ بود که این بحث مطرح شد که نمایشگاه پرند، اصلاً به مرکز تجارت جهانی تبدیل شود. به دلیل اینکه زمین بسیار وسیعی دارد و به فرودگاه هم نزدیک است برای مردم شهر بسیار دور است و



گام به گام تا برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

اقتدا به کتاب در مصلاي امام خميني (ره)

دکتر محسن پرویز، رئیس بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از دستور ویژه رئیس جمهور برای ارائه تخفیف های ویژه به دانشجویان در بیست و سومین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خبر داد. به گفته وی، با همکاری بانک صادرات، غرفه هایی در نظر گرفته شده اند که دانشجویان با پرداخت مبلغ ۱۰ هزار تومان، کارت بی نام خرید الکترونیک شارژ شده بیست هزار تومانی دریافت خواهند کرد.

وی ادامه داد: «در این توافق نامه مقرر شد تا اداره های کل ارشاد استان ها با دانشگاه های محل و استان خود مکاتبه و اعلام آمادگی کنند که در صورتی که دانشگاه ۵۰ درصد سهم خود را به ازای هر دانشجو بپردازد، ۵۰ درصد دیگر را نیز اداره های کل به نمایندگی از معاونت فرهنگی شارژ خواهند کرد.»

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: «در جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی، این بحث را با وزیران آموزش عالی و بهداشت نیز مطرح کردیم که با استقبال آنها رو به رو شد و حتی دکتر کامران دانشجو تاکید کرد در صورتی که نیاز به مساعدت این وزارتخانه باشد، آماده همکاری است.»

وی تصریح کرد: «در این دوره قرار شد با توجه به تاکید رئیس جمهوری برای ارائه تخفیف ها به دانشجویان و طلبه ها، تسهیلات دیگری نیز برای آنها مهیا کنیم.»



آن ناشران قرار می گرفت. البته در برخی موارد و بر اساس معیارهایی، مترایز غرفه ها نسبت به سال های گذشته افزایش هم داشته است.»

نگاه ویژه رئیس جمهوری به نمایشگاه بیست و سوم

اهتمام به برگزاری مطلوب نمایشگاه کتاب تهران تنها محدود به مدیران حوزه فرهنگ نیست؛ چراکه در این دوره، دکتر محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری نیز نگاه ویژه ای به این رخداد عظیم فرهنگی داشته است.

داشته است و تا هفتم اردیبهشت غرفه ها تحویل ناشران می شوند. در مجموع ۲۵۰ غرفه برای بخش کودک و نوجوان نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در نظر گرفته شده است.

انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان که آماده سازی بخش کودک و نوجوان نمایشگاه را بر عهده دارد نیز اعلام کرده است که به صد درصد درخواست های ناشران برای حضور در نمایشگاه کتاب پاسخ مثبت داده شده است. امسال به دلیل عملیات عمرانی مصلی، غرفه های کودک و نوجوان، آموزشی و دانشگاهی در سازه های ویژه برپا شده اند.

توانمندی فرهنگی کشور

برگزاری مهم ترین رویداد فرهنگی کشور برای همه مسوولان نظام از اهمیت زیادی برخوردار است و شاید هیچ رویداد فرهنگی دیگری تا این اندازه مورد توجه مردم کشور قرار نگیرد.

از همین رو، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز که در جلسه شورای سیاست گذاری شرکت کرده بود، بر ارائه امکانات آسایشی و رفاهی تاکید کرد.

دکتر سید محمد حسینی با اشاره به این که نمایندگان نهادهایی نظیر؛ شهرداری تهران، اورژانس، آتش نشانی، مخابرات، نیروی انتظامی، حمل و نقل، مترو و بسیاری سازمان های دیگر در برگزاری نمایشگاه کتاب همکاری می کنند گفت: «هر قدر نمایشگاه بهتر برگزار شود، نشانه توانمندی ناشران و نمایشگر چهره علمی فرهنگی کشورمان خواهد بود.»

حسینی ادامه داد: «نمایشگاه کتاب تهران، رخدادی بین المللی است و در این دوره امکانات مناسبی برای رفاه حال شهروندان تدارک دیده شده، نهادهای متعددی برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، با مسوولان اجرایی همکاری داشته اند و هماهنگی های مناسبی نیز در این زمینه با این نهادها صورت گرفته است.»

هیچ ناشری امتیاز ویژه ندارد

محمود سالاری، مدیر کمیته ناشران داخلی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، با تاکید بر این که همه تلاش ها انجام شده تا هیچ امتیاز ویژه ای برای ناشر خاصی لحاظ نشود گفت: «تخصیص غرفه های نمایشگاه تنها بر اساس اطلاعات موجود و ثبت شده در موسسه خانه کتاب بوده است. اگر تفاوت اندکی در مترایز غرفه ای نسبت به گذشته دیده می شود، تنها به دلیل حجم و فعالیت کاری ناشران است.» وی گفت: «از این بابت که مترایز اندکی از غرفه ها نسبت به گذشته کم شده، خوشحال نیستیم و دوست داشتیم فضاهای بیشتری در اختیار

در حالی که کمتر از دو هفته به آغاز برگزاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران باقی مانده، فضای مصلاي امام خميني (ره) نمایانگر آمادگی کامل بخش های مختلف برای میزبانی مهم ترین رویداد فرهنگی کشور است.

در هفته گذشته تازه ترین نشست مشترک نمایندگان نهادهای شهری با اعضای کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران و مدیریت نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد. در این نشست، مرتضی طلائی، عضو کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران، با بیان این که نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، رویدادی متعلق به نظام، انقلاب و همه مردم ایران است، افزود: «همه نهادها و سازمان ها باید تلاش کنند تا با ایجاد شرایط مطلوب، همکاری مناسبی را با برگزار کنندگان نمایشگاه داشته باشند.»

حمید قبادی، معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نیز با تشکر از همکاری نهادها و سازمان های مختلف و توجه شورای شهر تهران برای برپایی نمایشگاه کتاب تهران، آخرین هماهنگی ها را با آنها در میان گذاشت. وی گفت: «هر سال هماهنگی و همکاری مستمری با نهادهای مختلف برای ایجاد بسترهای مناسب و مطلوب برای علاقه مندان کتاب داشته ایم که در سال جاری این همکاری و هماهنگی ها بسیار زودتر آغاز شد و در آمادگی کامل به سر می بریم.»

وی با قدردانی از زحمات شهرداری تهران و آماده سازی فضای مصلی، تصریح کرد: «همه بخش ها آماده اند تا از خدمات نهادهای شهری برای برگزاری و حفظ ایمنی بهره مند شوند.»

در این نشست همچنین نمایندگان سایر نهادهای شهری نیز با اعلام آمادگی و بررسی مسایل موجود، به کارشناسی مباحث حوزه تخصصی خود پرداختند. نمایندگان سازمان آتش نشانی نیز با بیان این که مسیرهای امدادی به وسیله کارشناسان بازبینی شده، آمادگی شان را برای برگزاری جلسات توجیهی و آموزشی با ناشران اعلام کردند. نمایندگان سازمان اصناف کشور، شهردار منطقه هفت تهران، مترو، سازمان زیباسازی، نماینده اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران و برخی دیگر از نهادهای نیز از دیگر حاضران در این جلسه بودند.

بانک ها در آمادگی کامل

شعبه های بانکی توزیع کننده کارت خرید کتاب های خارجی آماده خدمت رسانی به بازدید کنندگان بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران هستند.

علی قمری، مدیر اجرایی بانک صادرات در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، ضمن بیان این مطلب گفت: «متقاضیان دریافت خرید کارت کتاب های خارجی از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، می توانند از اول تا یازدهم اردیبهشت در استان ها و از ۴ تا ۱۳ اردیبهشت در تهران برای خرید این کارت ها به شعب منتخب بانک صادرات مراجعه کنند.»

قمری با بیان این که بانک صادرات ایران ۱۱۷ شعبه را برای مراجعه متقاضیان کتاب در سراسر کشور معرفی کرده است اظهار داشت: «در زمان برگزاری نمایشگاه کتاب تهران نیز حدود سی باجه آماده فروش کارت خرید کتاب های خارجی خواهند بود.»

۲۵۰ غرفه برای ناشران کودک و نوجوان

مسوولان آماده سازی بخش کودک و نوجوان نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خبر دادند که آماده سازی غرفه های این بخش پیشرفت ۹۰ درصدی

«به نام چاشنی بخش زبان ها»

فراخوان عضویت در دفتر شعر جوان

دفتر شعر جوان برای سیزدهمین دوره فعالیت خود از میان شاعران جوان سراسر کشور عضو می پذیرد.

از شاعران علاقه مند (۱۵ تا ۲۵ ساله) برای عضویت در دفتر شعر جوان دعوت می شود فرم فراخوان را تکمیل و به همراه تصویر کارت ملی و سه نمونه از شعرهای خود برای بررسی، حداکثر تا دهم خرداد ماه ۱۳۸۹ به نشانی دفتر شعر جوان ارسال کنند.

تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید کلاهدوز، نبش خیابان نعمتی، دفتر شعر جوان و یا نشانی اینترنتی www.poetryoffice.ir

تلفن: ۹-۲۲۶۱۷۱۷۸

فرم درخواست عضویت در دفتر شعر جوان

نام و نام خانوادگی:

محل سکونت:

سال و محل تولد:

شغل:

تحصیلات:

نشانی و تلفن:



ارزیابی رویدادهای سال های اخیر در عرصه شعر از نگاه چند شاعر

حافظ و سعدی، دور از هیاهوی سازمانی ماندگار شدند

شاعران را امری بسیار ضروری می دانم. چون، حوزه شعر با حمایت و دلگرمی دادن به شاعران، تعالی می یابد و پویا می شود. به اعتقاد من، وضعیت موجود مطلوب است و تنها به حمایت بیشتر مادی و معنوی از دست اندرکاران امور فرهنگی ارشاد نیاز دارد.»

سجادی که یکی از شاعران حضور یافته در همایش شاعران ایران و جهان بود، درباره عملکرد سال های اخیر معاونت فرهنگی وزارت ارشاد نسبت به برپایی رویدادهای موثر بین المللی در عرصه شعر نیز حرف هایی داشت. وی گفت: «من همواره در سال های اخیر نظر مساعدی نسبت به فعالیت های ارشاد در حوزه شعر داشته ام. مثلاً همین همایش اخیر حاصل مطلوبی جز تقریب و آشنایی شاعران ایران و جهان با یکدیگر و ایجاد فضای دوستی و همدلی با هنرمندان دیگر ندارد. در این همایش ما با بیش از ۵۰ شاعر خارجی حشر و نشر می کنیم. کسانی که انگلیسی بلدند، با یکدیگر گفت و گو می کنند و تعدادی از آنها در همین زمان محدود کمی زبان فارسی آموخته اند. ما در این همنشینی ترجمه اشعار یکدیگر را می بینیم و تلفن و ایمیل رد و بدل می کنیم. چند روز پیش، با شاعری هنگام صرف صبحانه آشنا شدم که اصلاً نیما را نمی شناخت و فقط نام سعدی و حافظ و مولانا را شنیده بود و من فرصتی یافتم که درباره ادبیات و شعر معاصر برای او توضیح دهم.

در هر حال من به عنوان یک شاعر ایرانی، بسیار خوشحالم که مجالی برای همزبانی با شاعرانی از اقصی نقاط دنیا پیدا کرده ام. این رویدادها در حالی اتفاق می افتند که شاعران چند دهه گذشته با برج عاج نشینان بی تفاوتی بودند یا در فضای محدودی به خلق اثر می پرداختند و در محاق بی توجهی گرفتار مانده بودند.»

سجادی همچنین با بیان اینکه «هر رخدادی در آستانه نوپایی با کاستی هایی نیز روبه روست.» ادامه داد: «تلاش ها و زحمات پدید آورندگان چنین اتفاقاتی را قدر می نهم؛ چرا که گردهم آوردن ۵۰ شاعر غیر ایرانی و برنامه ریزی برای این گونه همایش ها کار آسانی نیست. امیدوارم که این گونه برنامه ها در سال های آتی نیز با دسته بندی خاصی از شاعران اقصی نقاط جهان برگزار شود و مجال چاپ و ارایه آثار آنان نیز بیشتر فراهم آید.»

کارنامه ای روشن، با قابلیت الگوبرداری

با جمع بندی این نظرات، آنچه بدیهی است و رخ دادن آن در هر موقعیتی حرکتی قابل توجه به شمار می آید، موضوع هم اندیشی و پرهیز از انزوا طلبی در عرصه ادبیات و هنر است که می تواند زمینه های شکوفایی ادبیات معاصر ایران را در حوزه های گوناگون مهیا سازد. این در حالی است که حاصل پاگرفتن محافل برای نشست و برخاست و گپ و گفت شاعران و نویسندگان با یکدیگر، قبل از هر چیز، روح انگیزه و حرکت را در خلق آثار هنری می دمد و افق هایی امیدوارانه و به دور از هر گونه تنگ نظری را در معرض دید همگان قرار می دهد.

شعر و شاعری این سال ها، از منظر هر صاحب نظر منصفی، وضعیتی به مراتب بهتری از دوره های پیشین داشته و معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت نهم و دهم، تا کنون در کارنامه خود، برگزاری جشنواره های شعر فجر، انتشار یکصد و بیست و شش دیوان شعر از شاعران معاصر توسط نشر تکا، تعامل و همکاری کامل و موثر با دفتر شعر جوان، توجه ویژه به بحث شعر و شاعران جوان در انواع جشنواره های ادبی، برپایی نخستین همایش شاعران ایران و جهان و... راه ثبت رسانده است؛ کارنامه ای که روشن، قابل دفاع و مستحق تقدیر و الگو برداری است.



عباس سجادی

بیگی حبیب آبادی

محمود سجادی

وزارت ارشاد تعاریف و مسوولیت های مشخصی دارد. چه بسا که این رویکرد به جای تعامل، سبب تقابل شود؛ چرا که تعدد گاهی به مناقشه می انجامد.»

بیگی حبیب آبادی در این باره بیشتر توضیح داد و گفت: «معاونت فرهنگی ارشاد ساختاری تجربه مند دارد و دارای گذشته و پیشینه است و مسلماً بنای چنین برنامه ریزی هایی باید باز هم همان جا ریخته شود و بدیهی است که این گونه، نتیجه بهتری حاصل خواهد شد.»

این شاعر در ادامه سخنانش بر دوری جستن از هر گونه شتابزدگی نیز تأکید کرد و افزود: «با حوصله و تأمل بیشتری وارد عمل شویم و در ابتدا به جمع آوری و ارزیابی نظر ها به شیوه ای منطقی و علمی بپردازیم و کارگروه های تخصصی را برای آن فعال کنیم.»

وی در پایان با عملکرد متفاوت معاونت امور فرهنگی وزارت در سال های اخیر و در راستای اهمیت به نیاز های این عرصه گفت: «رویدادها و توجه ویژه چند سال اخیر در حوزه شعر و شاعری، همواره در ذهن شاعران بوده؛ مسائلی که از نظر دولتمردان پیشین، تقریباً دور مانده بود و به آنها ترتیب اثر داده نمی شد، ولی دلسوزی های این معاونت همراه با اعمال مدیریت موفق، سبب شد تا رضایت کامل عزیزان شاعر فراهم شود.»

حافظ و سعدی، دور از هیاهوی سازمانی ماندگار شدند

اما محمود سجادی، شاعر نام آشنای دیگر، درباره مدیریت ها در حوزه شعر نظرات متفاوتی داشت. او شعر را موضوعی فرادولتی و رها توصیف کرد و سازمانی شدن صرف آن را امری نامطلوب دانست.

وی در این باره توضیح داد: «حافظ، سعدی و مولانا با آن همه عظمت و حتی نیمای همین روزگار، به دور از هیاهوی سازمانی شعر می سرودند و در آن مقام، شاعران ماندگاری شدند. بنابراین، باید به صراحت گفت که خود شعر و شاعری ارزشی غیر قابل سنجش با این مقوله ها دارند. شاعر باید بتواند در هر شرایطی شعر بگوید و من با هر گونه پیشنهادی که درباره اختصاص سازمانی دولتی به حوزه شعر باشد، چندان موافق نیستم اگر چه ایجاد تمهیداتی برای حمایت از

یا سازمانی در حوزه شعر را با رییس جمهور و دیگر حاضران در برنامه مطرح کردم که البته اذعان دارم بستر شکل گیری ارایه این نوع از پیشنهادها را تنها فعالیت ها و دلگرمی های معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی میسر کرده است.»

وی افزود: «این پیشنهاد من هیچ منافاتی با زحمات بی دریغ و رویکردهای موثر معاونت امور فرهنگی در حوزه شعر ندارد؛ چرا که این معاونت بنیانگذار فضا و تشکیلاتی در حوزه شعر و اهمیت بخشی به شاعران بود که نتیجه آن، تعامل شاعران و فعالان این حوزه با دولتمردان است.»

سجادی، نگاه ویژه معاونت فرهنگی را به حوزه شعر، سبب ساز برپایی این رخدادها دانست و تصریح کرد: «در هر حال، معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، طراح اصلی برپایی جشنواره شعر، همایش شاعران ایران و جهان و گردهمایی های شاعران در کشور است و ثابت کرده که حمایت و توجه به حوزه شعر را همواره مد نظر داشته است.»

سجادی همچنین برپایی جشنواره ها و سمینارها در عرصه شعر را رخدادهایی منجر به نیازسنجی در این حوزه بیان کرد و گفت: «به اعتقاد من فعالیت های مستمر و هدفمند معاونت فرهنگی ارشاد سبب شد که این حوزه با نیازهای خود بیشتر آشنا شود و من در همین جایز دکتر محسن پرویز و نگاه خاص ایشان به بخش شعر و ادبیات تشکر می کنم.»

نظرها را منطقی و علمی ارزیابی کنیم

مسأله انتظار شاعران برای سر و سامان یافتن کامل حوزه شعر و حمایت از عملکرد معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد در راستای تحقق اغلب خواسته های جامعه شعری کشور نیز از موضوعاتی بود که پرویز بیگی حبیب آبادی در گفته هایش به آنها اشاره کرد.

وی معاونت فرهنگی ارشاد را نهادی ساختارمند و قانونی برای برنامه ریزی های حوزه شعر دانست که نسبت به دوره های گذشته موفق تر عمل کرده و همواره مشوق شاعران بوده است. وی همچنین برنامه های اجرا شده در این معاونت را گزینه هایی در ذهن شاعران بیان کرد که در سال های اخیر محقق شده اند.

این شاعر همچنین درباره پیشنهادی که در مراسم گشایش مراسم همایش شاعران ایران و جهان مبنی بر شکل گیری نهادی مستقل برای شعر به رییس جمهور داده شد، گفت: «به اعتقاد من، عملیاتی و اجرایی کردن هر پیشنهادی باید به دقت صورت بگیرد تا به نتیجه مطلوب برسد و بهتر است در چند کارگروه تخصصی انجام شود.»

بیگی حبیب آبادی در ادامه به آفت هایی که گاهی حاصل تعدد برخی مراکز با تعاریفی تقریباً یکسان است، اشاره و خاطر نشان کرد: «از سویی دیگر باید این مسأله را در نظر داشت که شاکله تعریف شده برای معاونت فرهنگی در حیطه این گونه برنامه ریزی ها و تصمیم گیری هاست و این معاونت در این راستا در

دیر زمانی از برپایی چهارمین دوره جشنواره بین المللی شعر به همت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نگذشته بود که خبر همایشی با نام «شاعران ایران و جهان» بار دیگر جامعه شعر کشورمان را در چرخه توجه خبری قرارداد و موضوع گردهمایی شاعران، سمینارها و شعر خوانی ها دوباره رونق گرفت.

شاید اگر به سال های دورتر نظر افکنیم و تاملی عمیق تر را به جان حافظه مان اندازیم، به یاد آوریم که شنیدن نام جشنواره شعر چقدر برایمان جالب و البته دیر باورانه بود؛ آن هم در زمانی که تنها نام جشنواره را بر فیلم براننده می دیدیم و بس. در دوره ای که شعر به لحاظ انزوای او ایس شاعران، روزگاری رخوتناک را می گذراند، نام جشنواره شعر، که در دولت نهم بر سر زبان ها افتاد، خونی تازه را در رگ های شعر معاصر دمید تا روزگار شعر بی بازار و شاعر خسته، به سر آید؛ هر چند که چند سال بعد جشنواره تجسمی فجر نیز به جشنواره فیلم و شعر پیوست و دنیای شعر و هنر رسمیت و نشاطی دیگرگونه یافت. البته برگزاری همایش شاعران ایران و جهان نیز دست مرزبانی دیگر به دست اندرکاران و مسوولان امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که همچنان توجه و نگاهی هدفمند را به حوزه شعر دوخته و برآند تا این ودیعه تاریخی کشورمان را به درستی هدایت و حمایت کنند.

نخستین همایش شاعران ایران و جهان، غیر از پیگیری اهدافی در سطح ملی، به جهانی شدن شعر این مرز و بوم نیز نظر دارد؛ جهانی شدنی که این بار با زبان شعر معاصر سخن می گوید و شاعران را به تعاملی بین المللی دعوت می کند؛ شاعرانی که با شکل گیری چنین رویدادهایی، روحی نشاط انگیز را در عرصه شعر احساس کرده اند که در خود، از گردهمایی های هدفمند و گفت و شنودهای امیدوارانه نشان ها دارد.

اینک، به انگیزه برشمردن فعالیت ها و نیز ارزیابی فعالیت های معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد در حوزه شعر به عنوان متولی امور فرهنگی اینچنینی، با چند شاعر کشورمان گفت و گو هایی انجام دادیم؛ این گفت و گو ها در حالی شکل گرفت که برخی شاعران درباره پیشنهادی که در مراسم آیین گشایش همایش شاعران ایران و جهان به رییس جمهور داده شد نیز سخن گفتند. پیشنهادی که از سوی مجری برنامه مطرح و از سوی رییس محترم جمهور، با عنوان «انتصاب قائم مقام وزیر ارشاد در حوزه شعر و ادب» استقبال شد.

طراح اصلی برپایی جشنواره شعر معاونت فرهنگی است

عباس سجادی، شاعری که اجرای مراسم نخستین همایش شاعران را بر عهده داشت، در گفت و گو با «کتاب هفته» دیدگاه های خود را نسبت به رویدادهای حوزه شعر در سال های اخیر بیان کرد و فعالیت های معاونت امور فرهنگی را بستری برای شکل گیری فضای گفت و گو و تعامل شاعران با دولتمردان دانست.

وی همچنین برپایی جشنواره شعر فجر، همایش شاعران ایران و جهان و دیگر برنامه ریزی ها در کارنامه کاری این معاونت را بر گرفته از نگاهی خاص و منحصر به فرد به حوزه ادبیات ذکر کرد.

سجادی همچنین در پاسخ به سوال خبرنگار ما، درباره علت شکل گیری پیشنهادی که در مراسم گشایش نخستین همایش شاعران ایران و جهان به رییس جمهور، مبنی بر تعریف سازمان یا جایگاهی اختصاصی برای حوزه شعر مطرح شد، توضیح داد: «من در آیین افتتاح این همایش به عنوان یک شاعر و نماینده از طرف شاعران، پیشنهاد اختصاص جایگاه



گزارشی از روند فعالیت کتابخانه های شبانه روزی، سیار و مسجدی

کتابخانه های مکمل برای توسعه مطالعه

گسترش کتابخوانی با کتابخانه های سیار

کتابخانه های سیار نیز از دیگر کتابخانه های مکملی اند که با هدف در دسترس قرار دادن کتاب و گسترش حوزه های مطالعاتی و اقشار کتابخوان جامعه فعالیت می کنند. اغلب کتابخانه های سیار در حوزه مساجد به شکل خود جوش فعالیت می کنند. این کتابخانه ها که توانایی انتقال، معرفی و عرضه تعداد محدودی از کتاب ها را دارند و اغلب با محدودیت هایی نظیر دوری از قلمروی آثار تخصصی مواجه اند، می خواهند بین مردمان کوچک و بزرگ، بانوان خانه داری که فرصت مراجعه به کتابخانه های عمومی را ندارند، شاغلانی که مدتی است از دایره مطالعه فاصله گرفته اند و ... آشتی برقرار کنند و بار دیگر آنها را به دنیای کتاب و کتابخوانی فرابخوانند.

برخی مواقع، کاغذ بازی هایی نظیر شرایط عضویت در کتابخانه ها و پایبندی به اصول اداری، مخاطبان عمومی جامعه را از رفتن به کتابخانه های عمومی و فروشگاه های کتاب باز می دارد، اما اگر به درستی به اطرافمان بنگریم، با مساجد محل، کانون های فرهنگی و هنری و سایر فضاهایی که کتابخانه هایی در آنها انتظار ما را می کشند، آشنا می شویم و این دوستی را تا زمانی که قدرت چشیدن طعم شیرین مطالعه را داریم، قدر می دانیم و حفظ می کنیم.

در این کتابخانه ها راه ندارد و کتاب های مذهبی، آثار تایید شده و مورد قبول متولیان و مسوولان به اعضای کتابخانه های مساجد ارائه می شوند و به دلیل قداست مسجد، دخل و تصرفی در نوع آثار و نحوه خدمات رسانی وجود ندارد.

نحوه فعالیت نیروهای انسانی شاغل در کتابخانه های و کانون های فرهنگی مساجد از دیگر تفاوت های این مراکز با سایر کتابخانه هاست. این افراد که اغلب تمام وقت این کتابخانه ها را زنده و پویا نگه می دارند، بدون دستمزد و در حقیقت فی سبیل الله کار می کنند و در قبال کارشان، انتظاری از مسوولان کتابخانه و دیگران ندارند. کتابخانه های مساجد هزینه ای را نیز بر دولت تحمیل نمی کنند و عملاً با استفاده از ظرفیت های مردمی، بیشترین امکان استفاده از فضاهای ممکن را ایجاد می کنند و از آنجا که تعداد زیادی مسجد در نقاط گوناگون شهری و روستایی داریم، می توانیم به همان میزان کتابخانه مسجدی هم داشته باشیم.

هاشمی کتابخانه های باز مساجد را گونه دیگری از کتابخانه ها می داند و بیان می دارد: «این مراکز در فضای شبستان مساجدی که ظرفیت ایجاد و راه اندازی کتابخانه های دائم ندارند، با دو قفسه کتاب برای برادران و خواهران ایجاد می شوند و اغلب کتاب های عمومی و دینی، که مخاطبان آن را عامه مردم تشکیل می دهند، در این قفسه ها جای می گیرند.»



احیا کردند یا توسعه دادند که از این میان می توان به کتابخانه مسجد النبی (ص) شهرک قدس و کتابخانه مسجد مکتب الصادق (ص) ستارخان اشاره کرد که از ساعت هشت بامداد تا ساعت ۲۰ به ارائه خدمات کتابخانه ای می پردازند.

مدیر کتابخانه های شبانه روزی منطقه دوشهرداری تهران، هم افزایی را یکی از نتایج توسعه طرح کتابخانه های مکمل می داند و بیان می کند: با شناسایی حرکت های موازی که در مناطق گوناگون انجام می شود، می توانیم از نیروهای بیشتری در راستای عمومی تر کردن خدمات کتابخانه ای استفاده کنیم. کتابخانه های دائم و باز مساجد نیز از دیگر کتابخانه های مکملی اند که در کنار سایر کتابخانه های عمومی، اما از زاویه ای خاص و با نگاه های ویژه تری خدمات مطالعه ای را در اختیار مخاطبان قرار می دهند. این کتابخانه ها با نظارت ستاد عالی کانون های فرهنگی و هنری مساجد کشور فعالیت می کنند.

«سید ابوالفضل هاشمی» مدیرکل امور کتابخانه های ستاد عالی کانون های فرهنگی، هنری مساجد سراسر کشور، با اشاره به این که در سال ۱۳۸۸ با افزایش ۲۰۰۰ باب کتابخانه باز و ۷۰۰ باب کتابخانه دائم تحت پوشش این مرکز، تعداد کتابخانه های باز مساجد به ۴۰۰۰ باب و کتابخانه های بسته به ۲۵۰۰ باب در سطح کشور ارتقا یافت، می گوید: شاید نتوان در تمامی نقاط شهری و روستایی کشور کتابخانه های عمومی راه اندازی کرد، اما در تمامی نقاط کشور مساجد وجود دارند و ما می توانیم از امکانات و ظرفیت هایی که این سازمان های مردمی در اختیارمان قرار می دهند، برای ارتقای سطح مطالعه و کتابخوانی و دسترسی اقشار گوناگون جامعه به کتاب بهره گیریم.

وی ویژگی اصلی کتابخانه های مساجد را مردمی بودن آنها می داند و می افزاید: این کتابخانه ها توسط مردم ساخته، اداره و اغلب منابع آنها نیز با کمک مردم تامین می شوند. شاید بتوان گفت آنها قدیمی ترین و نخستین کتابخانه های کشورند که به این شکل ایجاد شده، به حیات خود ادامه داده اند. محلی بودن این مراکز از شاخصه های بارز آنهاست که با کمی خلاقیت و ذوق، امکان استفاده تمامی اقشار آن محل را می توان فراهم آورد. هاشمی، مذهبی بودن این فضا را از توصیفات اصلی این مراکز برمی شمارد که هر کتاب یارویکردی

مطالعه کتاب که کاهش سرانه آن را به گردن نداشتن فرصت کافی و مشغله های متعدد روزانه مان می اندازیم، یکی از راهکارهای احیای زمان های مرده است. برای مقابله با بهانه های روزمره که مانع از مطالعه می شوند، باید بدانیم تعداد کتابخانه های عمومی، کتابخانه های مساجد و کتابخانه های شبانه روزی رو به افزایش است، فضاهایی که به دور از دغدغه های هر روز کاری، می توانیم ساعاتی را با کتاب خلوت کنیم.

طرح توسعه و راه اندازی کتابخانه های شبانه روزی، از برنامه هایی است که با وجود نوبیایی اش در کشور ما، طرفداران و منتقدان فراوانی را برای خود دست و پا کرده است.

در این میان غلامرضا سنگچولی مدیر مرکز اجتماعی و فرهنگی فرحزاد و هفت کتابخانه شبانه روزی منطقه دو شهرداری تهران، افزایش کتابخانه های مکمل را در کنار کتابخانه های عمومی، به دلیل توسعه زمان استفاده مراجعان و دسترسی تمامی علاقه مندان به فضاهای کتابخوانی می داند و می گوید: استفاده از این کتابخانه ها در ایام امتحانات و آزمون هایی نظیر کنکور به اوج خود می رسد و مراجعان اصلی آنها را افرادی تشکیل می دهند که به دلیل ویژگی های شغلی شان، فرصت و شرایط لازم را برای مطالعه در منزل یا محیط کار به دست نمی آورند.

وی علاوه بر دسترسی به منابع کتابخانه ای و آشنایی با زمینه های متعدد مطالعه ای، قرار گرفتن در محیطی آرام و آسوده را از دیگر رویکردهای اصلی ایجاد کتابخانه های مکملی نظیر کتابخانه های شبانه روزی برمی شمارد و معتقد است: هر طرحی در کنار فواید و آثار مثبتی که دارد، ممکن است آسیب ها یا نواقصی نیز داشته باشد که با پافشاری بر نقاط قوت و استمرار کار مسوولان، این نقاط ضعف از میان خواهند رفت.

سنگچولی با اشاره به این که بیشترین استفاده از کتابخانه های شبانه روزی از بعد از ظهر تا ۱۲ شب صورت می گیرد، عنوان می کند: در طرح های آتی، در نظر داریم با افزایش ساعات کاری کتابخانه ها، آنها را از حالت شبانه روزی خارج کنیم؛ به گونه ای که در هر منطقه دست کم یک کتابخانه شبانه روزی وجود داشته باشد و در مقابل، ساعات خدمات رسانی سایر مراکز کتابخانه ای را افزایش دهیم.»

یکی از مشکلات کتابخانه های شبانه روزی که سایر کارشناسان این حوزه نیز در این موضوع هم داستانتانند، مشکلات تردد و امنیت بانوان در استفاده از این کتابخانه هاست که در جنبه وسیع آن به شرایط اجتماعی و فرهنگی بازمی گردد؛ به این معنا که بانوان نمی توانند در هر ساعت از شب به این کتابخانه ها مراجعه و پس از استفاده از امکانات آنها، کتابخانه را ترک کنند. اغلب بانوان ناچارند برای استفاده بیشتر از این کتابخانه ها، تا صبح در این مراکز باقی بمانند یا با هماهنگی های قبلی افراد خانواده آنها را ترک گویند.

یکی از نکات مثبتی که طرح توسعه کتابخانه های شبانه روزی در پی داشت، شناسایی ظرفیت های فرهنگی و اجتماعی مناطق است. مسوولان این طرح برای توسعه زمانی و خدمات رسانی های کتابخانه ای، با سازمان های خصوصی، نهادهای گوناگون و سازمان های مردم نهاد نظیر مساجد تعاملات خود را توسعه دادند و با شناسایی مساجدی که ظرفیت های لازم را داشتند، کتابخانه های آنها را

به نام چاشنی بخش زبان ها

کتاب سال دفتر شعر جوان

جایزه قیصر امین پور

دفتر شعر جوان به انگیزه شناسایی و معرفی استعداد های جوان به جامعه ادبی کشور و تقدیر و حمایت از آنان با هدف ارتقاء شعر امروز، چهارمین دوره انتخاب کتاب سال شعر جوان را از میان آثار منتشر شده در سال ۸۸ برگزار می کند. شاعران جوان سراسر کشور و یا ناشران کتاب های شعر، می توانند ۵ نسخه از هر اثر را به همراه فرم تکمیل شده و تصویر کارت ملی شاعر، حداکثر تا پایان تیر ۸۹ به نشانی زیر ارسال کنند.

تهران - خیابان شریعتی - خیابان شهید کلاهدوز - نش خیابان نعمتی - دفتر شعر جوان

تلفن: ۹-۲۲۶۱۷۱۷۸-۲۱

شرایط شرکت

- ۱- سن شاعر در سال چاپ کتاب بیش از ۳۰ سال نباشد.
- ۲- کتاب چاپ اول باشد.
- ۳- کتاب به زبان و خط فارسی باشد.

فرم شرکت در انتخاب چهارمین دوره کتاب سال شعر جوان

اینجانب..... (شاعر/ناشر) مجموعه شعر.....

ضمن ارسال ۵ نسخه از این کتاب، در خواست شرکت در چهارمین دوره انتخاب کتاب سال شعر جوان (جایزه قیصر امین پور) را دارم.

نشانی:.....

تلفن تماس: ثابت..... همراه.....



سایر محمدی

شهاب‌الدین عباسی فوق‌لیسانس فلسفه غرب از دانشگاه تهران دارد و تاکنون در حوزه‌های گوناگون فلسفه، الهیات، دین‌پژوهی و عرفان، کتاب‌های متعددی منتشر کرده است. از جمله «تاریخ فلسفه غرب»، «آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام» از دکتر نصر، «راه عرفانی عشق، تعالیم معنوی مولوی» از پروفیسور چیتیک (در آستانه چاپ چهارم)، وی کتاب «الهیات فلسفی توماس آکوئیناس» نوشته لئو جی الدرز را در سال ۸۱ از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ترجمه و منتشر کرده بود که پژوهشی است در رهیافت‌ها و آرای فلسفی قدیس توماس آکوئیناس، متاله بزرگ مسیحی در قرون وسطی. «من و مولانا» اثر ویلیام چیتیک روایتی از زندگانی شمس تبریزی براساس «مقالات شمس» است که با برگردان عباسی از سوی انتشارات مروارید به بازار آمد. این کتاب در آستانه چاپ پنجم قرار دارد. «نام‌آوران فرهنگ معاصر» کتاب دیگری به قلم این محقق و پژوهشگر فعال، سیری در اندیشه‌ها و آثار صد شخصیت برجسته معاصر در حوزه فلسفه، الهیات، علم و هنر و ادبیات است که چندی پیش از سوی انتشارات مروارید به بازار آمد.

گفت و گو با شهاب‌الدین عباسی

گامی در گلستان ادب و عرفان

محققان غربی، این که یک محقق چقدر مقوله مورد پژوهش خودش را جدی می‌گیرد، بسیار تعیین‌کننده است. یکی از لوازم معرفت هم، داشتن یک روش مشخص برای انجام هر پژوهش است. حدود سه دهه از انتشار مقالات شمس در ایران می‌گذرد. خود دکتر موحد در نیمه اول دهه هفتاد گزیده‌ای از مقالات شمس را منتشر کرده بود. این مقالات تا مدت‌ها به چاپ دوم نرسید. چیتیک براساس همین متن که موحد چاپ کرده، کار تحقیقاتی‌اش را شروع کرده بود ولی با این متن چه کرده که این همه مورد توجه قرار گرفته است؟ به لحاظ روش، وقتی کتاب «من و مولانا» را مورد مطالعه قرار می‌دهید، می‌بینید که او با یک روشمندی دقیق، تمام مطالب را در سه بخش عمده تالیف و تدوین کرده است. ایشان در بخش اول کتاب زندگانی شمس را روایت می‌کند. بنابراین تمام مدخل‌های کتاب و تمامی قطعاتی را که در کتاب «مقالات شمس» به نوعی به زندگانی شمس تبریزی مربوط می‌شده، در بخش نخست جای داده است. در بخش دوم آن، سلوک الهی شمس را کاویده و در بخش سوم مواجهه شمس با مولانا را پی گرفته است. ما به عنوان یک ناظر بیرونی که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم فکر اصلی و هسته مرکزی این پژوهش درست بنیان نهاده شده است. یعنی برای این که بخواهیم یک شخصیت عارف و فیلسوف را بشناسیم، باید زمانه‌اش را بشناسیم. زندگانی‌اش را بدانیم. اندیشه‌های اصلی و محوری‌اش را کشف کنیم و بعد ببینیم این عارف و فیلسوف چه تاثیری بر دیگران گذاشته است. این که چرا چیتیک در همان بخش اول کتاب از رابطه شمس و مولوی صحبت نمی‌کند؟ به این دلیل است که تا آن مقطع ما هنوز شناختی از شمس نداریم و نمی‌دانیم که او چه جور انسانی بوده که توانسته این تاثیر عمیق و متحول‌کننده را بر مولانای جوان بگذارد.

به لحاظ روش شناسی می‌بینیم کار دی‌لویس هم در کتاب «مولانا، دیروز تا امروز» در همین راستا قابل ارزیابی است. اول کتاب از حضور مولوی در غرب سخن نمی‌گوید و برای این که کتابش برانگیزاننده باشد و کنجکاوی مخاطب را تحریک کند، مطلبی را از رسانه‌های غربی تحت عنوان «تب مولانا» نقل می‌کند برای این که ضرباهنگ تندی به کتاب بدهد و جذابیتی برای مخاطب ایجاد کند. ما اگر به لحاظ روش شناختی در تحقیقات خود چنین شیوه‌هایی را به کار ببریم و با معرفت به عنوان یک امر جدی مواجه بشویم، می‌توانیم آثار درخشانی به جامعه عرضه کنیم.

کتاب «من و مولانا» در سال ۸۳ در بخش بهترین کتاب خارجی، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کرده است و در مقدمه به نقل از پروفیسور شیمل آورده‌اید: این کتاب تصویر و تصور قالبی را که ادبیات درجه دوم نسبت به شمس و مولانا به وجود آورده‌اند، می‌زداید. آیا در ایران هیچ کتابی نتوانست شناخت درستی از مولانا و شمس بدهد و فقط کتاب «من و مولانا» توانست چنین کند؟

آنچه در مقدمه درباره تصویر و تصور قالبی از شمس و مولانا در ادبیات درجه دوم آمده، نقل قولی از آماری



و فرهنگ مأنوس‌اند؟

یک نفر هم می‌تواند در مقابل شاهد مثال‌های شما و در نقض داوری شما آثاری را معرفی کند. آیا ما باید بپذیریم که محققان ایرانی کم‌کارند و پژوهش‌هایی که انجام می‌دهند، دچار کم‌و کاستی است؟ ما در حوزه علوم انسانی، مشخصاً در رشته فلسفه، این کاستی‌ها را داریم. در رشته ادبیات داستانی هم این کاستی‌ها را داریم. آن وقت بحث‌ها دقیق‌تر و علمی‌تر می‌شوند. اما آن شاهد مثال‌هایی که می‌خواستم مطرح کنم، می‌تسم بحث درازدامن شود. در حوزه عطارپژوهی، افرادی در جهان غرب بودند که پژوهش‌های عمیق و درخشانی انجام دادند. شاید شاخص‌ترین آنها پروفیسور هلموت ریتز باشد که اندیشمندی مثل مرحوم زریاب خوبی، کتاب «دریای جان» ایشان را ترجمه کرده است. یعنی یک محقق طراز اول ما کاری از یک خاورشناس را به فارسی‌زبانان معرفی می‌کند. البته «دریای جان» کاری سترگ و قابل تحسین است که ارزش‌های محققانه و علمی بسیار دارد.

از طرف دیگر کارهای دکتر شفیع کدکنی را داریم که با وجود علاقه و ارادتی که به هلموت ریتز دارد، نقدهایی بر آن وارد می‌کند. اگر بخواهیم از دیگران هم نام ببریم، به‌طور مشخص در حوزه مولوی‌پژوهی، چرا از دکتر محمد علی موحد نام نبریم؟ زمانی که ویلیام چیتیک تصمیم گرفت درباره شمس تبریزی کار بکند، از دوستی درخواست کرد تا کتاب‌های دکتر موحد را برایش بفرستد. یعنی نوشته‌های ویلیام چیتیک بر مبنای تحقیقات یک استاد ایرانی شکل گرفته است. چنان که خود چیتیک هم بارها به این موضوع اشاره کرده است از جمله در کتاب «راه عرفانی عشق» که منابع تحقیقش از کجا آب می‌خورد. درست است که زبان ما فارسی است و با بسیاری از داده‌ها و فرهنگ ایرانی و اسلامی آشنا هستیم. اینها ممکن است برای یک محقق غربی با تلاش بسیار حاصل شود. اما چرا مادر برخی از این حوزه‌ها تحقیق نمی‌کنیم و محققان غربی وارد این حوزه‌ها می‌شوند؟ یک مقدار از این بحث برمی‌گردد به روشمندی

کتاب «من و مولانا» را ویلیام چیتیک براساس «مقالات شمس» تالیف کرده است. پیش از این هم یک پژوهشگر آلمانی براساس سفرنامه ناصر خسرو اثر ارزشمندی پدید آورده است. چرا محققان و پژوهشگران ایرانی به سمت چنین پژوهش‌هایی نمی‌روند؟

این اواخر پژوهشی هم راجع به کشف الاسرار صورت گرفته است. ظاهراً پژوهشگرش هم یک انگلیسی بوده که کتابش به عنوان کتاب سال انتخاب شده است. اما در پاسخ به سوال شما باید گفت این سوال آنقدر کلی است که نیاز به شرح و بسط فراوان دارد. این که سنت پژوهشی در کشوری چنان گسترده می‌شود، این که چرا سنت پژوهش در علوم انسانی در یک کشور می‌تواند اینقدر رونق پیدا کند و در کشوری دیگر به آن چندان بها داده نمی‌شود یا از رونق چندانی برخوردار نیست... باید گفت بخشی از این معضل به حوزه‌های معرفتی افراد بستگی دارد و بخشی هم به عوامل اجتماعی برمی‌گردد. دنبال چرایی این مسئله گشتن و به دنبال یک علت‌نمایی بودن به نظر خودش یکی از معضلات فرهنگی ماست. ما همیشه دنبال این هستیم که یک عامل را پیدا کنیم که چرا محققان ما چنین کاری انجام نمی‌دهند یا چرا اثری با این ویژگی‌ها خلق نمی‌کنند.

ببینید! اگر مقصود شما جنس کار پژوهشی باشد به هر حال می‌بینیم که پژوهشگران ما هم در حال انجام فعالیت‌های خوبی‌اند، حال در یک حوزه کمتر، در حوزه دیگر بیشتر اما اگر منظورتان ترجمه آثار کلاسیک ادبیات فارسی باشد، وضع فرق می‌کند.

بحث بر سر این است که «مقالات شمس» به زبان فارسی است. ویلیام چیتیک که فارسی، زبان دوم ایشان محسوب می‌شود با استفاده از این اثر، کاری بدیع و جالب خلق می‌کند که پژوهشگران ایرانی سراغ خلق چنین آثاری نمی‌روند. چرا؟ یا در مورد ناصر خسرو، یک محقق آلمانی براساس سفرنامه ناصر خسرو اثری تأمل برانگیز و جذاب خلق می‌کند. چرا این مهم از ادیبان ایرانی بر نمی‌آید که با این زبان

آقای عباسی، در زمینه شناخت شخصیت و آثار مولانا و شمس، هم ویلیام چیتیک و هم فرانکلین دی‌لویس آثاری نوشته‌اند که به فارسی منتشر شده‌اند. به اعتقاد شما دی‌لویس که کتاب جامع و کامل «مولانا، دیروز تا امروز، شرق تا غرب» را نوشته در مقایسه با چیتیک از چه جایگاهی برخوردار است؟

این دو محقق و پژوهشگر با دو رویکرد متفاوت سراغ مولانا و شمس رفته‌اند و حاصل کارشان هم گواهی بر این مدعا است. وقتی کار این دو را با هم مقایسه می‌کنیم باید ببینیم آیا این دو، هدف واحدی از تالیف این کتاب‌ها داشتند؟ آیا مخاطبان این دو کتاب از یک گروه و یک جنس‌اند؟ به هر حال بدون در نظر گرفتن مخاطبان این آثار که از کدام قشر جامعه‌اند. بدون توجه به انگیزه و اهداف نویسندگان کتاب‌ها نمی‌توان به سادگی درباره چیتیک و فرانکلین دی‌لویس مقایسه و داوری کرد. شما مثلاً در کتاب «راه عرفانی عشق» پروفیسور چیتیک که عنوان فرعی آن «تعالیم معنوی مولانا» است کار اخباری و اطلاع‌رسانی محققانه نمی‌بینید. به این معنا که با دادن اعداد و ارقام، آمار کتاب‌هایی را که در زمینه مولوی‌پژوهی چاپ شده مشخص کند. زمانی که آقای فریدون بدره‌ای قبل از این که ترجمه آقای حسن لاهوتی از کتاب «مولانا؛ دیروز تا امروز، شرق تا غرب» به چاپ برسد، تصمیم به ترجمه این کتاب داشت و نظرشان هم این بود، بخش‌هایی که مربوط به حضور مولوی در غرب است ترجمه شود، چون یکی از بخش‌های اصلی این کتاب است، هم به لحاظ حجم، هم به لحاظ کیفیت، این که مولوی در غرب به چه صورت حضور داشته و در میان متفکران و اندیشمندان غربی از چه جایگاهی برخوردار بوده، جزو مطالب مهم و ارزشمند همین بخش از کتاب است. دی‌لویس حتی کتاب شناسی بسیار خوبی به دست داده و در اینترنت و رسانه‌های جدید و در اشکال مختلف به کتدو کاو درباره مولانا پرداخته است. اما در مورد کتاب چیتیک باید گفت به لحاظ رهیافت و نوع نگاهش به حوزه پژوهش با کتاب دی‌لویس فرق دارد. به هر حال مقایسه‌ای از این دست لازم است که با احتیاط پیش برود. کار چیتیک بسیار نظام‌مند است، ایشان بیست‌سال قبل از این که کار دی‌لویس چاپ شود، یعنی در سال ۱۹۰۳ کتاب «راه عرفانی عشق» را چاپ کرد اما دی‌لویس کتاب خودش را نخستین بار در سال ۲۰۰۳ منتشر کرد. فاصله تاریخی تالیف این دو کتاب حدود بیست سال است. خود پروفیسور چیتیک بر این نکته تصریح کرده که زمانی که من این کتاب را می‌نوشتم اساساً بحث داغ و رسانه‌ای مولانا در آمریکا یا اروپا مطرح نبود. مولانا در فاصله همین دو دهه اخیر است که به‌طور مشخص با ترجمه‌های کلمن باکس در آمریکا بر سر زبان‌ها افتاد. آن هم با ترجمه‌های آزاد و به‌زعم بسیاری محققان ترجمه کلمن باکس ترجمه‌ای بسیار آزاد و فارغ‌دلانه‌ای از اشعار مولوی است که مایه‌های اصلی و عرفانی و دینی شعر در آنها چندان منعکس نشده است. بنابراین در مقایسه این دو محقق به این نکات هم باید توجه داشته باشیم.

شیمیل است. شیمیل در زمینه مولوی پژوهی چهره شناخته‌شده‌ و صاحب‌نامی است.ایشان از کارپروفوسور چیتیک تعریف و تمجید می‌کند. من خودم تا حدودی این نظر را زیر سوال بردم. وقتی شما در سوال دوم اشاره کردید که چرا محققان ایرانی از خلق چنین آثاری ناتوانند، من نمونه‌هایی از تحقیقات موفق و جذاب و محققان صاحب‌نام را مثال زد.م. که آثار ماندگاری در این حوزه‌ها بیشتر خلق کرده‌اند. اگرچه تعداد این آثار کم است، اما همین اندک آثار جدی و عمیق در حافظه تاریخ ماندگار است و نسل‌های آینده از آن بهره خواهند برد.

شما از یک طرف از صاحب‌نظرانی مثل دکتر شفיעی کدکنی و زرین کوب نام می‌برید که آثار ماندگاری در این حوزه‌ها نوشته‌اند. از طرف دیگر به نقل از شیمیل آورده‌اید که تصویر و تصور نادرستی که ادبیات درجه دوم از مولانا و شمس به دست داده، کتاب «من و مولانا» جبران می‌کند.

من بخش اصلی صحبت و ارزیابی خانم شیمیل را می‌پذیرم به این دلیل که در غرب راجع به شمس تحقیقات عمیق و گسترده و جاف‌فاده‌ای نداریم. حتی در ترکیه که راجع به مولوی و آثارش، تحقیقات و پژوهش‌های مختلف با چاپ‌های گوناگون منتشر می‌شوند و صاحب‌نظرانی مانند مرحوم گولپینارلی یا افراد دیگری که در این زمینه قلم می‌زنند، هیچ یک راجع به شمس کار میدانی و معتبری انجام نداده‌اند. البته در مقدمه کتاب اشاره کردم که وضعیت ایران و ترکیه در مقایسه با اروپا و آمریکا خیلی بهتر است. در آمریکا که اصلا سنت شمس پژوهی وجود ندارد. شیمیل در نیمه دوم مباحثش مطرح می‌کند تصویر خوبی که ویلیام چیتیک در متن «من و مولانا» به دست می‌دهد، نسبتاً بی‌بدیل است. اما او نظر به چه چیزی داشت؟ پروفوسور نیکلسون که همه به بزرگی اش اذعان داریم و ترجمه ایشان از مثنوی حدود چهار دهه پیش در آن حد و اندازه هست که دکتر شفיעی کدکنی با دلبستگی زیاد از این ترجمه یاد می‌کنند. شما گاهی مثنوی را به زبان فارسی می‌خوانید که ممکن است متوجه معنای یک بیت یا یک مصرع نشوید اما وقتی سراغ نیکلسون می‌روید، می‌بینید چقدر واضح و روشن آن را توضیح داده‌است. ویلیام چیتیک در کتاب خودش ایرادهایی به کار پروفوسور آربری و نیکلسون و دیگران گرفته اما در این کتاب تصریح می‌کند که هیچ محققى از تحقیقات آربری و نیکلسون بی‌نیاز نیست. حالا چنین فردی با این درجه از اعتبار و پایگاه علمی در کتابی که حسن لاهوتی با‌عنوان «جان‌جانان» ترجمه کرده، در یکی از پانویست‌ها اشاره می‌کند که شمس فردی سوادى بوده‌است. شما از کار نیکلسون استنباط نمی‌کنید که شمس دنیای پهناوری داشته است! آربری شاگرد نیکلسون بود. اگر نیکلسون پایه‌های یک پژوهش را برای شناخت شمس می‌ریخت چه بسا آربری آن را ادامه می‌داد و اثری خواندنی درباره شمس ارائه می‌کرد. شما بحث مقالات شمس را مطرح کردید که باید بگویم مقالات مانند یک متن مرجع است. شما وقتی مقالات را بخوانید و بفهمید که شمس چگونه شخصیتی دارد به یک روند طولانی از تحقیق نیاز است. اگر غیر از این بود، دکتر موحد کتاب «زندگی شمس تبریز» را نمی‌نوشت. کار خیلی خوبی که ایشان کردند براساس یک متن مرجع و با استفاده از منابع دیگر سعی کردند راجع به شمس تبریزی، زندگی و آثارش بنویسند. غیر از کتاب «زندگانی شمس تبریزی» به قلم دکتر موحد، ما دیگر آثار تحقیقی چندان عمیق و گسترده‌ای در ایران نداریم اما در مجموع در حوزه مولوی پژوهی در کشور وضعیت بدی نداریم.

کاری که ویلیام چیتیک در «من و مولانا» کرده‌نه در کتاب «زندگانی شمس تبریزی» موحد هست و نه در مقالات ایشان و در واقع یک کار بدیع و نو است و اختلافاتی هم در ضبط برخی واژگان و عبارات شمس دیده‌می‌شود. به تعبیر افلاطون، روح انسان مثل الماسی است که در میان گل و لای پنهان است. یک وقت این الماس را با همان گل و لای جلوی کسی می‌گذارید و می‌گویید انسان مثل این است یعنی گوهر الهی را در کالبد خاکی خودش دارد. به نظر می‌رسد چنین شیوه‌ای

برای معرفت ذات انسان چندان جذاب نباشد. کار یک محقق عمیق و جدی این است که از میان آن گل و لای الماس را بیرون بکشد و آن را پر تالو به دیگران ارائه دهد. این مثال را در حوزه تحقیق بپذیرد. با این تفصیل آیا زندگانی شمس همان الماس گل آلودی است که ویلیام چیتیک آن را از دل مقالات شمس بیرون کشیده است؟ به نظر من چیتیک در همین راستا یک تراشکار حرفه‌ای الماس است و انسان دقیقی است. چه به لحاظ انتخاب موضوع برای نوشتن، چه به لحاظ روشی که به کار می‌بندد. من در مقدمه کتاب تاکید فراوانی بر روش ایشان داشتم.

شما به تازگی کتاب «نام‌آوران فرهنگ معاصر» را تالیف و توسط انتشارات مروارید منتشر کرده‌اید که حدود صد نفر از شخصیت‌های فرهنگی معاصر در حوزه فلسفه، الهیات، علم، ادبیات و هنر به شکل موجز معرفی می‌شوند. مطالب این کتاب قبلا به صورت پاورقی در یکی از روزنامه‌های کشور چاپ می‌شد. به اعتقاد شما مخاطبان روزنامه و علاقه‌مندان کتاب در یک سطح از سواد و از یک قشرند؟

فرضیه اصلی شما یا پیش‌پنداشت شما در طرح این سوال یکی این است که مطالبی که در روزنامه‌ها چاپ می‌شود، شاید مطالب فرودستی باشد که با سلیقه علاقه‌مندان به مطالعه کتاب جور در نمی‌آید. من چنین تصویری ندارم که برای مطالب کتاب یک فضای کاملاً جدا در نظر بگیریم که فقط با معیار و ملاک‌های خودش ارزیابی می‌شود و رسانه‌های دیگر را در وادی دیگری قرار بدهم. لاقال تجربه این نظر را کاملاً و صددرصد تایید نمی‌کند. مثلاً برایان مگی به لحاظ صورت کاری را انجام داد که با کتاب مورد نظر مایعنی «نام‌آوران فرهنگ معاصر» شباهت‌هایی دارد. برایان مگی کتاب «مردان اندیشه» را-که توسط آقای فولادوند به فارسی هم ترجمه و منتشر شده - براساس مصاحبه‌هایی که با این شخصیت‌های مشهور در رسانه‌های تصویری داشت، فراهم آورده است. این مصاحبه‌ها که از تلویزیون پخش می‌شد و مورد استقبال بسیار زیاد بینندگان قرار داشت، بعدها به صورت کتابی چاپ و منتشر شد. نکته بسیار مهمی که در همان جا برایان مگی اشاره می‌کند و متناسب با سوال شما هم هست، این بود که این برنامه برای نخستین بار نشان داد که تلویزیون هم می‌تواند حرف جدی و اساسی بزند. البته تلویزیون نرُمی دارد که به قول نیل پستمن همه چیز را به سطح سرگرمی‌سازی سوق می‌دهد و مطالب را تا سطح درک و فهم عامه فرومی‌کاهد. وقتی چنین نظری داده می‌شود، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که اصلاً هیچ وقت حرف جدی نمی‌شود زد. پس از آن داده اولیه که تلویزیون همیشه کار می‌کند و آن هم سرگرمی‌سازی است یا فرهنگ‌سازی‌اش در سطح بسیار پایینی است، نمی‌توان نتیجه گرفت که این روال از این به بعد هم ادامه پیدا می‌کند. ممکن است در یک نشریه‌ای - چه روزنامه و چه مجله - تصمیم بگیرند بنا به دلایلی کاری انجام بدهند که با فرم متعارف و معمول و روال همیشگی آن نشریه همخوانی نداشته باشد. من در مقدمه کتاب اشاره کردم و قیدهایی که به کار بردم عامدانه بوده است. البته زمانی که این مقالات در روزنامه چاپ می‌شد، بعضی از من می‌خواستند که ساده‌تر بنویسم یا موضوعات ساده‌تری را انتخاب کنم. آیا روزنامه‌ای که مقاله‌ای در معرفی رودولف اوتو چاپ کرده، باری سنگین‌تر از توان خودش را حمل می‌کند؟ یا مطالب این دادمان تخصصی فرومایه و سطحی است که در یک روزنامه چاپ می‌شود؟ کدام داوری به واقعیت نزدیک‌تر است؟ یا مادر فکر گشودن راه‌سومی هستیم. یعنی مقاله‌ای را که مقداری بالاتر از سطح درک و فهم اغلب خوانندگان است، چاپ می‌کنیم. شاید سعی کرده‌ایم مخاطب روزنامه در مواجهه با مطالب و مقالات سنگین‌تر سخت‌پسند تر بشود و سلیقه مطالعاتی خودش را ارتقا بدهد.

این یک کتاب مرجع است. باید آن را خواند و بارها به مطالب آن رجوع کرد. تصور من این است که درک و فهم تا حدودی عمومی از روزنامه، ارزش نام‌آوران فرهنگ معاصر را پایین نمی‌آورد و هیچ از آن کم نمی‌کند. بلکه برعکس ارزش‌هایی که در مجموعه

نام‌آوران فرهنگ معاصر نهفته است، می‌تواند این ذهنیت را تا حدی اصلاح کند که روزنامه هم می‌تواند مطالبی چاپ کند که سطح ذوق و سلیقه آنها را ارتقا بخشد.

اولویت شما در معرفی چهره‌های فرهنگی بر چه اصلی استوار بود؟ این چهره‌ها واسامی بر چه اساسی انتخاب شدند؟

اگر تصور کنید که یک دانایی در اتاقی نشسته بود و ناگهان صد نفر را مشخص کرد که در معرفی آنها و آثارشان مقاله بنویسد، تصور صوابی نیست. من به مرور کار می‌کردم و طبیعی است که ملاک‌و معیارهایی در انتخاب افراد داشتم. پاره‌ای از اوقات بخشی از کارهایم را منابع ایجاد می‌کرد و ایجاب می‌کردند که من در آن مورد کار کنم و پاره‌ای از ملاک‌های اصلی من در انتخاب افراد این بود. شخصیت‌هایی انتخاب می‌شدند که می‌باید در حوزه‌های مختلف تخصصی حرف‌های تازه و مهمی می‌زدند و اندیشه‌هایشان تاثیر گذار می‌بودند. آیریس مرداک شخصیت معروفی بود که در یکی از مقالاتش تعبیر بسیار قشنگی دارد که من در این کتاب به کار بردم. او با استفاده از واژگان انگلیسی کلمات خدا و خوبی گفته، God و Good خیلی با هم فاصله ندارند. فقط یک o به وسط واژه دومی اضافه شده است. همین نکته می‌تواند ما را به فضای ذهنی یک متفکر نزدیک بکند که از دیدگاه او عین خیر اخلاقی یا بین دنیای اخلاق و دنیای الهیات فاصله زیادی نیست. ما در میان بزرگان رمان‌نویسی جهان، داستایفسکی را می‌بینیم که در «برادران کارامازوف» اشاره می‌کند اگر خدا نباشد هر کاری مجاز است. ما در فرهنگ‌ها سیر می‌کنیم، اینها برای من جذاب بود که ببینم یک چیز مهم چگونه به زبان‌های مختلف گفته می‌شود.

بنابراین از داستایفسکی سفر کردم به آیریس مرداک، آیریس مرداک علاوه بر فیلسوف بودن یک رمان‌نویس برجسته هم بود که ۲۶ رمان نوشته که برجسته‌ترین آنها «زنگ» (۱۹۵۸) نام داشت.

به هر حال در انتخاب افراد نام شخص مهم بود. آراء و اندیشه‌هایش مهم بود. این که به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های انسانی معاصر پرداخته باشند برایم مهم بود. نمی‌خواهم منکر این شوم که شهرت افراد در این انتخاب هیچ نقشی نداشت. اما اگر کسی ادعا بکند که فقط حرف‌ها مهم‌اند، شخصیت‌ها مهم نیستند، به نظرم چنین فردی پاره‌ای از چیزها را بدون تفکر، تجربه و شناخت پذیرفته است. اهمیت یک حرف گاهی اوقات برمی‌گردد به آن تأثیری که در جهان به جا گذاشته‌است. با انعکاس این چالش‌ها هم ماباگوشه‌هایی از تاثیرگذارترین افراد و اندیشه‌ها آشنا می‌شویم و می‌توانیم به طور غیر مستقیم چالش‌هایی را که این افراد ایجاد کردند در گستره فرهنگ سرزمین‌های مختلف بفهمیم.

در مورد داستایفسکی سوال خودم را از این منظر می‌خواهم مطرح کنم که شما تولستوی را در این کتاب آورده‌اید در حالی که داستایفسکی با توجه به رویکرد فلسفی آثارش در میان نویسندگان از اولویت بیشتری برخوردار بود.

شاید نزدیک به دو ماه داستایفسکی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود اما چون بنای کار من این بود که منابع تحقیقم منابع غیرفارسی باشند، مقداری دستم بسته بود. برای یافتن منابع انگلیسی حتی به چند نفر از دوستان که در خارج از کشور بودند، سفارش چند اثر راجع به داستایفسکی را دادم. از باب

درست است که ما با زبان و فرهنگ ایرانی و اسلامی آشنا هستیم. اما گاه یک پژوهشگر غربی با تلاش و در عین حال شیوه مناسب پژوهش می‌تواند کاری درخور انجام دهد

نمونه نیکلا بر دیایف فیلسوف و متفکر دینی و معروف روسیه کتاب بسیار خوبی درباره او دارد. من دوست داشتم منابعی از این دست فراهم کنم و براساس این منابع درباره داستایفسکی بنویسم. همین‌طور در تاریخ فلسفه جست‌وجو کردم و دیدم هیچ مطلب پرویمیانی راجع به داستایفسکی نیست. بنابراین معرفی داستایفسکی و آثارش را موقتا مسکوت گذاشتم. در واقع کار را با یکی - دو مقاله سطحی اینترنتی هم نمی‌توان پیش برد، یا باید تمام آثار فارسی را جلو خود بگذارید و یک کار پژوهشی چند ماهه انجام بدهید. کاپلستون کتابی راجع به متفکران روس دارد اما در این اثر تا آنجا که به خاطر دارم داستایفسکی از حیث اندیشه‌های دینی خیلی خوب تحلیل نشده است. در حقیقت هر محققى کار را باید براساس داشته‌هایش تحلیل کند نه براساس نداشته‌ها. چون من خودم می‌توانم به فهرست افرادی که حضور ندارند، افرادی را اضافه کنم مانند این که چرا برسون در این کتاب حضور ندارد، چرا مثلاً تارکوفسکی نیست، چرا تی. اس . الیوت نیست.

شما در مقدمه کتاب اشاره کردید که سعی کرده‌اید مطالب این کتاب مجموعه‌ای تولیدی و به تعبیری تالیفی باشد تا ترجمه. بعد اشاره می‌کنید که دنبال منابع می‌گشید. آیا شناخت این چهره‌ها براساس مطالعه آثار این شخصیت‌ها به دست آمد یا جمع‌بندی نظرات دیگر متفکران است؟

به لحاظ منطقی سوال بسیار خوبی است، اما اگر بخواهیم به لحاظ انسانی با این پدیده برخورد کنیم و ببینیم در عینیت و واقعیت چه اتفاقی افتاده است و یک پژوهشگر چگونه کار می‌کند در این زمینه تصویری در کشور ما با دودیدگاه عام وجود دارد. یکی این که ما برای درک آثار اصلی یک نویسنده یا یک متفکر باید با دنیای ذهنی‌اش آشنا شویم. دیدگاه دوم این است که شما به تعبیر نیوتن تکیه کنید که می‌گوید: «اگر من توانستم بر افق‌های دورتر نظر کنم بر شانه غولان نشسته‌ام.» این را کسی می‌گوید که اگر ما تعاریفی را که راجع به او شده کنار هم بگذاریم، فکر می‌کنیم این شخص در ردیف رب‌النوع‌ها بوده است یا از الهگان یونان قدیم. ویل دورانت اگر قرار بود تاریخ مصر را شخصا بکاوّد، تاریخ ایران را بکاوّد و تاریخ فرانسه را کند و کاو کند، دیگر مهم‌ترین و تاثیرگذارترین اثرش نوشته نمی‌شد.

تاریخ تمدن هرگز نوشته نمی‌شود؟

نوشته می‌شد، اما اگر ویل دورانت حداقل دویست سالی عمر می‌کرد می‌توانست طرح چنین اثر عظیمی را پیاده کند. دورانت خیلی راحت می‌گوید من مثلاً در تاریخ مصر، اگر اثر فلاّن مورخ را در دسترس نداشتم هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم اما هنر ویل دورانت مثل هنر یک کارگردان است که هماهنگی امور و مسؤولیت انتخاب یا تایید بازیگران را برعهده دارد. به لحاظ منطقی خیلی خوب است که تمام آثار لویناس را بخوانیم، تمام آثار هایدگر را بخوانیم، بعد راجع به او بیست صفحه مطلب نغز بنویسیم. به تصور من این اندیشه ظاهر زیبایی دارد ولی عملی نیست.

به هر حال با طرح این سوال می‌خواستیم روش تحقیق شما را در نوشتن این کتاب بدانیم.

من سعی کردم منابعی را که انتخاب می‌کنم، تا حد امکان نزدیک به خامه خود این اشخاص باشد. فرض کنید مقاله‌ای راجع به تزوتان تودوروف نوشتم و از قضا یکی از استادان دانشگاه چنین کتابی را نزد یکی از ناشران داشت و من موقعی که این کتاب را دیدم، خوشحال شدم که یک منبع خوب دست اول از خود تودوروف دارم. شما اگر مقاله تودوروف را بخوانید می‌بینید یک سوم از مقاله به گونه‌ای بخش‌های مهمی از خود کتاب تودوروف است. یا فرض کنید پلنتینگا که زندگینامه خودنوشت‌اش را دستمایه‌ای برای معرفی او قرار دادم. شما در ایران هر کتابی راجع به پلنتینگا پیدا کنید، اشاره‌ای به زندگی‌نامه خودنوشت و پنجاه صفحه‌ای او نشده که به انگلیسی است. اما من به این کتاب مراجعه کردم. همین‌طور در نوشتن مقاله‌ای راجع به پل تیلیش به زندگینامه خودنوشت او رجوع کردم. وی یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان علم الهیات در قرن بیستم است.



نشست های سرای اهل قلم از چهارشنبه تا سه شنبه

زیمل و جیمز در سرا؛ کاش علیخانی در زادگاهش می ماند

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه ادبیات داستانی، دین و اندیشه و همچنین روان شناسی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

ضرورت ترجمه اثر متفکر با شناخت اندیشه هایش

نشست نقد و بررسی کتاب «مقالاتی درباره دین» اثر «جرج زیمل» با حضور «دکتر حسن محدثی» نویسنده و دبیر گروه دین انجمن جامعه شناسی، منتقد و تنها سخنران این برنامه در سرای اهل قلم برگزار شد. **دکتر محدثی:** ترجمه های متون، به ویژه در حوزه جامعه شناسی در ایران ضعیف اند و مترجمانی که با افکار متفکران و حوزه های تخصصی ترجمه آشنایی دارند، باید به ترجمه بپردازند تا به آرای اندیشمندان و درک صحیح از اندیشه های آنان، آسیب کمتری وارد شود.

به نظر من، مترجمان بدون آشنایی با اندیشه های متفکر مربوط نباید دست به ترجمه بزنند، زیرا بدون شناخت اندیشه های متفکر، ترجمه محال است. برگردان بحث هایی نظیر آرای زیمل یا بحث های نظری دیگر، بدون تسلط بر محتوای نظری مباحث میسر نیست. همان گونه که در این اثر هم مشخص است مترجم - با توجه به این که اثر دیگری از این متفکر را به زبان فارسی برگردانده است - هنوز با آرا و اندیشه های او آشنایی ندارد.

کاش علیخانی

در زادگاهش می ماند

نشست نقد مجموعه داستان «عروس بید» با حضور بلقیس سلیمانی، احسان عباسلو و بهناز علی پور گسکرلی در سرای اهل قلم برپا شد.

بلقیس سلیمانی: این کتاب در دسته ادبیات اقلیمی قرار دارد. البته اقلیمی بودن فضای داستانی علیخانی به معنای ضعف آثار او نیست.

از نظر روشنفکران، ادبیات اقلیمی به معنای بازگشت به گذشته است. این نوع ادبیات بیشتر مواجهه روستاییان را با تکنولوژی نشان می دهد. بیش از هر چیز ورود تراکتور و موتور آب سبب کنش هایی در میان روستاییان می شود و در این راستا مناسبات جدیدی به وجود می آید.

نگاه دیگر به ادبیات اقلیمی، نگاهی جامعه شناسی است که روستاست و از این منظر ادبیات روستایی، ادبیات اقلیمی نام می گیرد که دنیای غریبی را نیز به خوانندگان نشان می دهد. برخی نویسندگان در این عرصه ولایت پرستی می کنند و برخی نیز نگاهی «روسو»یی دارند و خواننده را به قبل از مدنیت فرامی خوانند.

ای کاش علیخانی در زادگاهش می ماند و زبان دیلمی را به شکلی طنز گونه و خوش آهنگ تر ارائه می داد و به زبان امروزی نزدیک می کرد.

بهناز علی پور گسکرلی، منتقد: وهم، یکی از فضاهای ضروری داستان های اقلیمی است که همراه با راز گونگی و ابهام شکل می گیرد و داستان های «عروس بید» توصیف زندگی، مکان و آدم هایی فراموش شده، با رویکردی مدرن است.

احسان عباسلو: نویسنده «عروس بید» با گزینش نوع خاصی از زبان روستایی جنبه احساس را نیز رعایت کرده و ما در اغلب داستان های این کتاب درگیری های احساسی را نیز می بینیم. این در حالی است که نگاه شخصیت محور در آثار او کم رنگ است. شخصیت های این کتاب برگرفته از زمان و مکان اند و اگر بخواهیم آنها را بشناسیم، باید «میلک» را بشناسیم.

توجه به جنبه های مثبت پراگماتیسم



دکتر مسعود آذربایجانی، نویسنده اثر: روان شناسی دین، علمی میان رشته ای است که به بررسی دین از منظر روان شناسی مبادرت دارد. علمی که بیش از صد سال از عمرش نمی گذرد و جیمز یکی از افرادی است که در زمینه تجربه دینی از بنیانگذاران این رشته محسوب می شود.

«جیمز» یکی از اندیشمندانی است که جایگاه علمی بالایی دارد. برای نمونه، استاد شهید مطهری پیش از انقلاب اسلامی در بحث بررسی های دینی

برنامه هفتگی سرای اهل قلم

برنامه این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب به ترتیب زیر اعلام شد: شنبه، چهارم اردیبهشت: نقد و بررسی کتاب «قصه عشق» استرن برگ با حضور دکتر ابوالفضل کرمی و دکتر روشک خدابخش از ساعت ۱۷ تا ۱۹. یکشنبه پنجم اردیبهشت: نقد و بررسی کتاب «زرد و صورتی» اثر ویلیام استیگ با حضور کلر ژوبرت مترجم اثر از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰. سه شنبه، هفتم اردیبهشت: جلسه شعرخوانی با حضور مژگان عباسلو از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۸. چهارشنبه، هشتم اردیبهشت: نقد و بررسی کتاب «نهج البلاغه - نقدها و پاسخ ها» با حضور دکتر محمدمهدی جعفری و دکتر بخشعلی قنبری از ساعت ۱۷ تا ۱۹. سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و حضور در این جلسات برای عموم آزاد است. علاقه مندان برای دریافت اطلاعات بیشتر می توانند با شماره ۶۶۹۶۱۵۶ تماس بگیرند.

«ایزوتسو» چگونه از تفسیر به رأی دور شد؟



نشست نقد و بررسی کتاب «مفاهیم دینی و اخلاقی در قرآن کریم» نوشته «توشی هیکو ایزوتسو» با سخنرانی دکتر بخشعلی قنبری، مژگان محمدی و دکتر توکل، از کارشناسان ادیان آسمانی و قرآن در سرای اهل قلم برگزار شد. **بخشعلی قنبری:** ایزوتسو از نخستین افرادی است که قرآن را به ژاپنی ترجمه کرد. البته پیش از وی قرآن از انگلیسی به ژاپنی ترجمه شده بود، اما وی نخستین فردی است که این کتاب آسمانی را از زبان عربی به این زبان برگرداند.

کتاب «مفاهیم دینی و اخلاقی در قرآن کریم» دارای سه بخش است که بخش نخست مربوط به اصول تجزیه و تحلیل معنا، بخش دوم از اخلاقیات قبیله ای تا اخلاقیات اسلامی و بخش سوم تجزیه و تحلیل مفاهیم قرآنی از روش معناشناسی بهره می گیرد و در دیباچه آن به معرفی این شیوه می پردازد. ایزوتسو می خواست با استفاده از این روش قرآن سخن بگوید و با زبان خودش مفاهیم قرآنی را شرح دهد. این اندیشمند ژاپنی به استقلال فرهنگ ما معتقد است، به این معنا که هیچ فرهنگی به فرهنگ دیگر وابسته نیست و بنابراین فرهنگ اعراب تنها مخصوص

به این قوم است. بنابراین باید با نگاه به فرهنگ اختصاصی قرآن به فهم آن نایل آمد و نمی توان بر پایه سایر فرهنگ ها به تفسیر آن پرداخت. باید اذعان کرد که او در استفاده از این روش موفق است، زیرا با استفاده از آن، از تفسیر به رأی و تفسیر عصری بر حذر ماند. او اصطلاحات دینی و اخلاقی را در نظام خاص زبانی بررسی کرد و تمام توانش را در این راه به کار برد.

مژگان محمدی: ارزش این کتاب تنها به دلیل پژوهش های قرآنی آن نیست، بلکه روش مورد استفاده در آن، بر ارزش افزوده است. روش در علوم انسانی جایگاه ویژه ای دارد و شاید بخشی از ضعف در این علوم در کشورمان به نا آشنایی با روش های مرتبط برگردد.

روش معناشناختی که از سوی ایزوتسو به کار

در کتاب های خود بیش از سی مورد به آثار ویلیام جیمز ارجاع داده اند. بنابراین، دلیل عمده تالیف این نوشتار ضرورت پرداختن به روان شناسی دین در جامعه از نظر ویلیام جیمز بود.

مقدمه این نگاهشته درباره روان شناسی دین، تاریخچه، اهمیت آن و همچنین گزارش مفصلی از مباحث شخصی، آثار، مبانی و روش شناسی جیمز است. ویلیام جیمز در این نوشتار از هر نوع عبارت دینداری استفاده کرده است. از دریچه نگاه جیمز عده ای از افراد دیندار، دینداری شان با روش های عقلی و متعارف صورت رایج دارد و عده ای دیگر داور معنوی را محور فعالیت های خود قرار می دهند.

دکتر ملیحه صابری نجف آبادی، مدرس دانشگاه: به نظر من، جنبه های روان شناسی کتاب بیشتر از مباحث فلسفی آن است. «جیمز» در این کتاب عواطف دینی را بر دیدگاه های جهان شناسی و هستی شناسی مقدم دانسته و تعریف مشخصی از دین ارائه کرده است. نویسنده کتاب به نقد نظریه جیمز درباره رهبران دینی پرداخته، در بخشی از کتاب به تناقض گویی در مباحث جیمز و نمایانگر نشدن اعتقاد مثبت یا منفی وی درباره رهبران دینی اشاره کرده است.

در ضمن تاکید بر توصیف ناهنجاری که جیمز در بعضی از رهبران دینی مشاهده کرده است، باید بگویم که این تعبیر درست نیست و این مساله از سوی نویسنده کتاب نیازمند نقد بیشتری بود. در زمینه تجربه دینی نیز توصیفات مختلفی از دیدگاه فلاسفه به عمل آمده که از سوی فلاسفه ایرانی کمتر مورد توجه قرار گرفته اند، برای نمونه از ابن عربی که دارای تقدم فلسفی ست کمتر یاد شده است. همچنین در بخشی از کتاب درباره اثر داروها و مشروبات الکلی و ابراز رفتارهای تجربی بحث شده که جیمز از آن به عرفان تعبیر کرده است که این مساله نیز به بحث بیشتری از سوی نویسنده نیاز دارد.

گرفته شده است، پیش از آن در فهم متون دیگر نظیر متون فلسفی استفاده می شد، اما در میان آثار فارسی تنها دو اثر ترجمه ای از آثار ایزوتسو و همچنین کتاب ترجمه ای دیگری که متعلق به یکی از شاگردان اوست، از این روش سود جستند. در این کتاب مثال هایی درباره روش معناشناختی ذکر شده اند که با مطالعه آنها می توان به خوبی این روش را شناخت.

دکتر توکل: ایزوتسو ویژگی هایی داشت که متاسفانه بسیاری از استادان از آن بی بهره اند. او خرد و عقلانیت را با احساسش در آمیخت و در معنویت ذوب شد و بدون این که متعلق به دین خاصی باشد، به تمامی آنها تعلق خاطر داشت. وی به هفده زبان مسلط بود. این فرد با چنین دایره معلوماتی هنگام پرداختن به قرآن مسحور آن می شود. ایزوتسو با وجود این که می توانست از آبخشورهای فرهنگی کشورش سیراب شود، توجهش را به قرآن معطوف کرد.

وی افزود: «ایزوتسو تاکید ویژه ای بر اخلاق دارد و برای ذکر مثال در درک روش معناشناختی، واژگان اخلاقی را برگزید. او سه حوزه از اخلاق را در قرآن معرفی می کند. حوزه نخست تنها به اوصاف خداوند می پردازد. حوزه دوم مربوط به ارتباط اخلاقی انسان و خداوند است و حوزه سوم نیز رابطه انسان ها با یکدیگر را شامل می شود. وی حوزه دوم را مترادف با دین و دین داری می پندارد.»

ارباب دزدها/ ۲ جلد

کورنلیا فونکه/ ترجمه: داود لطف‌الله
انتشارات پیدایش/ چاپ اول ۱۳۸۸/ جلد اول ۲۰۶ صفحه،
جلد دوم ۲۱۱ صفحه/ هر جلد ۴۰۰۰ تومان



ارباب دزدها، رمانی دوجلدی است که کورنلیا فونکه، نویسنده آلمانی متولد سال ۱۹۵۸ آن را برای نوجوانان نوشته است. کورنلیا فونکه، بعد از تحصیلات دانشگاهی، مدت سه سال به عنوان

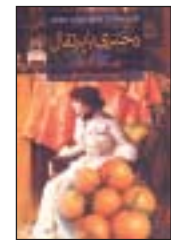
مددکار اجتماعی در یک پروژه آموزشی مشغول شد. این پروژه درباره کودکانی با پیشینه و تجربیات مختلف بررسی و تحقیق می‌کرد. پس از گذراندن یک دوره تصویرگری کتاب در کالج طراحی هامبورگ، به طراحی بازی‌های صفحه‌ای و تصویرگری کتاب‌های کودکان پرداخت. فونکه به عنوان مددکار اجتماعی با کودکانی کار کرده بود که از هر تجربه و پیش‌زمینه‌ای بی‌بهره بودند و در آنجا بی‌برد که گونه‌ای از داستان‌ها بر تخیلات آنان بسیار تاثیر می‌گذارند، این گونه‌ها، داستان‌هایی بودند که او دوست داشت بنویسد.

ارباب دزدها درباره یک چرخ و فلک جادویی است. درباره چند کودک بی‌خانمان که بدون خانواده‌شان زندگی می‌کنند. خانه آنها سینمایی متروک در قلب ونیز است. داستانی است درباره دو برادر که بعد از مرگ مادرشان از شهر هامبورگ فرار می‌کنند تا از دست خاله و عموی بداخلاقشان خلاص شوند. «استر» و «مکس هارلیب» می‌خواهند بو کوچولو را به فرزندی قبول کنند و «پراسپر» را به مدرسه شبانه‌روزی بفرستند. همین‌طور درباره یک کارآگاه خصوصی به نام ویکتور است که توسط خانم و آقای «هارت لیب» استخدام می‌شود تا پیچه‌ها را پیدا کند و درباره دو لاک‌پشت ویکتور، یک کنت مرموز، یک بال‌چوبی، یک کلابر دار که ریش‌هایش را به رنگ قرمز رنگ می‌کند و یک جزیره ممنوعه...

دختری با پرتقال

یوستین گارد/ ترجمه: امید اقتداری
انتشارات تهران چاپ اول ۱۳۸۸

۱۶۸ صفحه/ ۳۳۰۰ تومان



یوستین گارد، نویسنده نروژی را در ایران بیشتر با کتاب‌های «دنیای سوفی» می‌شناسند که حسن کامشاد ترجمه پاکیزه‌ای از این اثر را سال‌ها پیش به مخاطبان فارسی زبان ارائه کرد.

یوستین گارد، سال ۱۹۵۲ در اوسلو به دنیا آمد. پدرش مدیر مدرسه و مادرش معلم و نویسنده کتاب‌های کودکان بود. گارد در دانشگاه اوسلو زبان‌های اسکاندیناوی و الهیات خواند. پس از ازدواج در ۱۹۷۴ نوشتن را آغاز کرد و در نوشتن چند کتاب درسی فلسفه و الهیات همکاری داشت. در ۱۹۸۱ خانواده‌اش به برن کوچ کردند. او در برن چند سال در دبیرستان فلسفه درس داد. نخستین کتاب داستانی او در ۱۹۸۶ چاپ شد. پس از آن گارد دو کتاب برای کودکان را به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ به چاپ رساند. کتاب معروف او «راز فال ورق» در ۱۹۹۰ منتشر شد. این کتاب جایزه منتقدان ادبی نروژ و جایزه ادبی وزارت فرهنگ و علوم نروژ را گرفت. دنیای سوفی (Sophie's World) که در ۱۹۹۱ چاپ شد موفقیتی بزرگ برای گارد بود. دنیای سوفی سه سال پی‌درپی پرفروش‌ترین کتاب نروژ بود و تقریباً به هر زبانی که ترجمه شد، به همین اندازه موفق از آب درآمد.

این کتاب تاکنون به ۴۴ زبان ترجمه شده و در سال ۱۹۹۵ پرفروش‌ترین کتاب جهان بود که موفقیتی شگفت‌انگیز است، چراکه دنیای سوفی در حقیقت کتابی درسی است که به شکل رمان نوشته شده است. موفقیت دنیای سوفی سبب شد گارد نویسنده‌ای تمام‌وقت شود. از او هر یکی دو سال کتابی جدید منتشر می‌شود. به جز دختری با پرتقال، کتاب‌های دیگر او عبارتند از دختر مدیر سیرگ، مایا، راز تولد و...

سردسته‌ها

ماریو بارگاس یوسا/ ترجمه: آرش سرکوهی

نشر چشمه/ چاپ دوم ۱۳۸۸/ ۱۱۵ صفحه/ ۲۵۰۰ تومان



این مجموعه دربرگیرنده شش داستان کوتاه از ماریو بارگاس یوسا، نویسنده پرویی است که آنها را در سال ۱۹۵۹ و در بیست و سه سالگی، پیش از خلق نخستین رمانش، شهر و سگ‌ها نوشته است. بسیاری

از عناصر این شش داستان از جمله نام قهرمانان و درونمایه‌های داستان‌ها و سبک نگارش‌شان در رمان‌های بعدی یوسا به اشکال گوناگون بازآفرینی شده‌اند. به عنوان مثال، گروهیان لیتوما در داستان کوتاه «ملاقاتی» در مجموعه حاضر در رمان «مرگ در آند» نیز حضور دارد، درونمایه و مضمون داستان «سردسته‌ها» با رمان شهر و سگ‌ها بسیار مشابه است، شیوه یوسا در تغییر زمان در یک پاراگراف واحد، که در رمان‌های مرگ در آند، گفت‌وگو در کاتدرال و خانه سبز نیز استفاده شده، در دیالوگ داستان کوتاه «کرجی» مجموعه حاضر نیز به کار رفته است. دغدغه‌های دائمی یوسا، قدرت، خشونت، دوستی و همبستگی در شش داستان این مجموعه هم‌حضور پررنگ دارند.

این مجموعه داستان‌ها که برای نخستین بار به فارسی ترجمه می‌شود، بارها به زبان‌های گوناگون منتشر شده است. عبدالله کوثری، مترجم معتبر ایرانی، یکی از داستان‌های این مجموعه را با عنوان «جدال» در مجموعه داستان‌های کوتاه آمریکای لاتین از انگلیسی به فارسی ترجمه و منتشر کرده است. سردسته‌ها، کرجی، برادر کوچک، یکشنبه، ملاقاتی و پدربزرگ عناوین شش داستان این مجموعه‌اند.

یوسا متولد ۱۹۳۶ پرو بارها کاندیدای جایزه نوبل ادبیات بوده ولی هنوز از دریافت آن بی‌نصیب مانده است.

آقای روباه شگفت‌انگیز

رولد دال/ ترجمه: محبوبه نجف‌خانی

تصویرگر: کوئنتین بلیک/ نشر افق/ چاپ اول ۱۳۸۸
۱۴۴ صفحه/ ۲۰۰۰ تومان



رولد دال، در سال ۱۹۱۶، در خانواده‌ای نروژی در ایالت ولز انگلستان به دنیا آمد. دوران کودکی را در انگلستان سپری کرد و در ۱۸ سالگی به استخدام کمپانی نفتی شل در آفریقای جنوبی درآمد. پس از شروع جنگ جهانی دوم، به عنوان خلبان جنگنده در نیروی هوایی انگلستان مشغول به کار شد. در ۲۶ سالگی به واشنگتن رفت و از همان زمان کار نویسندگی را آغاز کرد. پس از آنکه نامش به عنوان نویسنده بزرگسال ثبت شد، در سال ۱۹۶۰، زمانی که با خانواده‌اش در انگلستان زندگی می‌کرد، کار نوشتن برای کودکان را آغاز کرد. رولد دال اولین داستان‌هایش را برای سرگرمی کودکان می‌نوشت و بیشترین کتاب‌هایش را به آنها تقدیم کرده است. او یکی از محبوب‌ترین قصه‌گوهای دوران ماست و با این که در سال ۱۹۹۰ درگذشت، اما هنوز آثارش به ویژه، مایتلدا، چارلی و کارخانه شکلات‌سازی، چارلی و آسانسور بزرگ شبیه‌ای، غول بزرگ مهربان و... در میان طرفدارانش از محبوبیت زیادی

برخوردارند.

رولد دال در سال ۲۰۰۰ از طرف کودکان سراسر جهان به عنوان بهترین نویسنده قرن کودکان انتخاب شد. رولد دال درباره کتاب آقای روباه شگفت‌انگیز گفته است: «من به آقای روباه شگفت‌انگیز خیلی افتخار می‌کنم. کتاب کم حجمی است، اما طرحی بسیار قوی دارد. من همیشه سعی کرده‌ام داستان‌های جدید و طرح‌های جدید پیدا کنم. از نویسندگانی که تا یکی از آثارشان موفق می‌شود، همان طرح را بارها و بارها در داستان‌های دیگرشان تکرار می‌کنند، بیزارم. این کار ناتوانی قدرت تخیل و ابتکار آنها را نشان می‌دهد.»

دویدن میان زندگان

مهین دخت حسن زاده/ انتشارات نیلوفر سپید

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۸۷ صفحه/ ۳۰۰۰ تومان



رسیدن به این یقین که باید روزی این جهان را ترک کنیم برای ما سخت است. گاه اتفاقات و وقایعی ما را با حقیقت مرگ روبه‌رو می‌کند، آن زمان است که رازآلود بودن زندگی و هیجان زنده بودن را کشف می‌کنیم. دیگر مرگ را جزئی از خود می‌پنداریم و به آزادی حقیقی می‌رسیم. این بحث، محور اصلی کتاب حاضر را شکل می‌دهد. از حسن زاده پیش از این مجموعه داستان‌های ساکن کویر و زمانه بی‌مجنون منتشر شده بود. دویدن میان زندگان نخستین کار بلند این نویسنده متولد سال ۱۳۴۴ است.

پری نخلستان

حسین فتاحی/ انتشارات قدیانی

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۹۲ صفحه/ ۳۰۰۰ تومان



حسین فتاحی، نویسنده پرکار در عرصه ادبیات دفاع مقدس است که آثار بسیاری را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است. «پری نخلستان» رمانی ۱۹۲ صفحه‌ای است که در یازده فصل با موضوعیت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برای نوجوانان نوشته شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «روزی روزگاری، نخل زیبایی بود که به آن پری نخلستان می‌گفتند. نخلستان در کنار شهری بود که از دل آن رودخانه‌ای می‌گذشت. روزی از روزها، اتفاق عجیبی افتاد. دو تا از بچه‌های شهر توی دردرس افتادند. جان آن دو در خطر بود. اما در آن شهر بزرگ، هیچ کس نبود که به آنها کمک کند، جز پری نخلستان.»

دوستان خوب/ دوره ۶ جلدی

جنابین ایماش/ ترجمه: مهروش طهوری

کتاب‌های بنفشه/ انتشارات قدیانی/ چاپ اول ۱۳۸۸



هر جلد ۳۲ صفحه/ ۸۰۰ تومان
داستان‌های ساده این مجموعه به خردسالان کمک می‌کند تا بیاموزند که با هم خوب رفتار کنند و با تفاوت‌های یکدیگر کنار بیایند. کتاب‌های حاضر با نشان دادن تفاوت بین انصاف و بی‌انصافی، درستی و نادرستی و مهربانی و نامهربانی، مبانی رفتار خوب و دوستانه را بیان می‌کنند. کتاب «دوستان خوب» کودکان را تشویق می‌کند تا مهارت‌های مذاکره و مشارکت، گوش دادن و اندیشیدن به سخنان دیگران و تحلیل تفاوت‌ها با توجه به گزینه‌های دیگر را در خود پرورش دهند. هر کتاب این مجموعه شامل دو داستان است و هر داستان در فضایی متفاوت شکل گرفته است و شخصیت‌های متفاوتی در آن نقش دارند. علاوه بر

این، کتاب‌های این مجموعه مصورند و عکس‌های هر کتاب به صورت رنگی تهیه شده است. برو کنار، این طوری نمی‌شود، برو پی کارت، این مال من است، این حرف را زن و این کار را نکن، عناوین فرعی شش جلد مجموعه حاضر را تشکیل می‌دهند.

خرابکار

جو کریگ/ ترجمه: شهلا انتظاریان

نشر پیدایش/ چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۸۴ صفحه/ ۵۰۰۰ تومان



کتاب حاضر، داستان دیگری از جو کریگ است که در مجموعه داستان‌های ماجراجویانه انگلیسی قرار می‌گیرد. منهای طراحی جلد کتاب که شلوغ و در ابتدا سردرگم‌کننده برای مخاطب به نظر می‌رسد

کتاب حاضر را می‌توان در زمره آثار تفنن‌گرا و سرگرم‌کننده دانست. ظاهراً جیمی کوآرتز شخصیت اصلی داستان یک انسان سی و هشت در صدی است. او پدیده‌ای تازه در مهندسی ژنتیک است با ترکیبی از ماشین و انسان. اما این ماشین، انسان، نمی‌خواهد به دستورات مافوق‌جنایتکارش تن بدهد. از طرفی نیمه انسان او در کشمکش دائمی با نیمه ماشینی اوست و جیمی علاوه بر این که باید یاد بگیرد که چگونه نیمه ماشینی‌اش را کنترل کند، با دشمنانش هم باید بجنگد. پیروزی از آن کیست؟

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «جیمی لرزید و شانه راستش را مالید. نور از پشت سرش و از پنجره‌ای بزرگ با پرده‌ای توری می‌تابید و به قدری شدید بود که نمی‌توانست چشم‌هایش را باز نگه دارد. بیش از هر چیز به رختخوابی نیاز داشت که توی آن بخزد و گرچه ترجیح می‌داد جایی گرم با غذایی مطلوب باشد، ولی با شرایطی که داشت در این مورد چندان سخت نمی‌گرفت. او روی یک صندلی حصیری ناراحت در اتاق جلویی یک خانه دوطبقه زهوار در رفته‌وول می‌خورد. لباس‌های تن او همان چیزهایی بود که پیش از لباس‌غواصی پوشیده بود؛ شلواری جین با کاپشنی کلاه‌دار که در سفر طولانی‌اش، از تگزاس تا نیویورک، از جاهای مختلف دزدیده بود و حالا نیز در محلی مسکونی در دل بروکلین بود...»

کل صحرا

واریس دیری و کاتلین میلر

ترجمه: شهلا فیلسوفی و خورشید نجفی

نشر چشمه/ چاپ یازدهم/ ۲۹۰ صفحه/ ۵۲۰۰ تومان



واریس دیری به شکلی مضاعف زندگی می‌کند. روزها مدل بین‌المللی معروف و سخنگوی حقوق زنان در آفریقا است و شب‌ها رویای بازگشت به خانه، به وطنش سومالی را در سر می‌پروراند.

وقتی واریس دوازده سال بیشتر نداشت، از زندگی کوچ‌نشینان صحرائی فرار کرد. چون پدرش در مقابل پنج شتر او را به عقد مرد غریبه‌ای شصت ساله درآورد. او از صحرائی سخت سومالی گذشت و به لندن، جایی رفت که توسط عکاسی کشف شد. اما او با خود خاطرات ناگوار و درد و رنج واقعی را به همراه برد. کتاب حاضر بیان‌کننده خاطرات تلخ و پرفراز و نشیب اوست.

خانم واریس دیری، در مقدمه‌ای کوتاه، تقدیر و تشکر جانانه‌ای از مادرش می‌کند. او می‌نویسد: «مادر من به فرزندانش نشان داد وقتی در برابر مشکلات پیش‌بینی‌نشده زندگی قرار می‌گیرند با ایمان و مقاوم باشند. فداکاری‌اش به طور مساوی بین دوازده فرزندش تقسیم می‌شد و این در نوع خودش شاهکار حیرت‌آوری بود. او خردی داشت که داناترین خردمندان را به آسانی شکست می‌داد. فداکاری‌اش بی‌حد و حصر بود و شکایتش بسیار اندک...»

گفت و گو با همسر شهید شیرودی در سالروز شهادتش، هشتم اردیبهشت

شیرودی، کتاب و حقایق ناگفته

جنگ آغاز شد، با تخریب خانه‌ها، گل‌های بسیاری پرپر شدند. هنوز به پایان نرسیده بود که دل‌های سوخته از غم پرکشیدن هم‌رمز، دوست، همسایه و برادر تلاش کردند تا آنچه از خاطرات آنها، کم یا زیاد، در دل و ذهن دارند، ثبت و مانا کنند. علی‌اکبر قربان‌شیرودی نیز یکی از همانانی بود که پرواز کرد و خود را به دل آسمان کوید تا جایی که آسمان گشوده شد و او تا ابد باقی ماند. با شهادت وی، درباره او کتاب‌هایی نوشته و منتشر شدند. هرچند سعی بر ماندگاری یاد او بود، اما باز درد مشترک بعضی از آثار مرتبط با شهدا که همان بزرگنمایی است، در آثار مربوط به این شهید نیز خودنمایی کرد



با شهناز شاطر آبادی، همسر شهید شیرودی را به خود اختصاص دهد، ابراز خرسندی می‌کند. اما تصمیم مدیران و متولیان فرهنگی در جلسات انتخاب شخصیت‌های مختلف برای نوشتن زندگی‌نامه‌شان در قالب فعالیت‌های پژوهشی را سبب کمرنگ‌تر جلوه دادن برخی از رزمندگان یا شهدا می‌داند و در کنار این موضوع، اهمیت تمایل یا عدم تمایل خانواده شهدا را برای ارائه اطلاعات و بیان حقایق و عدم خودسانسوری یادآور می‌شد.

همچنین نشر آجا، اکنون کتاب «انگشت باد» را در دست انتشار دارد که مجموعه‌ای درباره خلبانان شهید است و بخشی از آن به شهید شیرودی اختصاص دارد. «شیرودی، شهیدی است که متأسفانه در دوره‌های مختلف و توسط عموم مردم درباره وی غلو شده و شخصیت معنوی او را با قصه‌های مختلف خدشه دار کرده‌اند. کسانی که در روزهای جنگ در کنارش بودند و از نزدیک با شخصیت وی آشنایی داشته‌اند، بهتر می‌توانند درباره او بنویسند و پس از گذشت ۲۸ سال از شهادتش، هنوز این اتفاق رخ نداده که به راستی شیرودی را نمایان سازند.»

این نکته را حجت‌شاه محمدی از دوستان و هم‌زمان شیرودی بیان کرد. وی در سال ۱۳۷۸ همراه سیدامیر معصومی و توسط نشر هفت، کتابی را با عنوان «سیمرغ» و با موضوع شهید شیرودی منتشر کردند و مدت پنج سال است که اثری با عنوان «سه لشکر و ۱۲ نفر» شامل خاطرات ۵۰ نفر از دوستان و هم‌زمان شهید شیرودی را آماده چاپ دارند.

اسامی دختر، پدر و حتی اسم همسر به اشتباه درج شده، برای مثال نام کوچک او علی‌اکبر قربان‌جایگزین نام اصلی او یعنی علی‌اکبر قربان‌شیرودی شده است. شاید اغلب این اشتباهات در نگارش و تدوین آثاری با موضوع شهید علی‌اکبر شیرودی به دلیل مصاحبه نکردن با خانواده یا همسر وی باشد. اما شاطر آبادی مخالف انجام مصاحبه‌های تلویزیونی است و به عوامل ساخت سریال تلویزیونی «سیمرغ» نیز به دلیل وجود برخی اشتباهات خرده می‌گیرد. البته برای گفت‌وگو درباره نگارش کتاب مخالفتی ندارد که این بار کم‌لطفی از طرف نویسندگان صورت گرفته و با وی مصاحبه نکرده‌اند.

همسر شهید شیرودی، خاطرات عمر کوتاه و دو ساله زندگی مشترک خود را با علی‌اکبر شیرودی نوشته است که به گفته وی، این خاطرات شخصی بوده و تصمیمی برای انتشار آنها ندارد.

در کنار آثار بسیار محدودی که از سال ۱۳۶۱، یعنی یک سال پس از شهادت خلبان شهید علی‌اکبر شیرودی درباره وی منتشر شده، اواخر سال گذشته نشر آجا (انتشارات ارتش جمهوری اسلامی) کتاب «وداع» نوشته شمس خسروی را به چاپ رساند. این کتاب تنها اثر داستانی است که به صورت کامل به شهید شیرودی اختصاص دارد.

خسروی، «وداع» را اثری تولیدی و محصول گفت‌وگو با همسر و خواهران شهید شیرودی می‌داند و از نگارش درباره شخصیتی که کمتر کسی به او پرداخته و موفق شده عنوان نخستین مصاحبه‌کننده

که توسط جهاد دانشگاهی دانشگاه مازندران به چاپ رسیده، با هدف مبارزه جلوه دادن علی‌اکبر شیرودی در سال‌های پیش از انقلاب، مطالبی نوشته شده که خلاف واقعیت است. علی‌اکبر گرچه در خانواده مذهبی و معتقد پرورش یافته بود، با این حال هرگز مبارز نبوده و با پیروزی انقلاب است که تحول بزرگی در شخصیت وی رخ می‌دهد. تا جایی که همیشه می‌گفت ای کاش انقلاب با این گستردگی تأثیرش بر جوانان، ۱۰ سال زودتر اتفاق می‌افتاد.

تنها، مبارز انقلابی بودن عامل شاخص برای مثبت جلوه دادن شخصیت‌ها نیست. اگر چه شیرودی در روزهای پیش از انقلاب فعالیت مبارزاتی نداشت، اما در روزهای مبارزه‌اش در آسمان جبهه‌های جنگ تحمیلی حاضر نبود برای مداوای پسر ۶ ماهه خود به شهر برگردد و دائم می‌گفت: «حاضر نیستم جایی که هر روز جلوی چشم من چندین جوان پرپر می‌شوند، برای مداوای فرزندم جبهه را ترک کنم.» به گفته همسر شهید شیرودی این ویژگی‌ها برای نمایان ساختن بزرگی شخصیتی مانند علی‌اکبر شیرودی کم نیستند.

شهناز شاطر آبادی که اکنون آرشیوی از کتاب‌های منتشر شده درباره شهید شیرودی را دارد، با مطالعه تک‌تک آنها و بررسی نقاط ضعف و قوتشان، نواقص را به گوش متولیان این آثار رسانده که به گفته خودش بی‌تأثیر بوده است. وی از کتاب دیگری با عنوان «شهید شیرودی» که در سال ۸۶ توسط انتشارات مدرسه منتشر شده، نام می‌برد و اضافه می‌کند: «در این اثر نیز

دی ماه سال ۱۳۳۴ در قریه بالا شیروود واقع در حومه تنکابن به دنیا آمد. با اتمام تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۵۱ به ارتش رفت و پس از طی دوره مقدماتی خلبانی و دوره خلبانی بالگرد کبر، با درجه ستوانی‌ری فارغ‌التحصیل شد.

پس از انقلاب از بنیان‌گذاران کمیته انقلاب اسلامی در کرمانشاه بود. وی با شروع جنگ تحمیلی ساعتی جبهه را رها نکرد و بارها بالگردش مورد اصابت گلوله‌های ارتش متجاوز صدام قرار گرفت. شیرودی با دارا بودن بالاترین ساعت پرواز جنگی در جهان، ارتفاعات غرب کشور را جلوانگه خویش قرار داده بود و سرسختانه می‌جنگید. سرانجام هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰ در قریه بلاغ دشت ذهاب پس از انهدام چندین تانک ارتش متجاوز صدام، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

این آرزویی بود که برای علی‌اکبر قربان‌شیرودی به حقیقت پیوست تا جایی که بارها برای همسرش گفته بود: «زمانی که از پرواز برمی‌گردم، هر چند هم که عملیات موفقیت‌آمیز انجام شده باشد، احساس می‌کنم هنوز خالص نشده‌ام که خدا مرا بپذیرد.» نوشتن کتاب درباره شهدا به ویژه شهید شیرودی، بلا مانع است به شرطی که حقایق گفته شوند. نه این که با هدف بزرگنمایی شخصیت آنها، مطالبی ارائه شوند که برای کسانی که شناختی از آنها ندارند، دلزدگی ایجاد کنند. همسر شهید شیرودی با بیان این مطلب به نخستین کتاب منتشر شده درباره این خلبان اشاره کرد و گفت: «در فصل اول پرواز به عرش اعلی

عملیات بیت‌المقدس و ناگفته‌های بسیار

مریم اسدی جعفری

اصول علمی و آکادمیک جنگ، باعث پیروزی در صحنه نبرد می‌شود.

دفتر سیاسی سازمان عقیدتی، سیاسی ارتش بعد از خاتمه جنگ تحمیلی، این کتاب را با عنوان عملیات

بیت‌المقدس و به زبان کارشناسی بازنویسی کرد و در سال ۱۳۷۲ بخشی از آن را به چاپ رساند. مسعود بختیاری همراه زنده‌یاد یعقوب حسینی نیز در سال ۱۳۸۰ این کتاب را با حمایت هیأت معارف جنگ بازنگری و تجدید چاپ کردند. اما بعضی دیگر از اهالی قلم حوزه دفاع مقدس معتقدند که دفتر سیاسی سپاه پاسداران که هسته اولیه مرکز اسناد

و تحقیقات دفاع مقدس را تشکیل داد، کتاب «دو سال جنگ» را در پایان سال ۱۳۶۱ منتشر و عملیات بیت‌المقدس را در این اثر تشریح کرده است.

کتاب «دو سال جنگ» که در آن دوران با تیراژ بالایی منتشر شد، به تحلیل چهار عملیات آزادسازی؛ ثامن‌الائمه (شکست حصر آبادان)، طریق‌القدس (آزادسازی بستان)، فتح‌المبین (آزادسازی شوش و غرب دزفول) و بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر) پرداخته است.

بعدها مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، در بخش‌هایی از کتاب «از خونین شهر تا خرمشهر» و

عملیات بیت‌المقدس باعث شده که تاکنون کتاب‌های متعددی با محوریت تاریخ شفاهی فرماندهان، خاطرات رزمندگان، تحلیل عملیات و تبیین نقش تیپ‌های ارتش و سپاه در آزادسازی خرمشهر، نوشته و منتشر شوند.

شاخصه‌های عملیات بیت‌المقدس مانند آزادسازی خرمشهر، قرار گرفتن ایران در موضع برتری نسبی در حوزه قدرت نظامی و بین‌المللی نسبت به عراق، پاک‌سازی مناطق اشغال شده استان خوزستان و ۵ هزار و ۴۰۰ کیلومتر از وجود نیروهای متجاوز، وارد آوردن تلفات و خسارات سنگین به دشمن، به

اسارت در آوردن حدود ۲۴ هزار نفر از افراد دشمن و نمایش ثبات و اقتدار جمهوری اسلامی ایران و در کل، دستاوردهای تاکتیکی، عملیاتی، استراتژیک و سیاسی، باعث تمرکز اهالی قلم در حوزه تدوین کتاب درباره این عملیات نظامی شده‌اند.

به گفته بعضی از نویسندگان، نخستین کتاب درباره عملیات بیت‌المقدس در سال ۱۳۶۲ و به همت امیرسرتیپ مسعود بختیاری و به سفارش شهید علی صیاد شیرازی برای تدریس در دانشکده افسری نوشته شده است. این اثر، ضمن شرح کامل عملیات بیت‌المقدس به زبان ساده، نتیجه می‌گیرد که رعایت

عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر که بیش از ربع قرن از وقوع آن گذشته است، همچنان به عنوان یکی از موفقیت‌آمیزترین نبردهای مشترک سپاه و ارتش در طول جنگ تحمیلی، مورد توجه محققان، پژوهشگران نظامی، تاریخ‌نگاران و خاطره‌نویسان حوزه دفاع مقدس قرار دارد.

ارتش جمهوری اسلامی ایران، با لشکرهای ۶ از رزهی قزوین، ۹۲ از رزهی خوزستان، ۲۱ پیاده حمزه سیدالشهدا، تیپ‌های ۵۸ تکاور، ۲۳ نیروهای ویژه، ۳۷ زرهی، تیپ‌سه‌ا لشکر ۷۷ پیاده خراسان، ۹۰ فروند بالگرد هوانیروز، دو گروه توپخانه در پشتیبانی آتش، دو گروه مهندسی برای پشتیبانی از عملیات عبور از رودخانه و نیروی دریایی با فراهم آوردن قایق‌های عملیاتی و یگان‌های غواص و تفنگدار تکاور، در اجرای عملیات بیت‌المقدس حضور داشته‌اند.

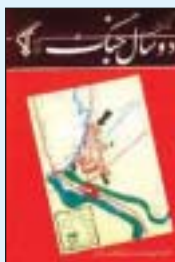
همچنین سپاه پاسداران با تیپ‌های ۳۱ عاشورا، ۳۷ نور، ۴۱ ثارالله، ۱۴ امام حسین (ع)، ۸ نجف، ۲۵ کربلا، ۷ ولیعصر (عج)، ۲۷ ابیطالب و امام سجاد (ع) در این عملیات گسترده حضور داشته و جهادسازندگی نیز در پشتیبانی از عملیات و اقدامات مهندسی عملیات آزادسازی خرمشهر، نقش بسزایی داشته‌اند.

طرح ریزی و اجرای عملیات بیت‌المقدس با فرماندهی سرداران سپاه پاسداران؛ محسن رضایی، سیدیحیی رحیم‌صوفی، شهید حسن باقری و سپهبد شهید علی صیاد شیرازی با همکاری برخی امیران ارتش مانند علی‌اکبر موسوی قویلد، مسعود بختیاری، اقبال محمدزاده و عبدالحسین مفید صورت گرفت. حضور تمامی نیروهای نظامی و مهندسی ایران در

«تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: جنگ، بازیابی ثبات: بررسی تحولات سیاسی، نظامی از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱» نوشته محمد درودیان، عملیات بیت‌المقدس را به صورت روشن‌تر تحلیل کرد.

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس نیز به عنوان ناشر آثار دفاع مقدس، از دو سال پیش، تدوین مجموعه «فاتحان خرمشهر» را با تکیه بر خاطرات شفاهی فرماندهان عملیات بیت‌المقدس آغاز کرده که تاکنون ۸ عنوان از این مجموعه به چاپ رسانده است. متولیان فرهنگی گرامی‌داشت یاد و خاطره نهاد جهاد سازندگی هم که از سال ۱۳۸۸ فعالیت خود را در زمینه نشر کتاب‌های مربوط به ۸ سال دفاع مقدس آغاز کرده‌اند، مشغول نگارش مجموعه کتابی درباره ۱۰ عملیات شاخص جنگ تحمیلی هستند اما متأسفانه تاکنون، کتاب خاصی درباره فعالیت‌های جهاد سازندگی در عملیات بیت‌المقدس چاپ نشده است.

هیأت معارف جنگ هوانیروز نیز در بخشی از کتاب «حماسه‌های ماندگار هوانیروز در ۸ سال دفاع مقدس» فداکاری‌های این نیروی نظامی در آزادسازی خرمشهر را به تصویر کشیده و طرح جدیدی را با عنوان «هوانیروز در عملیات بیت‌المقدس» برای نگارش به یکی از نویسندگان حوزه دفاع مقدس سپرده است. تاریخچه گفته شده درباره کتاب‌های منتشر شده درباره عملیات بیت‌المقدس، نشانگر اهمیت سیاسی، نظامی و استراتژیک این نبرد است و البته هنوز زوایای ناگفته آزادسازی خرمشهر از زبان مهندسان جهاد سازندگی، خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز به صورت مکتوب، ثبت نشده‌اند.





ابوتراب خسروی به تازگی دغدغه‌هایش را درباره ساختار تئوریک داستان؛ با اتکا به وجوه مختلف نظریه‌های اندیشه‌ای و فلسفی جهان، در کتابی با نام «حاشیه‌ای بر مبانی داستان» بیان کرده است. این کتاب اواخر سال گذشته (۸۸) از سوی نشر ثالث در قفسه کتابفروشی‌ها جا گرفته است. خسروی در این کتاب موضوع هر بخش را همراه با چگونگی اساس شکل‌گیری آن در داستان توضیح داده و در بیشتر موارد به رابطه خالق اثر و نویسنده در تولید اثر، از وجوه گوناگون پرداخته است. هر بخش از این کتاب به بررسی یکی از عناصر داستانی اختصاص دارد. این نویسنده این روزها مجموعه داستان «کتاب ویران» را در نشر چشمه زیر چاپ دارد و نگارش رمان «ملکان عذاب» را نیز به پایان رسانده است. «ملکان عذاب» در واقع مکمل دو رمان قبلی او، «اسفار کاتبان» و «رود راوی» است که در آن، بخشی از دغدغه‌های فرهنگی و تاریخی این نویسنده، همراه با نگرش‌هایی رمزگونه به هستی، در قالب داستان مطرح می‌شود. گفت‌وگوی ما با او درباره کتاب «حاشیه‌ای بر مبانی داستان» در ادامه می‌آید.

گفت‌وگو با ابوتراب خسروی درباره کتاب «حاشیه‌ای بر مبانی داستان»

زیباشناسی ادبی خود را با تکنیک مدرن دراماتیزه کنیم

مثال زده شود. مهم این است که بتوانم نظراتم را بسط و انتقال دهم. به طور کلی هدف من، توضیح عناصر داستان بود؛ نه از موضعی که در کتاب‌های زیادی گفته شده، بلکه اصرارم این بود که از نگاهی بگویم که مدنظرم است.

این مباحث و ارتباط آن را با آثار نویسندگان نوکل چطور ارزیابی می‌کنید؟

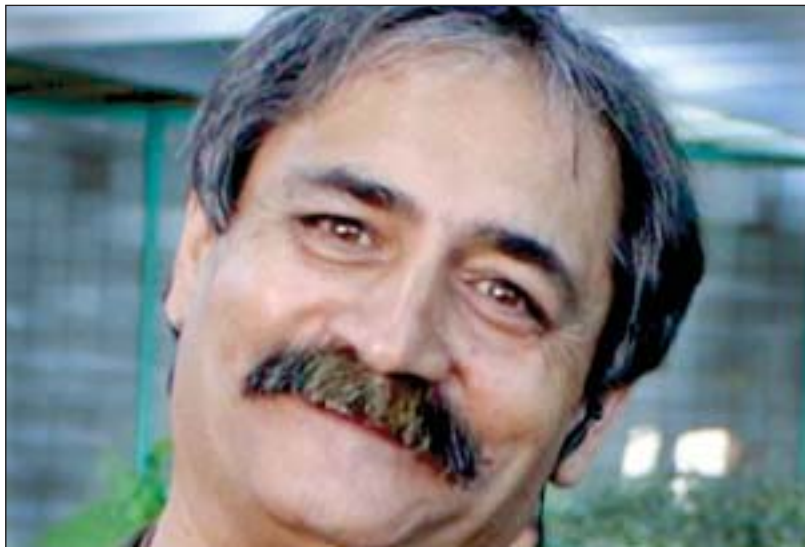
اعتقاد دارم که این مباحث را می‌توان به کار هر داستان‌نویسی در هر سطح تعمیم داد. چون فرآیند نوشتن مختص گروهی خاص نیست ولی درباره ایجاد رابطه با مفاهیم این مباحث قطعاً از کتاب‌های دیگر که از مباحث مشترکی صحبت می‌شود بی‌نیاز نخواهیم بود.

فکر می‌کنید در جریان امروز ادبیات داستانی، کدام یک از بخش‌ها مانند تمرکز بر تکنیک یا نظرگاه‌های اندیشه‌ای، نیاز به تقویت و جدیت بیشتری دارد؟

طبعاً مباحث و مفاهیم داستان‌نویسی واحد هستند و نمی‌توان چیزی را کم‌اهمیت دانست.

به اعتقاد شما می‌توان تئوری‌هایی را با اتکا بر پیشینه ادبیات کهن فارسی برای داستان‌نویسی معاصر پیشنهاد یا ارائه داد؟

قطعاً. ما اگر بخواهیم بر اساس داشته‌هایمان متون مدرن داستانی ایجاد کنیم، لازم است بر اساس تکنیک منتج به فرم بنویسیم و این بدون دانستن مباحث مدرن داستان‌نویسی امکان‌پذیر نیست. البته لازم است زیباشناسی ادبی و فرهنگی خود را هم با تکنیک مدرن دراماتیزه کنیم.



در حالی که در پایان کتاب شرحی از ارجاعات یا منابع نمی‌بینیم. در این باره توضیح دهید...

بله این از نواقص کتاب است که امیدوارم در چاپ‌های بعدی این مشکل حل شود.

در بیان نقل قول‌ها و توضیح درباره آرای نویسندگان و اندیشمندان، شما کمتر به جریان‌های ادبی و فلسفی نونظر داشته‌اید و اغلب مرورها در آثار نویسندگان قدیمی صورت گرفته است. چه انگیزه‌ای در این‌گونه گزینش‌ها مدنظرتان بوده است؟

لازم بود از آثار تثبیت شده و بیشتر خواننده شده

نیست و نسخه‌های پیچیده؛ بلکه ایجاد پرسش می‌کند که حاصل آن ایجاد اندیشه است. ادبیات داستانی مدرن اندیشیدن داستان است. البته هر متنی، داستان به معنی واقعی‌اش نیست. در طول روز هزاران متن اعم از به اصطلاح داستان یا غیر داستان نوشته می‌شود؛ ولی بخش ناچیزی از آن ادبیات است. بحث ما ادبیات داستانی است. یعنی آن‌که در وهله اول داستان باشد و سپس آن متن به ادبیات تبدیل شود.

شما در این کتاب به متون مختلفی اشاره داشته‌اید؛

آقای خسروی! در ابتدا مایلیم با وجود دغدغه‌هایتان در داستان‌نویسی، انگیزه‌تان را از نگارش کتابی درباره پژوهش در حوزه داستان‌نویسی بدانم و این که آیا این‌گونه تحقیقات شما در آینده نیز ادامه خواهد داشت؟

تعداد زیادی کتاب درباره داستان منتشر شده که شخصاً از آنها یاد گرفته‌ام، ولی خلاً کتابی از این منظر را احساس می‌کردم. طبعاً داستان و مباحث تئوریک آن مشغله ذهنی من است و اگر در آینده هم خلاً مباحثی از این منظر را احساس کنم، باز هم خواهم نوشت.

توجه به اندیشه‌ها در زیر ساخت‌های داستان‌نویسی تا چه حد لازم می‌دانید و این توجه به اندیشه در روند داستان‌نویسی امروز ما چه شکلی دارد؟

اساس هنر و در بحث ما ادبیات داستانی، اندیشه است. فکر می‌کنم هر چقدر داستان‌نویس با مباحث تئوریک داستان آشنا باشد، بر تکنیک منتج به فرم مسلط خواهد بود. به خصوص در دوران ما که نوع ادبی داستان و رمان، تفنن صرف نیست، در واقع به نوعی می‌تواند موشی تفکر باشد. نویسنده با داستانی که می‌اندیشد، پرسشی را مطرح می‌کند و خواننده را در پرسش منتج به اندیشه‌اش شریک می‌کند.

بعضی داستان‌ها از ابتدا به گونه‌ای آغاز می‌شوند که گویی قرار نیست منجر به ایجاد حرکت یا نگرشی در خواننده شود و اساساً تنها شرح دلخوری‌ها و ناکامی‌ها، بدون دریافت تجربه‌ای ناب از سوی صاحب اثرند. شما در این باره چه عقیده‌ای دارید؟ ادبیات داستانی در وضعیت مدرن حل مسأله

گفت‌وگو با زهره یوسفی درباره مجموعه «مشترک مورد نظر خاموش است»

شاعرانگی بی‌تصنع

زهره یوسفی سال‌هاست به کار شاعری مشغول است، با این همه او تاکنون اشعارش را در قالب کتاب منتشر نکرده بود. یوسفی را می‌توان از آن دسته شاعرانی دانست که برای انتشار آثارشان وسواس خاصی دارند. انتشار نخستین مجموعه شعر او، بهانه‌ای برای گفت‌وگو با این شاعر شد. این مجموعه، «مشترک مورد نظر خاموش است» نام دارد.

کاوه رحمانی

امروز شاعران بزرگی را در دامان خود پرورش داده است، نمی‌تواند در این زمینه بی‌تاثیر باشد؟! بی‌شک تاثیرگذار بوده و هست، به قول محمدعلی سپانلو؛ اردیبهشت، دختر سعدی است! حالا شیراز هم

اردیبهشت دارد و هم سعدی و بزرگان دیگر. نمی‌شود در شیراز بود و به شعر و غزل فکر نکرد. چگونه می‌توان در کنار شاعران بزرگی در این شهر نفس کشید و راه رفتن را از آنها نیاموخت؟! البته امیدوارم شاگرد بدی نبوده باشم! برخورد مخاطبان با نخستین مجموعه شما چگونه بوده است؟

به نظر خودم استقبال خوبی از این کتاب شد. کسانی بر من و کتاب منت گذاشته و آن را خوانند که از چهره‌های جدی شعر و نقد ادبی امروز ما هستند، بعضی‌ها به صورت شفاهی مرا از نظرات ارزشمند خود بهره‌مند ساختند و تعدادی هم نقدها و نوشته‌هایشان را مکتوب کردند که در نشریات

آن طور که باید خود را به مخاطب عرضه کند. من شعر را چنان که هست، ساده و بی‌زور و زیور دوست دارم، نه دستکاری و رنگ و لعاب دار شده. هرچه طبیعی‌تر به نظر برسد، دلنشین‌تر است.

پس با این حساب می‌توان دلیل اصلی رویکرد شما به تغزل و شعر عاشقانه را در همین نوع نگاه و توجه شما به اشیا؛ پیرامون، طبیعت و... جست و جو کرد؟

بی‌شک طبیعت و جهان اطراف ما، هر یک دنیایی از شعر و غزل است که

نگاه و نگرش دقیق ما به آن می‌تواند هر روز غزلی هزار بیتی را تقدیم مخاطب کند. به بیان دیگر، قاب مصوری است که می‌تواند هر انسانی را نویسنده توصیف اجزا خود کند و او را با آبی دریا تا کهنکشان به پرواز درآورد.

حتی فکر می‌کنید حضور شما در شهر شیراز که پشتوانه فرهنگی و ادبی زیادی دارد و از دیروز تا



مختلف شیراز و تهران به چاپ رسیده است. این نوشته‌ها قطعاً تأثیرگذارند و مرا در بهتر شدن مجموعه‌های بعدی یاری می‌کنند.

به نظر من هر نقدی، خلق آثار جدیدی را برای نویسنده به همراه خواهد داشت. نقد بد وجود ندارد.

همه نقدها به این دلیل که سازنده‌اند، راهگشا هستند. همان‌طور که قبلاً هم گفتم، شعر را برای ارضای درونی و روحی خود و احیاناً خواننده احتمالی‌ام می‌نویسم و به آن به چشم کالا برای عرضه در بازار هنر نگاه نمی‌کنم. می‌نویسم و تا آنجا که قلم یاری‌ام کند، در خدمت ذهن و مخاطب خود هستم. با این همه قطعاً نظر همگی استادان و سروران شعر و ادب برای شاعران جوان راهگشا خواهد بود.

حتماً می‌دانید که پس از دفتر اول، انتظار خواننده از کارهای بعدی شما بیشتر می‌شود. با این حساب ما باید منتظر دفتری متفاوت‌تر و یک سر و گردن بالاتر از «مشترک مورد نظر خاموش است» باشیم. درست است؟

قطعاً همین‌طور است. من به این مهم واقفم و تمام تلاشم این بوده که نظرات سازنده منتقدان و مخاطبان را درباره مجموعه «مشترک مورد نظر خاموش است» به کار بگیرم و آثاری شسته رفته‌تر عرضه کنم. حالا این که تا چه اندازه در این راه موفق بوده‌ام شما و دیگر دوستان منتقد باید بگویید. «دستان خاکستری»، «یکی شبیه باران» و «سه تا نقطه تا سکوت» سه مجموعه بعدی‌ام است که امیدوارم هرچه‌زودتریکی پس‌ازدیگری در اختیار علاقه‌مندان و مخاطبان قرار بگیرند و انتظار خوانندگان را هم برآورده سازند.

همه چیز درباره حزب خران



بدون شک تاکنون نامی از حزب خران شنیده اید. این حزب در دوره خودش صاحب اسم و رسم و حتی روزنامه بود و سید فرید قاسمی همه دانستنی‌ها درباره آن را در کتاب

«روزنامه حزب خران» بازخوانی کرده است.

در مقدمه این کتاب چنین آمده است: «باشگاه خران سال ۱۳۲۱ به وسیله گروهی خوش ذوق در کرمانشاه تأسیس شد. در سال ۱۳۲۶ نشریه توفیق این سوژه را دستمایه کار خود قرار داد و به یکباره این تشکل محلی به یک حزب ملی بدل شد که اعضای آن یافت و خیز در نیمه دوم دهه بیست و اوایل دهه سی به فعالیت می‌پرداختند...»

سید فرید قاسمی هدف از نگارش این کتاب را این گونه شرح داده است: «درباره احزاب و گروه‌هایی که در تاریخ معاصر ایران تشکیل شده‌اند، ده‌ها کتاب و صدها مقاله و رساله نگاشته‌اند. اما نام حزب خران در هیچ یک از این پژوهش‌ها جز یک مورد دیده نمی‌شود! برای این که نام حزب خران از دفتر زمانه محو نشود، ضرورت داشت دفتری مستقل درباره این حزب و روزنامه‌اش انتشار یابد...»

قاسمی که بیشتر به عنوان پژوهشگر تاریخ مطبوعات شهرت دارد، کوشیده است علاوه بر حفظ نام و نشان و فعالیت‌های حزب خران، به چگونگی آغاز به کار آن بپردازد اما هیچ اشاره‌ای به مسائل سیاسی پشت پرده و اهداف اصلی پدیدآیی چنین حزبی نکرده است. انتظار می‌رفت چنین کتابی بیش از هر مورد دیگر به سراغ علت‌های چنین حرکتی برود و باواکاوی جریان‌ات آن دوران، به خواننده‌اش بفهماند که ضرورت تشکیل چنین حزبی چه بوده است؟ این حزب فقط ماهیتی کمیک داشته یا در پس فعالیت‌های خود اهدافی را هم دنبال می‌کرده است؟

عمده کاری که قاسمی در این کتاب انجام داده، تدوین اطلاعات پراکنده‌ای است که با زحمت از نوشته‌های دیگران فراهم آورده ولی خواننده در آخر کتاب به هیچ یک از سوالات ذهنی‌اش نمی‌رسد و صرفاً با دورنمایی نه‌چندان روشن از حزب خران روبه‌رو می‌شود.

البته کتاب حاضر تا همین حد و اندازه هم کتابی خواندنی است اما برای کسانی مفید است که نخستین بار نامی از حزب خران می‌شنوند. به هر حال کتاب «روزنامه حزب خران» کتابی است که می‌تواند جرقه‌های اولیه درباره شناخت یک حرکت معنادار را در ذهن مخاطب کنجکاو ایجاد کند و شاید هدف پدیدآورنده هم همین باشد. برای آشنایی بیشتر با این کتاب، بخشی از آن تقدیم می‌شود: «... متقاضیان عضویت در حزب خران پس از ارائه رونوشت سند خیریت و به دنبال آن پذیرش، موظف بودند که آیین‌نامه حزب را دقیقاً اجرا کنند. آقایانی که مفتخر به ورود در هیأت می‌شوند و همچنین کارمندان و هیأت مدیره و معاونین بدون استثنا، به منظور معرفی و احراز هویت خود باید یک قطعه فلزی با علامت «خ» در جلوی سینه در پشت یقه خود نصب نمایند. آقایان کارمند در خارج از حوزه می‌باید کمال متانت و بردباری را ابراز و به هیچ وجه از حدود ادب و وقار خارج نشوند لیکن در مجالس خصوصی چنانچه مایل باشند عر و جفتک اندازی نمایند. در حدود مقررات و انتظامات بلامانع است...»

کتاب «روزنامه حزب خران» سال ۱۳۸۸ در شمارگان دو هزار نسخه و قیمت ۲۰۰۰ تومان توسط نشر امروز عرضه شده است.

نقد

شهاب وفايي

نگاهی به کتاب «سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران»

حکایت «دیروز»‌هایی امروزی



حدود دو چهارچوب‌هایی که برای روزنامه‌نگاران، پیش از نخستین قانون مطبوعات ایران به اجرا درآمد، چگونه تعیین و بستر تصویب قانون‌های مطبوعات به ترتیب تاریخی چگونه فراهم آمدند؟

برای یافتن پاسخ این دو سوال باید به تورق کتاب «سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران» اثر سید فرید قاسمی پرداخت؛ کتابی که بیانگر ۷۱ سال سلیقه فردی و ۱۰۲ سال قانونگذاری در حوزه مطبوعات است.

حکایت مطبوعات در ایران به نوعی از هنگامی شروع می‌شود که حکم شاه‌را به میرزا صالح شیرازی ابلاغ کردند و برای او چهارچوبی مشخص تعیین شد تا بر اساس آن به انتشار نشریه اقدام کند، اما برای آن که به سیر قانونی این مسیر به درستی دست یابیم، باید ابتدا تعریف‌های تخصصی و عمومی از قانون را بدانیم تا بتوانیم آگاهانه سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران را دنبال کنیم و این، همان کاری است که قاسمی انجام داده است. نویسنده‌ای که از پیش‌تازان نگارش کتاب‌های حوزه رسانه، به‌ویژه در بستر تاریخ به حساب می‌آید.

قاسمی برای آن که مدخل صحیحی را برای ورود به این مبحث مهم انتخاب کرده باشد و بتواند مخاطب را از ابتدا با مطالب کتاب همراه کند، «سراغاز»ی قابل تامل را به رشته تحریر درآورده است.

او ابتدا به ارائه تعریف درباره قانون به معنای عمومی و همچنین تخصصی می‌پردازد و جایگاه آنها را در نظام حقوقی ایران بیان می‌کند. سپس به تشریح تاریخ مجموعه انتشارات ادواری در شکل روزنامه و مجله در ایران می‌پردازد. حکایت این تاریخ به قلم نویسنده این اثر، از دوران قاجار شروع می‌شود، زمانی که رسانه‌های چاپی «روزنامه‌جات» و به شکل وسیع‌تر به انضمام نشریه‌های ادواری، «انطباعات» نامیده می‌شدند.

از نکات قابل توجه در این سراغاز، اشاره قاسمی به صدور نخستین فرمان ممیزی در مطبوعات ایران

است. او در این باره می‌نویسد: «نخستین فرمان ممیزی که در مطبوعات ایران چاپ کرده‌اند «اعلان دولتی» است که در آن میرزا ابوالحسن صنیع‌الملک را برای نظارت بر محتوای مطبوعات، کتاب‌ها و نیز چاپخانه‌ها گمارده است تا وی که «رئیس و مباشر امر روزنامه‌ها و نقاشخانه‌ها و کارخانه دولتی» بوده در کلیه امر چاپخانه‌های ممالک محروسه نیز مراقب و مواظب باشد تا بعضی از نسخ که موجب انزجار طبع و موذی خلاف... جهان اتباع شرعیه است و از حلی و حلال منافع ملکی و ملتی عاقل است سمت انطباع نیابد.

آوردن چنین مطالبی در سراغاز کتاب، اشتیاق خواننده را برای دنبال کردن این سیر تاریخی تحریک می‌کند، اما ایراد که نه، بلکه نقصی که از همین سراغاز نمایان می‌شود و تا پایان کتاب نیز ادامه دارد، آوردن «پانوشت‌ها»ی کتاب به صورت «پی‌نوشت»

در پایان این نوشتار است، زیرا در چنین مطالبی که گاهی در یک صفحه ۹ بار خواننده به خواندن مطلبی در آخر کتاب به عنوان «پی‌نوشت» ارجاع داده می‌شود، بهتر بود این مطالب به صورت «پانوشت» در پایین هر صفحه آورده می‌شد تا تلنگری به تمرکز خواننده کتاب زده نمی‌شد، هر چند که عملکرد قاسمی در این باره، یک اشتباه محسوب نمی‌شود.

سیر قوانین و رویدادها در بستر تاریخ

پیکره اصلی این کتاب به ۱۸ بهمن ماه سال ۱۲۸۶ برمی‌گردد و قانونی با ۵۲ ماده به تفصیل بیان می‌شود، قانونی که به امضای رئیس مجلس شورای ملی در آن زمان رسیده بود.

پس از آن قاسمی توضیح می‌دهد که چگونه شیوه کسب امتیاز نشر مطبوعات تغییر کرد و در نهایت حتی واکنش روزنامه‌نگاران را به همراه داشت.

پس از آن نگارنده کتاب سراغ قوانین، طرح‌های پیشنهادی متهم‌ها، اصلاحیه‌ها و لایحه‌ها می‌رود و خاتمه مطالبش را به طرح پیشنهادی مورخه ۲۹ خرداد سال ۱۳۷۹ اختصاص می‌دهد.

در مجموع می‌توان این کتاب را دایره‌المعارفی کوچک و جامع از قوانین مطبوعاتی ایران به حساب آورد؛ قوانینی که مطالعه و آگاهی از آنها، نه تنها برای اهالی رسانه، بلکه برای بسیاری از مردم علاقه‌مند به موضوعات رسانه‌ای و حتی سیاسی لازم است، زیرا اهالی رسانه باید از سیر تاریخی قوانین مرتبط با مطبوعات آگاه باشد تا در برخورد با مسائل و تحلیل‌هایی که ارائه می‌دهند، به درستی عمل کنند و سایر اقشار نیز می‌توانند با مطالعه این کتاب به قوانینی که گاهی بستر شکل‌گیری آنها با رخداد‌های بزرگ و تاثیرگذار تاریخ معاصر ایران همراه و همگام بوده است، آشنا شوند.

چاپ نخست کتاب «سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران» اثر سید فرید قاسمی از سوی نشر امروز در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، ۲۸۰ صفحه و قیمت ۶۵ هزار ریال منتشر شده است.

معرفی کتاب «فهرست مطبوعات قاجار»

گشتی در ۱۵۰ سال پارسی‌نویسی مطبوعات

کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی می‌رود.

او می‌نویسد: «کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را بیشتر به گنجینه نسخه‌های خطی، کتاب‌های سنگی و حروفی می‌شناسند، حال آن‌که این کتابخانه یکی از مجموعه‌های غنی نشریه‌های ادواری را داراست که فقط قریب به ۱۷۳ عنوان از روزنامه‌ها و مجله‌ها و شبه‌نشریه‌های روزگار قاجار را دربردارد.»

نویسنده این اثر در تاملاتش دریافته که شماری از نشریه‌های قدیمی موجود در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) دست‌کم در ۴۶ کتابخانه معتبر ایران و جهان موجود نیستند. او در این بخش، هفت نمونه از این گونه نشریه‌ها را آورده و همچنین یک عنوان از شبه‌مطبوعات روزگار قاجار را در پایان این بخش معرفی کرده است.

«حقیقت»، «حکم‌آموز»، «ساحل نجات»، «صدافت»، «طریقه‌الفلاح»، «گلستان» و «اشعار سیدمداح نظنزی رشتی المسکن» عنوان نشریه‌هایی‌اند که در این بخش بررسی شده‌اند.

او درباره اشعار سیدمداح نظنزی رشتی المسکن می‌نویسد: «شاید این اشعار به باور برخی نشریه محسوب نشود، چون به مفهوم امروزی از حیث شکل و محتوا تعریف ادواری ندارد، اما در آن روزگار نشریه‌هایی با ویژگی‌های یاد شده را می‌توان دید که سراسر منظوم‌اند. اگر این نظر را نیز بپذیریم، این مجموعه در زمره شبه‌مطبوعات جای می‌گیرد.»

چاپ نخست کتاب «فهرست مطبوعات قاجار» در شمارگان پنج هزار نسخه و ۲۹۶ صفحه از سوی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به عنوان ناشر، روانه بازار کتاب شده است.



پویا راد: دوران حکومت قاجار بر سرزمین ایران از جهات گوناگون قابل تأمل است؛ هم این که قاجاریان چگونه با سیاست‌های نادرست و عملکرد ناصحیح، ایران بزرگ را به فقرها کشاندند و هم این که چطور این حکومت، زمینه زمامداری حکومت پهلوی را در ایران فراهم آورد؛ حکومتی که دست‌نشانده بود و دست‌نشانده ماند تا آن که انقلاب شکوهمند اسلامی طومار پادشاهی را در ایران در هم پیچید. از جمله موضوعات مهم دوره قاجار، مطبوعات این دوره بودند.

جدای از بررسی تاریخی، سیاسی و رسانه‌ای مطبوعات دوره قاجار، وجود کتابی که بتواند به عنوان مرجع به علاقه‌مندان پژوهش و تحقیق در این حوزه کمک کند تا به راحتی به فهرست مطبوعات قاجار دسترسی داشته باشند، ضروری به نظر می‌رسد.

مطبوعات این دوره در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) گردآوری شده‌اند و سید فرید قاسمی نیز در یکی از جدیدترین آثار مکتوبش به معرفی فهرست مطبوعات قاجار در کتابی با همین عنوان پرداخته است.

براساس مطالب کتاب، موجودی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در بردارنده اطلاعات نشریه شناختی نسخه‌های موجود و مجموعه دوره‌هایی است که در ۱۵۰ سال نخست پارسی‌نویسی در جهان منتشر شده‌اند و در این کتابخانه نگهداری می‌شوند. روزنامه‌ها و مجله‌های موجود در این کتابخانه به سه رده «چاپ ایران»، «فارسی زبان برون مرزی» و «شبه‌نشریه‌ها» تقسیم می‌شوند و در هر رده، نظم الفبایی عناوین به چشم می‌خورد.

قاسمی پس از نگارش اطلاعات مربوط به این سه رده، سراغ مطبوعات کمیاب



اگر چه بسیاری از صاحبان نظران، پیشرفت تکنولوژی های نوین ارتباطی را تهدیدی برای حوزه کتاب تلقی می کنند، اما اگر ظرفیت های این تکنولوژی شناخته شود، حتی می تواند به عنوان مکملی برای رونق حوزه نشر باشد. کتاب گويا، محصول آشتی تکنولوژی با حوزه کتاب است. این طرح در طول عمر کوتاه دو ساله خود هنوز در جامعه ما جا نیفتاده است. در گفتگوی زیر با حمیدرضا صحراگرد، مدیر رادیوی اینترنتی ایران صدا، به معرفی اجمالی کتاب گويا و راهکارهای توسعه این طرح پرداخته ایم. این گفتگو به مناسبت تاسیس رادیو در ایران انجام شده است.

مدیر رادیو اینترنتی صدا:

کتاب گويا، نسل جوان را با مطالعه آشتی می دهد

طرح کتاب گويا از چه زمانی و با چه هدفی شروع شده است؟

کتاب گويا از زمان آغاز به کار ایران صدا، یعنی از سال ۸۷ کار خود را شروع کرد. این ایده با هدف گذاری اینکه نسل جوان زمان کمی را به مطالعه اختصاص می دهند، عنوان شد؛ چرا که جوانان امروز اغلب به مطالب شنیداری علاقه نشان می دهند تا خواندن کتاب. این طرح در زمانی که آمار کتابخوانی در کشور نیازمند اعتلا است، امکانات جدیدی در اختیار مخاطبان می گذارد و نسل جوان را با کتاب آشتی می دهد. این طرح با این شعار کارش را شروع کرد: «بیايد کتاب را بشنويم». هدف دوم از بنیان گذاشتن چنین طرحی، ایجاد امکانات برای فارسی زبان خارج از کشور بود؛ نسل دوم ایرانیان فارسی زبان خارج از کشور که به کشورهایی چون هند، تاجیکستان، افغانستان یا کشورهای غربی و سایر کشورها مهاجرت کرده اند. نسل دوم این افراد، توانایی فهمیدن و تکلم به زبان فارسی را دارند، اما توانایی خواندن و نوشتن به رسم الخط فارسی را ندارند. به همین دلیل نمی توانند از کتاب های فارسی استفاده کنند. اما استفاده از کتاب گويا به آنها کمک می کند تا از محتوای کتاب های فارسی استفاده کنند. با این دو هدف گذاری، طرح کتاب گويا شروع شد. **کتاب ها به چه شیوه ای تبدیل به کتاب گويا می شوند؟** به سه صورت؛ بعضی از کتاب ها به صورت تک گویا شده است و یک نفر کتابی را دکلمه می کند. حالت دوم به صورت روایی است، فردی که ممکن است بازیگر باشد، داستان را با لحن هایی متناسب با تیپ های مختلف می خواند که در این کتاب های گويا صرفا

خوانش مطرح نیست بلکه متن به صورت روایی درآمده است. مدل سوم برای تبدیل کتاب ها به کتاب گويا، تبدیل آنها به نمایش های رادیویی است و مخاطب متن کتاب را به صورت نمایشی رادیویی گوش می دهد. **علاقه مندان کتاب گويا چطور می توانند از این کتاب ها استفاده کنند؟**

کتاب های گويا با استفاده از کارت شارژ ایران صدا در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد که خوشبختانه استقبال از این طرح خوب بوده و بسیاری این کارت ها را خریداری کرده اند. امسال دومین سال تجربه این کار را پشت سر می گذاریم. رقم خرید این کارت ها پایین و در حدود دو هزار تومان است که در مراکز مختلف به فروش می رسد و با هر کارتی، خریداران می توانند به طور متوسط ۷ تا ۸ کتاب را بشنوند.

تا به امروز چند کتاب گويا شده اند؟

تاکنون ۲۱۵۰ اثر به کتاب گويا تبدیل شده است. **کتاب هایی که گويا می شوند، با چه معیارهای انتخاب می شوند؟**

ملاک ما سه دسته است. اولین ملاک این است که ناشر کتاب اجازه تبدیل آنها را به فایل صوتی بدهد. دوم آنکه این کتاب ها برای مخاطبان وب جذاب باشد. که این موضوع را از میزان نظرانی که درباره آن کتاب یا نویسنده در اینترنت آمده، تشخیص می دهیم. سوم اینکه این کتاب ها در جوایز ادبی کشور به عنوان آثار برگزیده معرفی شوند.

کتاب گويا با وجود مزایای فراوانی که دارند، هنوز در کشور ما شناخته شده نیست. چرا تبلیغات خوبی روی این طرح صورت نگرفته است؟



برای ارائه تبلیغات، باید تعداد این کتاب های گويا به حجم بالایی برسد. در سال گذشته البته پس از تهیه یک کتاب گويا، آن را از روی سایت ایران صدا قرار می دادیم. اما از امسال قصد داریم در سه حوزه برنامه های رادیو و تلویزیونی، مطبوعات مرتبط با کتاب مثل خبرگزاری کتاب و فضای وب، تبلیغات خوبی را شروع کنیم. البته تبلیغات ما در حوزه رادیو و تلویزیون و مطبوعات حجم کمی دارد چرا که مخاطب این قبیل کتاب ها اغلب کاربران فضای مجازی هستند و تمرکز ما نیز تبلیغ این کتاب های

گويا در این محیط است. اما دلیل دیگر جا نیفتادن طرح این است که هنوز فرهنگ استفاده از طرح های نو چون کتاب گويا در جامعه شکل نگرفته است. پیشنهاد خوبی دارم که اگر محقق شود قطعا بر فرهنگ مطالعه کتاب تاثیر گذار خواهد بود و آن این است که میان وزارت ارشاد و ایران صدا تعاملی برقرار شود که طی آن کتاب هایی که مجوز چاپ می گیرند به کتاب گويا تبدیل شوند.

رادیو بر خلاف سایر رسانه ها مخاطبانی از طیف های مختلف جامعه دارد و این ویژگی، امکان مناسبی به دست می دهد تا با تولید کتاب های گويا، فرهنگ و ادبیات بومی را به مردم معرفی کنیم. این کتاب های گويا تا چه حد به این امر می پردازند؟

برنامه های رادیویی تاکنون از تولیدات ما استفاده کرده اند، اما این استفاده کم بوده. شبکه هایی مثل رادیو ورزش و رادیو فرهنگ از یک سو در سال جدید، کتاب گويای مرتبط با حوزه فعالیت خود راه انداخته اند و از سوی دیگر اهداف آنها متفاوت از ماست. کتابهایی که ما گويا می کنیم با کتاب های گويای مورد نیاز رادیو متفاوت است. همانطور که گفتیم نوع مخاطبانی که در فضای اینترنت حضور دارند، با نوع مخاطبان رادیو متفاوت است.

آیا در نمایشگاه کتاب امسال حضور فعالی دارید؟ امسال با دو غرفه در نمایشگاه شرکت می کنیم؛ اول غرفه ای که برای معرفی و ارائه کارت های شارژ ایران صدا در نظر گرفته ایم. دوم غرفه ای برای برگزاری نمایشگاه کتاب گويا. امسال با همه آثاری که ایران صدا تاکنون تولید کرده یعنی ۲۱۵۴ عنوان در نمایشگاه حضور داریم.

مدیر انتشارات رادیو عنوان کرد

تقویت منابع دانشگاهی رسانه و رادیو

رسانه رادیو، چهارم اردیبهشت در ایران هفتاد ساله می شود. این رسانه در مقایسه با دیگر رسانه های ارتباط جمعی، مخاطبانی از قشر های مختلف دارد. هرچند با پیدا شدن رقیب قدرتمندی چون تلویزیون، بخش عظیمی از مخاطبان این رسانه ریزش کرد اما این رسانه با تقویت زیرساخت ها و پژوهش های بی شمار توانست فعالیت موثر خود را در عصر ارتباطات حفظ کند. اداره کل پژوهش های رادیو ایران نیز با راه اندازی واحد انتشارات تحت نظر خود نشان داد که در تقویت زیر ساخت ها و تولید منابع آموزشی در این حوزه مصمم است. به مناسبت، سالروز تاسیس رادیو در ایران، فعالیت های واحد انتشارات رادیو اداره کل پژوهش های رادیو را در گفت و گو با ساعد معظمی گودرزی، مدیر این واحد بررسی کرده ایم.

رادیو در حال حاضر مناسب ترین رسانه برای ایجاد ارتباط با قشر های مختلف جامعه است. اداره کل پژوهش ها چه برنامه هایی برای تقویت برنامه های رادیویی و انتقال فرهنگ و آیین های سنتی ایران به مردم دارد؟

اداره کل پژوهش های رادیو رویکرد جدیدی را شروع کرده است که طی آن در مناسبت های ویژه مثل روز معلم، هفته شعر و... برای رادیو مواد خامی در رابطه با آن روز تهیه می کند. علاوه بر این برنامه ها، حدود ۲۰ جزوه حاوی مباحث نظری روزآمد در زمینه برنامه سازی رادیو چاپ کرده است، اما سال گذشته سال پرکاری را پشت سر گذاشتیم. هرچند که در سال ۸۷ در این زمینه ۲۰ عنوان جزوه منتشر کردیم. در مجموع اگر گروه ها و شبکه های رادیویی به ما موضوعی را پیشنهاد کنند، مواد خام مورد نیاز آنها رها می کنیم.

اما این همکاری به ندرت پیش آمده است چرا که

منابع دانشگاهی را پر کرده و حتی برخی از این آثار امروز جزو مهمترین منابع دانشگاهی هستند و در دانشکده صدا و سیما تدریس می شوند.

چه طرحی برای معرفی این کتاب ها به مخاطبان حوزه رسانه دارید؟

از آنجایی که مخاطبان کتاب های ما خاص هستند، امکان تبلیغ گسترده نداریم اما خبرگزاری کتاب همکاری خوبی با ما دارد و این کتاب ها را مرتباً معرفی می کند. همچنین پژوهشگاه سایتی راه اندازی کرده است که همه کتاب ها و مقالات منتشر شده، روی این سایت قرار می گیرد. از دیگر برنامه های ما برای معرفی این آثار انتشار مجله تخصصی «رادیو» بود. این مجله علاوه بر معرفی کتاب ها، مقالات مختلفی هم در حوزه ارتباطات منتشر می کند. و تاکنون ۴۹ شماره از این مجله منتشر شده و شماره پنجاه آن هم همزمان با هفتادمین سالگرد رادیو روانه پیشخان روزنامه فروشی ها می شود.

انتشارات رادیو از چه سالی فعالیت خود را شروع کرده است؟

رادیو به عنوان فراگیرترین و پرمخاطب ترین رسانه ملی، در سال ۷۴ به واسطه اهمیت و نقش پژوهش در بهبود کیفیت و ارتقاء سطح برنامه ها، اداره کل تحقیق و توسعه صدا راه اندازی شد که بعدها به اداره کل پژوهش های رادیو تغییر نام داد. این اداره با چهار محور اصلی؛ تالیف و ترجمه، پژوهش و تحقیق، انتشارات و فرهنگ سازماندهی شد. در سال ۷۹ نیز واحد انتشارات این اداره به صورت رسمی فعالیت خود را شروع کرد. در دوره تصدی محمد رضایی یزدی بر اداره کل پژوهش های رادیو، این پژوهشگاه اغلب در حوزه علوم اجتماعی کتاب منتشر می کرد اما با شروع مدیریت دکتر جوادی یگانه این اداره رویکرد جدیدی را در پیش گرفت و هدف گذاری آن محدود به انتشار آثار پژوهشی و منابع دانشگاهی در حوزه رسانه و به ویژه رادیو شد. در دوره مدیریت عبدالحسین کلانتری نیز که جانشین جوادی یگانه شد، این اداره همان سیاست را دنبال کرد. اما امسال در دوره مدیریت محمد مهدی لیبی، مدیر جدید، توجه به چاپ کتاب های فاخر در حوزه های مختلف مورد توجه قرار گرفت.

از شروع فعالیت های این واحد تاکنون چند کتاب منتشر شده است؟

تاکنون این پژوهشگاه ۵۵۰ عنوان پژوهش را در حوزه رسانه و رادیو انجام داده که حاصل آنها در قالب ۱۰۰ عنوان کتاب و چند صد مجموعه مقاله منتشر شده است.

چاپ این کتاب ها تا حدی خلأهای موجود در

فعالیت های ما بیشتر در حوزه تهیه منابع دانشگاهی است که خوشبختانه تاکنون در این زمینه موفق عمل کرده است.

همانطور که اشاره کردید رویکرد اصلی شما انتشار کتاب ها و مقالات پژوهشی در حوزه رسانه است. آیا برای حمایت از پژوهشگران جوانی که امکان چاپ آثارشان را ندارند طرحی دارید؟

بله. امسال همزمان با هفتادمین سالروز تاسیس رادیو در ایران مجموعه مقالاتی از پژوهشگران جوان منتشر می شود. همچنین پژوهشگران به ویژه جوانان می توانند مقالات خود را که مرتبط با موضوع رسانه و رادیو است، به اداره کل پژوهش های رادیو ارسال کنند و ما در شورای کتابی که ۱۲ نفر از کارشناسان این حوزه عضو آن هستند، مقالات را بررسی می کنیم و در صورت تأیید، این مقالات را منتشر می کنیم.

آیا واحد انتشارات اداره کل پژوهش های رادیو در بیست و سومین دوره نمایشگاه کتاب تهران حضور فعالی خواهد داشت؟

ما هر سال انتشار کتاب هایمان را در اختیار انتشارات سروش که امکانات فنی خوبی برای چاپ کتاب دارد، می گذاریم و آنها پس از چاپ، این کتاب ها را در غرفه اختصاصی این انتشارات در نمایشگاه عرضه می کنند. در سال گذشته نیز حدود ۶۰ عنوان کتاب توسط این انتشارات منتشر شده که در نمایشگاه عرضه خواهد شد. همچنین ما چاپ مجموعه سه جلدی دایره المعارف فارسی رادیو را در دستور کار داریم که جلد اول آن چندی پیش منتشر شده و در نمایشگاه ارائه می شود. این دایره المعارف اطلاعات کلی درباره رادیو عرضه می کند.



مریم مقیمی

عبدالحسین نیک گهر، سال ۱۳۱۶ در شهر تالش به دنیا آمد. ۶ سالگی به دلیل شغل پدر که بازرگان بود، به رشت رفت و دوره‌های تحصیل را در دبستان صدر و دبیرستان را تا کلاس یازدهم در دبیرستان نوریخ در همان شهر گذراند. سپس به تهران بازگشت و مدرک دیپلم ادبی خود را از دبیرستان مروی تهران کسب کرد. وی در مدت کوتاهی بعد از دیپلم، در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی با کسب رتبه اول، مدرک کارشناسی را دریافت کرد. نیک گهر در سال ۱۳۳۹ به فرانسه اعزام و در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ مدرک دکترای جامعه‌شناسی خود از دانشگاه سوربن شد. بعد از بازگشت از فرانسه، مدتی به تدریس دروس جامعه‌شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و بعد از آن برای تدریس به دانشگاه تهران رفت و در امتحان استادیاری آن دانشگاه در سال ۱۳۴۷ پذیرفته و در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ به عنوان استادیار دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. وی در سال ۱۳۵۰ برای دومین بار به فرانسه رفت و مدرک دکترای دولتی جامعه‌شناسی را نیز از دانشگاه سوربن کسب کرد. نیک گهر از سال ۱۳۷۵ تاکنون، در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و صدها طرح تحقیقاتی را اجرا کرده است. وی بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ دانشجوی ریمون آرون بوده و از دوستان و هم دوره‌ای هایش، می‌توان مرحوم دکتر احمد فضلوی، بهمن سرکاراتی زبان‌شناس و مرحوم دکتر علی شریعتی را نام برد.

گفت و گو با دکتر عبدالحسین نیک گهر؛ جامعه‌شناس

هنر، از قبل از تاریخ هیچ پیشرفتی نداشته است

می‌کنم. جامعه‌شناسی سیاسی چیست و درباره چه چیزی بحث می‌کند؟ درباره قدرت که در همه جا وجود دارد. درباره نظام‌های حکومتی، رفتارهای سیاسی رأی‌دهنده، دموکراسی، توتالیترالیسم و افکار عمومی که همه این مباحث در همه جا وجود دارند. بنابراین متعلق به یک کشور و یک جامعه خاص نیست. **درباره کتاب جامعه‌شناسی سیاسی تان که گویا در حال حاضر آخرین موضوع جامعه‌شناسی تان است بگویید.**

یک سال و تقریباً روزی ۷ ساعت بر این کتاب کار کردم. کتاب درسی نابی است. زیرا برای ترجمه خوب آن، بسیار تحقیق کرده‌ام. سال گذشته ۲ ماه به کاناد رفتم. هر روز به کتابخانه دانشگاه مکویل و دانشگاه مونترال رفتم و ساعت‌ها به تحقیق مشغول بودم. مدت‌ها به کتاب فروشی‌هایی که کتاب درسی دانشجویان را می‌فروختند می‌رفتم و کتاب‌ها را ورق می‌زدیم. قابل توجه است که آن جا هر دانشگاهی برای خودش کتاب فروشی بسیار مفصل و بزرگی دارد. در آن کتاب فروشی‌ها کتاب‌های به روز جامعه‌شناسی سیاسی را جستجو و این کتاب را پیدا کردم که چاپ ۲۰۰۷ بود. کتاب خوبی به نظر آمد. بالاخره ترجمه آن را دی ماه سال گذشته (۱۳۸۷) آغاز و بهمن امسال به پایان رساندم. این کتاب شامل ۱۳ فصل و اثری است مثل کتاب مبانی جامعه‌شناسی که تنها کتاب مبانی جامعه‌شناسی به زبان فارسی است؛ البته این کتاب اخیرتر ترجمه اما مبانی جامعه‌شناسی تألیف است. سعی کرده‌ام این کتابی اثری باشد که دانشجویان آن بدانند سیاست چیست و با مبانی آن آشنا شود. بدانند سیاست سه مبنا دارد که پالسی و پولوتیک است که یکی به معنای تدبیر است که ما می‌گوییم و یکی به معنای سیاست عمومی است که کار دولت است و مبانی دیگر آن مثل همین سیاست است که بین ما یا بین ۲ شخص حضور دارد. در هر صورت، دانشجو با این مبانی آشنا می‌شود و می‌فهمد که سیاست یعنی رابطه اقتدار حکومت‌گران و حکومت‌شوندگان و جامعه‌شناسی سیاسی این لایه‌ها را باز می‌کند و جنبه‌های مختلف آن را نشان می‌دهد. مثلاً جامعه در دوران باستان و صورت‌های باستانی دموکراسی چگونه بوده و صورت‌های مدرن دموکراسی چگونه است و چه شد که حق شهروندی بوجود آمد؟ زیرا قبلاً همه رعیت بودند و برده. اینکه چگونه کم‌کم جامعه خشونت زدایی شد و به آستانه حقوق بشر رسید؟ یعنی به برابری، تساوی و حق برای همه رسید. زمانی که در این باره به طور سیستماتیک بحث می‌شود، باید دید اصلاً سیاستمدار و سیاست‌پیشه چه ویژگی دارند. از چه کانال‌هایی عبور می‌کنند یا چه مرحله‌ای را می‌گذرانند و چه تخصص و آموزش‌هایی می‌بینند. مثلاً اینکه سیاستمدارانی که در یک حکومت دموکراسی اند و از سیاست به بحث اقتصاد و از اقتصاد به سمت سیاست می‌روند، گاهی از محل شروع می‌کنند؛ از بخش و دهستان و بعد در سطح ملی کار می‌کنند. خواندن و فهمیدن همه این مکانیزم‌ها و کلاسه کردن آنها نه فقط برای دانشجو بلکه برای هر روشنفکری لازم است که فصل بندی کند و یاد بگیرد. مثلاً بتواند درباره موضوعی مثل انتخابات تحلیل داشته باشد. مثل اینکه چه عده‌ای رأی می‌دهند و چه عده‌ای خیر. آن کسی که رأی می‌دهد فکر می‌کند رأی‌اش مؤثر است و آنکه نمی‌دهد فکر می‌کند که رأی‌اش مؤثر نیست؟



کند؛ بنابراین سلاقی و نیازها متفاوتند و نیازی نیست یک اثر هنری با همه افراد ارتباط برقرار کند. **تعریف هنر در صد سال پیش و در امروز یکی است یا با هم متفاوتند؟**

من در این باره چیز زیادی نمی‌دانم کارم بر جامعه‌شناسی هنر است. اما آن چه می‌خواهم بگویم این است که هنر از قبل از تاریخ تا الآن هیچ پیشرفتی نکرده یعنی همان غارنشینانی که بر دیواره غار با آن زیبایی و خطوط محکم، آن چه را که می‌دیدند نقاشی می‌کردند؛ با نقاشی هنرمندان امروز هیچ تفاوتی ندارد. هنر مثل علم نیست چیزی است. که در انسان وجود دارد، چه انسان غارنشین ناندرتال که در غار خودش نقاشی می‌کرده یا هنر تراشیده شده ستون‌های تخت جمشید نسبت به پیکر تراشی زیبای امروزه. البته دوره‌ای هست که اعتقادات مذهبی تأثیر گذاشته و در مقطعی اوج گرفته که این را در معماری و یا شعر ایران به وضوح می‌توان دریافت. **بنابراین بعضی از مسایل مثل مذهب و اعتقادات بر هنر تأثیر می‌گذارند.**

مسئله‌آزمانی شرایط فراهم است و گاهی خیر. گاهی نگاه جامعه متفاوت می‌شود مثلاً در جامعه صنعتی الآن، فرش ماشینی که تولید می‌شود زیباتر از فرش دستی است و با سرعت بیشتری هم تولید می‌شود. هر چند نمی‌تواند جای فرش دستباف هنری را بگیرد و این هنر ارزش دیگری دارد؛ اما مصرف‌کننده فرش ماشینی را انتخاب می‌کند و شاید به فرش دستی به عنوان سرمایه نگاه کند نه یک هنر. به هر حال دیده‌ها نسبت به پدیده هنر مختلف است. هنر امروز به خاطر نیاز امروز بوجود آمده و نباید با یک دید ایدئولوژیک به آن نگاه کرد. الآن اینترنت مرزها را برداشته و همه می‌توانند از هنرهای مختلف در سراسر دنیا مطلع باشند. **این هنر جهانی که در جوامع مختلف وجود دارد و برداشته شدن مرزها به وسیله اینترنت، در اصالت هنری کشورها تأثیر نمی‌گذارد؟**

دنیای امروز دنیای رقابت است؛ باید هر جامعه‌ای سعی بر رشد هنر خود داشته باشد و البته باید هنری را که ذات و سرشت و سرمایه کشور است حفظ کند، ما عطار را داریم شخصی است در نیشابور آن زمان. یا حافظ با این زیبایی چنین پدیده‌هایی را خلق کرده یا همین طور منطق الطیر عطار و ... شما کتاب‌هایی ترجمه کرده‌اید در حوزه جامعه‌شناسی از نویسندگان فرانسوی. طبیعی است که یک نویسنده تحت تأثیر فرهنگ و جامعه خودش می‌نویسد. ترجمه این کتاب‌ها چقدر برای جامعه ایرانی ما مفید است؟ پاسخ شما را با مثال جامعه‌شناسی سیاسی بیان

و ... انعکاس روح ایرانی دیده می‌شود. جامعه‌شناسی هنر در حقیقت نه فقط هنر، بلکه مصرف‌کننده هنر را در نظر دارد. به عنوان مثال جامعه‌شناسی هنر به این می‌پردازد که چه کسانی به موزه می‌روند و چه کسانی به نمایشگاه نقاشی. چه کسانی با دوربین عکاسی عکس می‌گیرند و ... اینکه چرا عده‌ای این کار را انجام می‌دهند و عده‌ای نه. این بررسی تپ‌شناسی انسان‌هایی است که حاضرند مثلاً میلیون‌ها دلار بیشتر برای داشتن فلان مجسمه بپردازند و از این قبیل، در کتاب جامعه‌شناسی هنر رویکردهای متفاوتی به موضوع هنر وجود دارد. **تپ‌شناسی مصرف‌کنندگان امری فردی است و به روان‌شناسی بازمی‌گردد.**

خیر، اینگونه نیست بلکه ما در تپ‌شناسی انسان به این می‌پردازیم که چرا عده‌ای به موزه می‌روند و چرا بعضی نمی‌روند، آن نیازی که برخی را به مکان‌های هنری می‌کشاند، چیست؟

این نیاز نیاز فردی است یا اجتماعی؟ همین است که اگر نیاز اجتماعی هست باید همه آن را انجام دهند و چرایی اینکه چرا یک عده می‌روند و عده‌ای خیر. چرا عده‌ای باید حتماً فلان فیلم را ببینند و عده‌ای برایشان مهم نیست. بنابراین با این دید به آن نگاه می‌شود که مسئله‌ای اجتماعی است. به این معنی که در سطوح فرهنگی نیازهای مردم در جامعه متفاوت است. مثل اینکه عده‌ای باید حتماً از فلان فروشگاه معروف لباس بخرند یا کیف مارک دار داشته باشند. این تفاوت را جامعه می‌تواند پرورش دهد یا از بین ببرد. ما از این منظر به آن می‌نگریم که وقتی یک پدیده‌ای مانند هنر یک نیروی انسانی را بسپنج می‌کند و به کار وامی‌دارد و سرمایه عظیمی، پشت سرش به حرکت در می‌آید، تبعات آن، برای مسایل جامعه‌شناسی است، مثلاً ورزش، الآن فقط ورزش نیست بلکه امری است سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.

ما امروز هنرهایی را مشاهده می‌کنیم که همه کس نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند مثل مجسمه‌هایی که سمبلیک‌اند و ظاهرشان فرم خاصی دارد. نظرتان درباره آنها چیست؟

لزومی ندارد که همه با یک اثر هنری ارتباط برقرار کنند. نیاز افراد، متفاوت است. فلسفه زندگی بعضی‌ها پشت کردن به لوازم لوکس و تزئینی است، بعضی‌ها به آثار هنری و ... و برخی برعکس آنها به این چیزها بها می‌دهند تا این اندازه که مثلاً در فلان حراجی آثار هنری را با قیمت بالا می‌خرند، نه فقط آثار هنرمندان خارجی و نام‌دار، آثار هنری ایرانی را هم مثل اثر آقای تناولی با قیمت بالا خریداری می‌کنند که البته اثر بی‌بدیلی است و هرکسی نمی‌تواند مثل آن را خلق

جامعه‌شناسی را در کشور فرانسه خواندید؛ چقدر تحت تأثیر جامعه فرانسه قرار گرفته بودید؟ مسأله، علم جامعه‌شناسی است نه جامعه فرانسه یا هر جای دیگر. جوامع انسانی با همه تفاوت‌های فرهنگی که دارند، دارای اشتراکاتی هم هستند. همه انسان‌ها در همه جای دنیا با هم رابطه دارند؛ این رابطه یا سنتی است یا مدرن یا پست‌مدرن. موضوع روابط انسانی به هر صورتی که باشد موضوع جامعه‌شناسی است. نخستین ترم من درباره ایران بود. بزه کاری نوجوانان در فرانسه بسیار مطرح بود و انستیتوهای معین و آموزشگاه‌های ویژه برایش وجود داشت. این مسأله کم و بیش در ایران هم دیده می‌شد و بررسی پرونده‌های دادگستری جرائم نوجوانان نشان می‌داد که این مسأله در ایران هم وجود داشت، اگر چه در مقیاس فرانسه نبود. آن زمان روزهای یکشنبه بعضی از محله‌ها در فرانسه در قرق نوجوانانی قرار می‌گرفت که بعد از ظهر با زنجیر، مردم را مورد آسیب قرار می‌دادند. هنوز هم در فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی و در آمریکا مسأله بزه کاری نوجوانان از موضوعات بسیار مهم است و گاهی به صورت بحران عمومی در شهر بوجود می‌آید. بسیاری از آسیب‌ها و وندالیسم به دلیل وجود این هاست. به هر حال، نخستین ترم در این باره بود و دومین ترم دربار مسایل روستایی و جامعه‌شناسی روستایی در ایران نوشتم، زیرا در آن زمان اصلاحات ارضی در ایران شروع و انجام شده بود و مسایل خاص خود را داشت. دوره دوم ترم دکترای دولتی‌ام نیز درباره مشارکت در محیط‌های سنتی بود. مشارکت سیاسی، اجتماعی و ... در محیط‌های سنتی و نخستین ترم مشارکت بود که نوشته می‌شد و هم اکنون در سایت‌های مختلف وجود دارد و ترجمه‌های مختلف روسی، اسپانیایی و ... درباره آن صورت گرفته است.

درباره ترجمه هایتان در حوزه جامعه‌شناسی بگویید. کتاب جامعه‌شناسی شهر را ترجمه کرده‌ام که از پنج فصل تشکیل شده و عنوان آن عبارتند از: «شهر، پدیده جامعه‌شناختی» «شهر، صورت اجتماعی» «شهر، یک یا چند سبک زندگی» «شهر، یک سازمان سیاسی» «پیمایش شهری امروز و یگانگی شهر». این کتاب دو اصل روان‌شناختی را مدنظر دارد؛ یکی رویکرد تاریخی و دیگری تحقیق میدانی. کتاب دیگر «جامعه‌شناسی ورزش» است. من معتقدم جامعه‌شناسی ورزش و جامعه‌شناسی نوپا و در حال بالندگی است. جامعه‌شناسان امروزی ورزش را مهم دانسته و به آن به عنوان یک پدیده فرهنگی. اجتماعی می‌نگرند. کتاب دیگر «جامعه‌شناسی هنر» است که دانشی میان رشته‌ای است.

جامعه‌شناسی هنر به چه معنی است؟ جامعه‌شناسی هنر؛ دانشی میان رشته‌ای است که مرزهایش با بسیاری از دانش‌های دیگر مثل تاریخ هنر، زیبایی‌شناسی تاریخی و فرهنگی و ... مشترک است. هنر یک پدیده و یک اثر ناب انسانی است که جلوه‌های گوناگونی دارد. از معماری و نقاشی گرفته تا نویسندگی و شعر و سینما و ... بنابراین، گاهی کلامی است و گاهی نوشتاری و ... تا به حال در جامعه‌شناسی هنر به موضوعات مختلفی پرداخته شده، مثل هنر برای جامعه. هنر برای هنر و هنر در جامعه و ... اما آنچه در این کتاب به آن توجه شده، هنر به مثابه جامعه و بازتاب آن در جامعه است. با این نگاه، هنر تمام ابعاد زندگی یک جامعه را در بر می‌گیرد. مثلاً در معماری یا فرش ایرانی



نویسندگان از کاستی های تئاتر کودک می گویند

مکتوباتی که اجرا نمی شوند



ادبیات ما در بسیاری از شاخه ها، شاخصه های بی بدیلی دارد. یکی از این مولفه ها، ادبیات کودک است که نمونه های موفق بسیاری را شامل می شود، اما تئاتر و ادبیات نمایشی در این حوزه نقش کم رنگی دارد.

در این گزارش، نگاه کارشناسان این حوزه را جویا شده ایم که به بیان علل و چرایی این کاستی پرداخته اند. رحمت امینی، مدیر گروه و مدرس نمایش دانشکده هنر و معماری که به زودی از پایان نامه دکتری خود دفاع خواهد کرد، نخستین کسی است که در این سطح به شکل علمی به این موضوع پرداخته است. موضوع پایان نامه وی بررسی نظری کاربرد نمایش تعلیمی، تربیتی در مقطع پیش دبستانی و دبستان است. او انگیزه اش از پرداختن به تئاتر کودک را سفری که همراه دکتر سرسنگی (استاد راهنمای پایان نامه اش) به جشنواره ای در آلمان داشته، می داند.

تشکیلات این جشنواره که در دانشگاهی در «اوزنابروک» مستقر است، بر مبنای تئاتر کودک پایه ریزی شده است و به تئاتر پداگوژیکی می پردازد؛ تئاتری که بر اساس تعلیم و تربیت کودک شکل می گیرد و آنتوان ماکارنکو از پایه گذاران آن است. ماکارنکو در روسیه از افراد دارالتألیف برای تشکیل یک کلونی استفاده می کند. او با سپردن نقش به این اشخاص، برای آنان مسوولیت پذیری را قائل می شود.

رحمت امینی نقطه شروع کار علمی خود را تحت تاثیر این امر می داند. رساله دکتری او که در دو بخش عمده تنظیم شده، به نمایش کاربردی و نمایش زیبایی شناسانه (هنری) تقسیم شده و تئاتر کودک را از این دو منظر بررسی می کند. در نمایش های کاربردی، هدف، فرآیند تمرین است نه اجرا، اما در نمایش های زیبایی شناسانه (هنری) فرآیند تمرین، هدف نیست، بلکه اجرا هدف است. از این رو، تئاتر برشت به تئاتر کاربردی نزدیک تر است. امینی در پاسخ به این پرسش که چرا تئاتر کودک کم رنگ تر از تئاتر های دیگر است؟ می گوید: «ما این مشکل را در شکل های تئاتری دیگر مثل عروسکی، خیابانی و... هم می بینیم. با این همه، بهترین راه برای نهادینه شدن تئاتر، تئاتر پداگوژیکی است چرا که می توان در حیطه مدرسه صحنه ای را ترتیب داد تا کارکردهای مختلفی برای آموزش و مناسبات شهری برای کودک داشته باشد و کودک از این طریق به شکل ملموس تری با این رفتارها، آشنایی پیدا کند. دیگر این که موجب می شود کودکان در بزرگسالی، مستقیم در تولید تئاتر دخیل شوند. یابین که به عنوان تماشاگر تئاتر به تماشای آن مبادرت ورزند.»

امینی می گوید: «اگر آموزش دبستان با تئاتر آشنایی داشته باشد، به دانش آموز نمی گوید که هدف ما تمرین است، بلکه می گوید هدف ما اجراء است تا کودک با رغبت بیشتری در تمرین شرکت کند، اگر چه از دل این تمرین ها، اجرا حاصل شود و این نتیجه از تئاتر پداگوژیکی به دست می آید.»

امینی در پاسخ به این سوال که چرا تئاتر کودک مخاطب کمتری دارد؟ می گوید: «اگر برای کودک، تئاتر خوب تهیه شود، به یقین مخاطب خواهد داشت، چرا که افزون بر شناخت تئاتر توسط تولیدکنندگان، شناخت کودک نیز لازم است و مرکز هنرهای نمایشی برای تولید آثار اجرایی خود کمتر به این مهم توجه کرده، اگر چه طی دو سه سال اخیر آثار مکتوب خوبی را تولید کرده است. در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم که در سال های گذشته افرادی نظیر کیانیان، غریب پور، بزوده، دادشکر و دیگران فعالیت هایی داشتند،

امروزه این فعالیت کمتر شده است.»

امینی معتقد است که جشنواره های تئاتری کودک هم چنگی به دل نمی زند. او مثال می آورد که اگر در زمینی خشک که یک جوی باریک آب از آن می گذرد، چند تخم به درختان بکاریم، تنها چند بوته حاصل می شود، در صورتی که در یک زمین حاصلخیز علاوه بر زیبایی حاصل آمده از بوته های بسیار، به مرغوبیت آن بوته ها نیز دست خواهیم یافت. دیگر این که بودجه کافی در اختیار برگزاری جشنواره کودک قرار نمی گیرد و این امر مستلزم داشتن نهادی قوی است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می تواند در این جایگاه قرار بگیرد، البته اگر کار خود را به درستی انجام دهد.

رساله امینی پنج فصل دارد و این فصل بندی بر اساس الگوی استاندارد (APA) که توسط انجمن روانشناسی آمریکا پایه ریزی شده شکل گرفته است. امینی در فصل پنجم که نتیجه گیری است، اصل تجربیات خود را در حوزه تئاتر کودک مطرح می کند و با استفاده از منابع مورد استناد، در فصل های دیگر به ارزیابی و شناخت کودک و تئاتر کودک می پردازد. بد نیست نقل قولی از داود کیانیان از کتاب مجموعه مقالات «دریچه ای به تئاتر کودک در ایران» آورده شود، مبنی بر این که «درد آنان [کودکان] انداختن مربی آگاه، کمبود نمایشنامه یا نبود امکانات نیست، بلکه در در این است که آنان اصلا به حساب آورده نمی شوند و تئاتر آنها جایگاه و معنایی ندارد در نتیجه بهترین روش برای حل این معضلات در زمینه هنر تئاتر کمک گرفتن از خود تئاتر است.»

دکتر حسن دولت آبادی که از پژوهشگران و مدرسان تئاتر است، با جمله ای از آریک برن به بحث روانشناسی کودک وارد می شود: «آدم ها محتاج نوازشند، تنها شکل آن در سنین مختلف عوض می شود.»

دکتر دولت آبادی که کتاب های زیادی در حوزه تئاتر کودک نوشته است، تئاتر را در برطرف کردن نارسایی های اجتماعی لازم و ضروری می داند. وی در کتاب «تربیت به کمک نمایش» که نشر قطره منتشر کرده است، مطرح شدن و اعلام نیاز به نوازش را از شاخصه های کار با کودک می داند. او معتقد است بسیاری از رفتارهای ما اگر از کودکی پردازش شود، در بزرگسالی نیاز به صرف هزینه و وقت نخواهند داشت.

در آمریکا شیوه ای از تئاتر شکل گرفته است که به «تئاتر در خانه» موسوم است. در این شیوه، آموزش تئاتر در خانه اتفاق می افتد. کودک کارگردان است و از والدین خواسته می شود که برای تعیین نقش و موضوع، کودک را همراهی کنند، اما خودشان را تحمیل نکنند.

دولت آبادی به این موضوع نیز اشاره می کند که اگر در خانه جایی برای تئاتر در اختیار کودک قرار

داده شود و والدین با او در اجرای کار همکاری کنند، هیچ وقت کارهای او برایشان مضحک و تمسخرآمیز جلوه نخواهد کرد. چرا که خودشان کودک را در انتخاب سوژه کمک کرده اند و برای او احترام قائل شده، میهمانان را برای دیدن کار او ترغیب خواهند کرد.

رفتارهای والدین می تواند از منظر پسکودرام نیز برای کودکان مطرح شود. به عنوان مثال، اگر دو کودک با یکدیگر دعوا کنند، مادر می تواند با جدا کردن یکی از دیگری، رفتار نمایشی داشته باشد یا این که برای غلبه بر ترس کودک می توان رفتار نمایشی بروز داد. دولت آبادی می گوید: «کودک مانند سازی است که به طور دائم کوکش درمی رود، پس نباید انتظار داشت که بایک بار کوک کردن، رفتار متعادل شود. به همین دلیل داشتن فرزند زیاد که باعث خارج شدن کوکشان می شود، در دسر است.»

وی می افزاید: «در رفتار نمایشی سه مورد را باید ملاک قرار داد؛ آموزش، برنامه برای اجرا و اجرا. همچنین در مبحث آموزش باید شرایط و امکانات درخواست های کودک را فراهم کرد. کودکی که نمی داند، طبیعی است که نمی تواند. اگر از او می خواهیم اسباب بازی هایش را پس از بازی سر جایش بگذارد، باید محل نگهداری اسباب بازی های او را جایی قرار دهیم که دست کودک به آنجا برسد. در حقیقت باید شرایط فیزیکی او را در نظر داشت اما بسیاری از پدران و مادران راه کوتاه تر را انتخاب می کنند و آن این که خودشان وسایل کودک را جمع می کنند.»

دولت آبادی ادامه می دهد: «در بحث برنامه برای اجرا فرصت تجربه را برای کودک قائل شویم، حتی اگر این تجربه ها تلخ باشند و به جای منع کردن او از این که به کتری داغ دست نزند، کتری نیمه داغی را در معرض تجربه اش بگذاریم. باید در نظر داشت که پدر و مادر نباید با کودک دوست شوند، بلکه باید رفتاری دوستانه داشته باشند، چرا که در این صورت مساله تنبیه منتفی خواهد شد. دوست، دوست خود را تنبیه نمی کند، اما والدین می توانند کودک را تنبیه کنند. البته باید تنبیه به گونه ای باشد که کودک را در آموزش یاری برساند. در مبحث اجرا نیز باید گفت که رفتارهای نمایشی کودک در ارتباط با والدین شکل می گیرد. در این صورت است که می توان قراردادهای نمایشی را در ارتباط با رفتارهای نمایشی تبیین کرد.»

دولت آبادی به کتاب «بازی» آریک فروم اشاره می کند که دو مورد را واکاوی کرده است، یکی «آنچه من می گویم انجام بده» و دیگری، «آنچه من انجام می دهم، تو هم انجام بده». در مورد نخست، پروسه دیدن، تحلیل و شناخت اتفاق می افتد و در مورد دوم، تقلید شکل می گیرد که خالی از خلاقیت است. از نمونه های بارز ادبیات نمایشی جهان، هملت است که با روش نخست رشد یافته اما لایرتیس با روش دوم پرورش یافته است.

دکتر دولت آبادی کتاب دیگری از همان مجموعه روانشناسی نشر قطره دارد که «تربیت به کمک داستان» است. او در این کتاب شصت شیوه داستان گویی را برای کودکان مطرح کرده است. دولت آبادی هدف خود را نگارش آن را این گونه مطرح می کند: مشکلات یک راه ندارد، ناامید نشو. می توان طرح مساله را به شکل ها و از زوایای مختلف بیان کرد. در این صورت است که داستان در ذهن کودک رسوب می کند و در بزرگسالی کارکردش را خواهد یافت.»

نشر عابد در سال ۱۳۸۱ هشت کتاب از آثار دولت آبادی را منتشر کرد؛ جنجال در جنگل، پری

مهربانی، خوب و عزیزی ایران زیبا، گربه و پلنگ، بازنشسته (سه نمایشنامه). موش (چهار نمایشنامه)، افسانه پولک و روپا.

دولت آبادی مجموعه کتاب هایی نیز با نام «نمایشنامه های آسان» دارد که در سال ۱۳۸۵ منتشر شده و اکنون به چاپ چهارم رسیده اند که شامل ۵۰ نمایشنامه و در ده جلد برای سه مقطع مهد کودک و ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به نگارش درآمده اند. «نمایشنامه های آسان» از طرف یونسکو در ایران تقدیر شد و پس از ارسال طرح آن به مقر یونسکو در پاریس، با استقبال ۱۵۰ کشور مواجه شد که به زودی ۱۴ جلد دیگر آن که شامل ۷۰ نمایشنامه می شود، منتشر خواهد شد.

هر نمایشنامه سه بخش ضمیمه دارد شامل؛ طرح پیشنهادی برای کارگردانی و بازیگری، تحلیل شخصیت ها و گفتارهای پیش از اجرا که جملات قصار و از کتاب های معتبر استخراج شده اند.

دولت آبادی که هفت سال زمان برای نگارش «نمایشنامه های آسان» صرف کرده، از تجربیاتش در مهد کودک ها و مدارس و تولید ۲۷ برنامه کودک و نوجوان در مرکز صداوسیما مازندران استفاده کرده است. او هدفش از نگارش این آثار را اینگونه ابراز می کند: «از آنجا که در حوزه آموزش و پرورش درباره تئاتر کاستی های زیادی وجود دارد، خواستم نمایشنامه هایی بنویسم که به راحتی در کلاس درس قابل اجرا باشند. این کاستی عبارتند از؛ نداشتن متخصص تئاتر (مربی)، محل اجرای تئاتر، بودجه تئاتر، اختصاص نیافتن زمان مشخص برای تئاتر، کمبود نمایشنامه های مناسب که برای کودکان قابل فهم و اجرا باشد و نداشتن واحد درسی به نام تئاتر.»

اگرچه انتشارات مدرسه مجموعه ای از نمایشنامه منتشر کرده است اما بیشتر این نمایشنامه ها به دلیل کاربردی نبودن و اختلاط جنسیتی، در مدارس قابل استفاده نیستند.

دولت آبادی در این باره می گوید: «اگرچه کتاب های مرتبط با آثار نمایشی کودکان که توسط انتشارات نمایش به چاپ رسیده اند قابل تعجب اند، اما خوب بودن این آثار به دلیل حمایت نکردن و ضعف های مرکز هنرهای نمایشی به مرحله اجرایی این متون نمی رسد.»

وی می افزاید: «تئاتر ما وابسته به بودجه دولت است و در بسیاری موارد سلیقه ای عمل می شود و اگر شیوه «تئاتر در خانه» در ایران شکل بگیرد، تئاتر از وابستگی به دولت بیرون خواهد آمد. این شیوه عارضه های اجتماعی را کم می کند و نسل آینده به شکل کاربردی تر با تئاتر ارتباط برقرار خواهد کرد.»

او همچنین معتقد است: «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می تواند متولی خوب و مناسبی برای تئاتر کودک باشد و مثل مرکز هنرهای نمایشی موردی (سلیقه ای) عمل نکند و با سیاستگذاری صحیح، پایگاهی برای شیوه های درست تئاتر کودک شود. از سوی دیگر نشریه تخصصی تئاتر کودک (تک) که شماره اول آن در پاییز ۱۳۸۸ منتشر شد نیز می تواند در راهکارهای مناسب گسترش تئاتر کودک موثر باشد.»



یگانه وصال

اریک امانوئل اشمیت، نویسنده فرانسوی آثاری که بیشترشان با چند ترجمه در ایران منتشر شده‌اند، در نمایشگاه کتاب ۲۰۱۰، کتاب جدیدش «کنسرتو در خاطره یک فرشته» را رونمایی می‌کند. این کتاب شامل چهار داستان است که در هر یک از آنها، افرادی در نقطه‌ای از زندگی‌شان مجبور به انتخاب میان خوبی و بدی می‌شوند. او مانند دیگر کتاب‌هایش در این مجموعه داستان نیز به فضایی خاص توجه کرده، فضایی که در آن انسانیت و توجه به ارزش‌های معنوی-انسانی، دارای بیشترین اهمیت است. او در متنی که در ادامه می‌آید، درباره مجموعه اخیرش و علاقه‌اش به سینما گفته است.

گفت و گو با نویسنده «آقا ابراهیم و گل‌های قرآن»

سرزمین‌های شرقی را همیشه دوست داشته‌ام

که شدم دوست داشتم کتاب بنویسم و فیلم بسازم. سرانجام این طور شد که خود را به نوشتن محدود کردم. کم کم آرزوی سینما را هم به آن اضافه کردم. البته امیدوارم بتوانم این برهه از زندگی‌ام را میانسالی‌ام بنامم.

«اسکار و بانوی صورتی» را ابتدا به صورت رمانی نوشته بودید اما بعد تبدیل به نمایشنامه شد و بعد هم فیلم. آیا از ابتدا چنین روندی را در ذهن داشتید؟ وقتی رمانش را می‌نوشتم، تمام تصاویرش جلو چشمم بود، اما تردید داشتم و البته ترس از به تصویر کشیدن کودکی بیمار با سری تراشیده که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند. بعد هم پیدا کردن شخصیتی مانند اسکار به نظر خیلی سخت می‌آمد. پسر بچه باهوشی که با مثبت‌نگری در حال جنگیدن با بیماری است. به همین خاطر هم در نمایشنامه‌اش فقط یک بازیگر حضور دارد و آن هم بانوی صورتی است. دست آخر به خودم گفتم اگر بتوانم کودکی را پیدا کنم که بتواند از عهده نقش به خوبی برآید، این داستان دوباره ارزش بازگویی دارد و چنین هم شد.

البته بیماری و مرگ یک کودک موضوعی بسیار جدی و تا حدودی هم تابوست. عکس‌العمل مخاطبان، خصوصا کودکان چه بود؟

بچه‌ها دنیای متفاوتی دارند. می‌دانید؟ در واقع نگرش آنها به مرگ طور دیگری است. برای آنها مرگ هیچ معنای ضمنی و احساسی ندارد، بلکه در واقع نوعی نگرش فلسفی است. مرگ برای آنها غم انگیز نیست. همان‌طور که برای اسکار نبود. او هیچ وقت گریه نکرد و این درس بزرگی است که می‌توان از آنها گرفت.

نظرتان درباره داستان کوتاه‌هایی که نوشته‌اید چیست؟

به نظر من داستان کوتاه مثل نقاشی با آبرنگ است. شما آنقدر کاغذ خراب می‌کنید تا بالاخره به طرحی که می‌خواهید برسید. گذشته از این، من در داستان کوتاه، سبکی برای بیان پیدا کردم که برای داستان‌های مناسب بود؛ زندگی داستان کوتاه. داستان کوتاه درست مثل زندگی سرعت گرفته است. پس باید تمام یک زندگی را در حدود سی صفحه خلاصه کرد.

بیشتر داستان کوتاه‌ها در مورد جستجوی شادی بوده‌اند.

فکر می‌کنم هرچه سنم بالاتر می‌رود احساس عمیق شادی درونم بیشتر رشد می‌کند که خود من را هم به شگفتی می‌اندازد. البته این شادی شاید نشأت گرفته از حس سپاسی باشد که به خاطر زنده بودنم دارم اما در مورد شخصیت‌های داستان‌هایم؛ آنها انسان‌های پیچیده‌ای هستند و هیچ یک را نمی‌توان یک وجهی نامید و همیشه جنبه‌های دیگری هم دارند. واضح است که هر کسی تمایل به شادی دارد، اما نه شادی صرف. به گمانم شخصیت‌های داستان‌های من هم همین‌طور باشند.

شما از نوشتن درباره چیزهای عجیب و غریب و رازآلود هراسی ندارید؟

نه، هرگز. از هدایت کردن خوانندگان کتاب‌هایم به سمت پایانی که در آن تله‌ای برای خواننده کار گذاشته‌ام ترسی ندارم. من به احساسات خوانندگانم اطمینان دارم. تحصیلات من در زمینه فلسفه است اما وقتی که می‌نشینم مطلبی را بنویسم، ترجیح می‌دهم خود را از طریق ادبیات داستانی بیان کنم. به نوعی می‌توان گفت از طریق استعاره. به نظر من نویسنده همیشه باید تلنگری به احساس خواننده بزند.



مثبت‌نگری من واقعی است و معقولانه. در واقع شاید یک عکس‌العمل به درد و رنج زندگی باشد. چیزی که اساس مثبت‌نگری را در من ساخته، تصرف تراژیک وجود و زندگی است. گاهی چیزهایی ما را احاطه می‌کند که گریزی از آنها نیست در نتیجه به نظرم مثبت‌اندیشی تنها راه است.

شما در داستان‌هایتان از جبران عشق گفتید، اینکه گاهی ما با هم در شرایط یکسانی زندگی می‌کنیم، اما احساس‌های مشترکی نداریم. آیا به نظر شما، این یک نوع شکست در روابط عاطفی بشر به حساب می‌آید؟

نه، اما اگر آن هم باشد باز هم زیباست. وقتی دو نفر احساس مشترک دارند و این احساس مشترک خود را عمیقاً درک کرده‌اند، اگر می‌توانستیم آن را ثابت کنیم، آن زیبایی، زیبایی ناب بود؛ زیبایی قسمت کردن یک لحظه، زیبایی داستان عشق و دقیقه‌ها و ثانیه‌های عاشقانه.

شما به طور گسترده‌ای در مورد موضوعات انسان‌دوستانه می‌نویسید. آیا هنوز هم به نقش روشنفکران در تغییر متفقدید؟

صادقانه بگویم، به نظر من نقش هنر جنگیدن است. همه می‌گویند باید صبور بود، صبر داشت اما ما اول باید اشتیاق برای صبور بودن را بسازیم و گرنه دیگر نقش رمان‌ها، داستان‌ها و نمایشنامه‌ها، چیزی بیشتر از چند واژه به هم پیوسته نمی‌شود. همین جاست که هنرمندان می‌توانند سهم خودشان را به جامعه‌ها بکنند. برداشت‌های زیادی از داستان‌های شما صورت گرفته و فیلم‌های زیادی از آنها ساخته شده است، اما خودتان هم دست به کار شدید و فیلمنامه‌ای را نوشتید. آیا مسیر نوشتاری‌تان را تغییر داده‌اید؟

این طور نیست که من مسیر نوشتاری‌ام را تغییر داده باشم. خیلی دوست داشتم که از زبان سینما هم برای بیان داستان‌هایم استفاده کنم چون حس می‌کنم صدا، نور و حرکت، زبان جدیدی برای بیان دغدغه‌هایم است. احساس می‌کنم دوربین تخیلم را آزاد می‌گذارد و من را به دنیایی بسیار متفاوت تر از دنیای قلم و کاغذ می‌برد.

پس عشق به سینما در شما وجود داشته است. من از همان وقتی که کتاب خواندن را شروع کردم، علاقه بسیاری هم به فیلم و سینما داشتم. اما مدتی بود که آن را کنار گذاشته بودم. کوچک که بودم، آرزو داشتم یک کمپانی مثل والت دیزنی داشته باشم. بزرگتر

که آهسته آهسته در داستان‌ها و حتی در خود من رخنه کردند و درهایی را رو به خواننده گشودند که من همیشه سعی داشتم در داستان‌هایم بسته نگه‌شان دارم. وقتی در نوشتن رها می‌شوی دیگر نمی‌توانی جلو هیچ چیز را بگیری.

درباره شخصیت‌های «کنسرتو»، آنها را هم قبلاً تجربه کرده بودید؟

نه، در حقیقت نوشتن این کتاب کار متفاوتی بود. در واقع این طورها هم نیست که من حتماً از چیزهایی بنویسم که بیشتر تجربه کرده باشم. حقیقت این است که آگاهی من از چیزی است که قصد نوشتنش را دارم. وقتی می‌دانم از چه می‌خواهم بنویسم، کاراکترها به تدریج خودشان رخ می‌دهند.

بعد از نوشتن از ژاپن و «سامو»یی که نمی‌توانست بزرگ شود، دوباره به اروپا برگشتید و از آن نوشتید... ژاپن برای من همیشه کشور بسیار هیجان‌انگیزی بوده است. به نظر من شرقی‌ها موجودات جالبی هستند و به طور کلی سرزمین‌های شرقی از نظر فرهنگ و آداب و رسوم، رنگ و بوی متفاوتی دارند.

اطرافیان چه تأثیری در روند نوشتن شما دارند؟ آنها اولین خوانندگان من هستند، اولین منتقدان و

شاید بتوان گفت متوقع‌ترین‌شان و البته کسانی که در هر حال من به انتقادشان توجه می‌کنم؛ چون مطمئن هستم که دوستم دارند و آرزویشان موفقیت من است. کسی که کار تو را با دقت تمام بررسی می‌کند تا عیب و ایرادهایش را پیدا کند، مطمئناً تو را دوست دارد، و گرنه چه اهمیتی می‌توانست برایش داشته باشد که توجه می‌نویسی، یا اینکه اصلاً مطالبی که می‌نویسی جالب هستند یا نه، پس وقتی آنها نقدی می‌کنند باید گوش‌ها را باز نگه داشت و با تمام وجود به آنها گوش سپرد و کاملاً توجه کرد. اقرار می‌کنم که گاهی خیلی سخت است، اما بالاخره بهتر است آنها قبل از هر اتفاقی نقد کنند.

برگردیم به موضوع کتابتان. به نظر شما آیا بشر در انتخاب آزاد است؟

در واقع مشکل من بیشتر با خود سوال است تا با جواب آن. آیا بشر آزاد است؟ ای کاش باشد، نمی‌دانم. حقیقت این است که من تصمیمات خودم را می‌گیرم، تحلیل‌های خودم را دارم و وجدانم می‌تواند زندگی‌ام را تغییر دهد، پس در این زندگی من نباید رنج بکشم یا حداقل می‌توان گفت که می‌توانم آزادانه زندگی کنم، فقط مشکل اینجاست که اگر زندگی را صحنه تئاتر فرض کنیم، من فقط نقشی را که به من واگذار کرده‌اند می‌توانم انتخاب کنم، نه هیچ نقش دیگری را، اینجاست که سوالات بسیاری در این باره به ذهنم هجوم می‌آورند که چرا باید این‌طور باشد.

فکر می‌کنید مثبت‌اندیشی در زندگی موهبتی است که به شما اهدا شده است؟

کسی که کار تو را با دقت تمام بررسی می‌کند تا عیب و ایرادهایش را پیدا کند، مطمئناً تو را دوست دارد، و گرنه چه اهمیتی می‌توانست برایش داشته باشد که تو چه می‌نویسی

برای بسیاری از نویسندگان، نمایشگاه کتاب فرصتی است برای ملاقات یکدیگر، ضمن اینکه خوانندگان هم فرصتی پیدا می‌کنند تا با نویسندگان کتاب‌های محبوبشان گفتگو کنند. نظر شما در این باره چیست؟ البته، همین طور است. من نمایشگاه کتاب را پر از کتاب‌هایی می‌بینم که تمام خوانندگان کتاب‌ها را از هر نسلی، دور هم جمع می‌کند. همان‌طور که خوانندگان مشتاق را به نویسندگان نزدیک تر می‌کند. خود من زمانی که کتاب «آقا ابراهیم و گل‌های قرآن» یا «اسکار و بانوی صورتی» منتشر شده بود، با خوانندگان مشتاقی رو به رو می‌شدم که معتقد بودند خیلی از ماجراهای بزرگ، از همین داستان‌های کوچک شروع شده‌اند و برای من خیلی غرورآمیز بود، چون وقتی که می‌نویسم دوست دارم هم خوانندگانی را که فقط به قصد سرگرمی کتاب می‌خوانند، جذب کنم و هم کسانی را که خوانندگان جدی کتاب هستند و در هر داستانی به دنبال انعکاسی از زندگی واقعی می‌گردند. شاید این بتواند توضیحی هم برای انواع خوانندگان کتاب‌های من هم باشد.

به نظر خودتان در چه ژانری راحت تر و بهتر می‌نویسید؟

می‌توان گفت که برای من این موضوع، جدی و اساسی است. گاهی پیش می‌آید که من داستانی در ذهن دارم، که ساختار و شخصیت‌هایش هم در اختیارم هستند. به همین خاطر تنها نیاز باقیمانده، فرم ایده آل و مناسبی است که داستان را در قالب آن بیان کنم. شاید به همین خاطر است که گاهی تمام عوامل مرا به سمت نوشتن یک رمان پیش می‌برد و گاهی نمایشنامه؛ البته سینما هم می‌تواند باشد. احساس می‌کنم هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند در برابر این عوامل مقاومت کند و مجبور است تنها از آنها اطاعت کند. من نیز از دیگران مستثنی نیستم. نمی‌خواهم بگویم روند ساده‌ای است یا حتی اینکه تمام اینها حاصل الگوهای بیانی خودجوش هستند. در مورد نمایشنامه هم همین‌طور. البته در نمایشنامه همیشه دو شخصیت یا شاید هم بیشتر وجود دارند و آنها در ذهنم مدام در حال دست و پا زدن و گفت و گو هستند و شاید بتوان گفت واقعی ترند.

حالا بالاخره، داستان نویسی، فیلسوف، نمایشنامه نویس... خودتان را دقیقاً در کدام ژانر موفق تر می‌بینید؟

من داستان نویسی هستم که ریشه‌های فلسفی‌اش را تا عمق داستان‌هایش می‌کشد. داستان گفتن را دوست دارم. توصیف شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی مثل درک انسان بودن با تمام پیچیدگی‌هایش، در همان وقت، دوست هم ندارم داستان‌هایی بی اهمیت و مسخره در پس کلماتی زیبا بگویم. مثل همین داستان‌های بی معنی که فقط سوال دارند و تصاویر مسخره‌ای را بازتاب می‌دهند.

شما قبلاً گفته بودید که با شخصیت‌های داستان‌هایتان زندگی می‌کنید و به همین دلیل آنها برای خوانندگان، واقعی به نظر می‌رسند. در «کنسرتو» در خاطره یک فرشته، شخصیت‌های داستان‌های شما کاملاً با هم متفاوت هستند. آیا قصد خاصی از این موضوع داشتید؟ یعنی در واقع، قصد داشتید تنها اضطراب و دلهره آنها را نشان دهید؟

در کتاب «کنسرتو» در خاطره یک فرشته قطعاً شما با شخصیت‌های متفاوتی رو به رو هستید. در اصل باید بگویم که بعضی از این شخصیت‌ها ناخواسته به این شکل درآمدند و گریزی از آنها نبود. شخصیت‌هایی

دنیاهای عارفانه و احساسی مرد تنها

سال ۲۰۰۹ میلادی برای امانوئل اشمیت با تصویری از پسرکی آغاز شد که لحظه‌ای آرام و قرار نداشت. این تصور آنقدر در ذهن این نویسنده ریشه دواند تا سرانجام رمان تازه‌اش را با نام «کشتی‌گیری که نمی‌توانست چاق شود» نوشت و منتشر کرد. اشمیت که خودش در ۹ سالگی برای تعلیمات یکی از استادانش راه زندگی خود را عوض کرد و به نویسندگی روی آورد، در آخرین کتابش ماجرای پسرکی ۹ ساله را تعریف می‌کند که راه زندگی‌اش عوض می‌شود اما نه به سوی نویسندگی، که به سمت کشتی‌زاپنی!

آخرین کتاب این نویسنده، شباهت دیگری هم با زندگی خودش دارد. پدر و مادر اشمیت ورزشکارانی حرفه‌ای بوده‌اند و همه خیال می‌کردند اشمیت هم عاقبت به ورزش روی می‌آورد. او نویسنده شد، اما حالا قهرمان آخرین داستانش کشتی‌گیر می‌شود. «جون» همان پسرک لاغراندازی است که اشمیت، نویسنده ۵۰ ساله فرانسوی از وی می‌نویسد. «جون» وحشی است. تمام هم‌بازی‌هایش کاملاً به این مسئله اعتقاد دارند. او تمام مدت در کوچه پس‌کوچه‌های خانه‌شان در توکیو مشغول بازی و دویدن است. از هیچ کس حساب نمی‌برد. مادرش به او می‌گوید: «یک بیچه پررو تمام عیار!»

این بیچه بازیگوش اصلاً نمی‌تواند با خانواده خودش معاشرت کند و همیشه باهمه سرنازگاری دارد، تا این که روزی با کشتی سومو آشنا می‌شود. سومو نام یک کشتی ژاپنی است که در آن اندازه، وزن و قدرت بازیکنان حرف اول را می‌زند. در این بازی هدف کشتی‌گیران این است که حریف خود را از زمین بیرون بیندازند یا در نهایت طرف مقابل را مجبور کنند که یکی از اعضای بدن یا یکی از پاهای خود را روی زمین بگذارد. استاد کشتی به جون آموزه‌های ابتدایی را با آموزش فلسفه کشتی یاد می‌دهد.

وی پسرک شیطان را با اعتقادات و رمز و راز این ورزش دیرینه ژاپنی آشنا می‌کند. به کمک این استاد کشتی، جون دنیایی را در برابر خود می‌بیند که پیش‌تر با آن کاملاً ناآشنا بوده. جون به نوعی بینش تازه نسبت به دنیای اطرافش می‌رسد و خودش را بهتر می‌شناسد. اما برای جون، این کافی نیست. او به این آگاهی اکتفا نمی‌کند و حقیقتاً تصمیم می‌گیرد به عنوان قهرمان کشتی به این ورزش ادامه دهد. اما نه توانایی آن را دارد و نه قدرتش را. از طرفی استاد کشتی مدام در گوش او می‌خواند که در پس هر ابر تیره و تار، خورشیدی فروزان پنهان شده. داستان اشمیت با این کنکاش‌ها پیش می‌رود.

اریک امانوئل اشمیت را می‌توان نویسنده،

نمایشنامه‌نویس، گاه فیلمساز و گاه موسیقیدان دانست و حتی گاهی فیلسوف خوانده شده است. وی همان‌گونه که شغل پیچیده‌ای دارد، نامش هم عجیب و غریب است. برخلاف بسیاری که فکر می‌کنند امانوئل اشمیت یک اسم آلمانی است، وی یک فرانسوی تمام‌عیار است. او در ۲۸ مارچ ۱۹۶۰ میلادی در اطراف لیون (فرانسه) به دنیا آمد. از همان روزهای کودکی شیفته موسیقی شد، تا جایی که در ۹ سالگی می‌توانست به خوبی پیانو بزند. دوست داشت آهنگساز شود اما استادش که پی‌په قلم‌شیوای او برده بود، او را متقاعد کرد که می‌تواند نویسنده خوبی شود.

اشمیت توانست اولین کتابش را در ۱۱ سالگی بنویسد و اولین نمایشنامه را در ۱۳ سالگی به پایان برساند. وی پس از گذراندن دوره نوجوانی وارد دانشسرای عالی شد و در سال ۱۹۸۳ توانست مدرکش را به عنوان دبیر فلسفه بگیرد. اشمیت چند سالی به عنوان دبیر فلسفه و دروس نظری و تئوری به تدریس پرداخت و پس از گذشت چندین سال دوباره و سوسه نوشتن سراغش آمد؛ حادثه‌ای که خود در این باره می‌گوید: «انگار ناگهان دچار ایمانی قوی شدم». اشمیت از آن پس شروع به نوشتن کرد. وی در سال ۱۹۹۱ نمایشنامه‌ای با نام «شب والونی» منتشر کرد؛ نمایشنامه‌ای که جایگاه اشمیت را برای همیشه از دبیر به نویسنده‌ای چیره‌دست تغییر داد. پس از آن مونولوگی را با استفاده از آموزه‌های بودا نوشت و نام آن را «میلاریا» گذاشت. بعد از آن بود که اثر جاودانه‌اش یعنی «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن»



را در سال ۲۰۰۱ منتشر کرد. این اثر بارها و بارها در نقاط مختلف دنیا روی صحنه‌های نمایش رفته و به چند زبان زنده دنیا ترجمه شده است. «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» سبب شد بسیاری نام اشمیت را با این رمان کوتاه بشناسند. رمانی که او را در کشورهای مسلمان از جمله ایران هم به نویسنده‌ای شناخته شده تبدیل کرد.

اشمیت در خانواده‌ای غیر مذهبی بزرگ شد. پدر و مادرش هر دو قهرمانان ورزشی بودند. مادرش مدل‌هایی در دو و میدانی داشت و پدرش نیز

اشمیت از زبان اشمیت

اریک امانوئل اشمیت نویسنده‌ای ۵۰ ساله است که دوست ندارد از زندگی خصوصی‌اش برای کسی صحبت کند. دیدگاه‌های فلسفی و عارفانه‌اش را این‌گونه که می‌گوید از دوران دانشجویی بدک می‌کشد. دوست ندارد داستان‌هایش با پایان خوش همراه باشد و معتقد است روح عرفانی داستان‌هایش تلخی ادامه آن را خنثی می‌کند. پوچ‌گرا و منفی‌باف نیست، اما واقع‌گراست. بزرگ‌ترین هدفش از نوشتن کم کردن فاصله آدم‌ها با ادیان و اعتقادات است. او در این باره می‌گوید: «اگر ما یکدیگر را بشناسیم، با هم کنار می‌آییم و دنیا غرق صلح خواهد شد». اشمیت برای خود مرزی جادویی بین خیال و واقعیت دارد که به عقیده خودش یکی از اصلی‌ترین دلایل موفقیت او در کارش است. او می‌گوید: «من نه خیالبافم نه واقعا یک واقع‌گرا». این‌گونه که خودش می‌گوید شخصیت‌های داستانش با او و در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما نمی‌گذارند که پایشان را از گلیم خود دراز تر کنند!

اشمیت از مرگ می‌هراسد. بیشتر از مرگ، ترس از دست دادن آدم‌ها در حالی که همه در همین دنیا و با هم هستند اشمیت را گاه تا مرز جنون پیش می‌برد و کابوس‌ها در شب تهایش نمی‌گذارند. خودش در جایی می‌گوید: «عرفان و فلسفه تنها داروهایی بودند که به ترس بیش از حد من نسبت به مرگ پایان دادند.» وی در اوقات فراغت به خواندن آثار پاسکال، مولیر و دیدرو می‌پردازد و ادبیات اروپا را بسیار دوست دارد. دوستانش را ترجیحاً از بین طرفداران فلسفه انتخاب می‌کند، چون معتقد است فلسفه راهی است برای رسیدن به ادبیات؛ ادبیاتی که سرچشمه‌اش آگاهی و بینش است.

است. وی همیشه می‌خندد و برای مومو همانند پدر عزیز است. موسیو ابراهیم با لحن شیرینش برای مومو از معنویات می‌گوید و او را با لذت‌های زندگی آشنا می‌کند. او آرامشی به مومو می‌دهد که هیچ‌گاه نداشته. موسیو ابراهیم می‌تواند با نگاه تیزبینش نقاط ضعف و قوت مومو را شناسایی کند و سپس به کمک روحیه کمال‌گرایانه قرآنی از مومو انسانی آزاد می‌سازد. پدر مومو در نقطه‌ای کاملاً متفاوت از موسیو ابراهیم قرار دارد؛ مرد رنجوری که امیدش را به زندگی از دست داده تا جایی که حتی از ابراز محبت به تنها فرزندش عاجز می‌ماند و سرانجام خودکشی می‌کند. مومو نوجوانی بی‌تجربه است و با گذشت روزها بار سنگینی از اندوه ناخواسته بر قلبش فشار می‌آورد.

موسیو ابراهیم با معنویاتی که به آنها باور دارد به نوبه خود مومو را به راه درست هدایت می‌کند. اشمیت در پس نوشتن این داستان به اشعار مولانا به صورت غیرمستقیم اشاره می‌کند و از آموزه‌های عرفانی کمک می‌گیرد.

انگار اشمیت می‌خواهد در روند آشنایی با ادیان متفاوت خودش

مشت زن مشهوری در فرانسه بود. اطرافیان امانوئل مطمئن بودند که وی نویسندگی را کنار گذاشته و در آخر به ورزش روی خواهد آورد، اما اشمیت با انتشار «خرده‌جنایات‌های زن و شوهری» تمام حدس و گمان‌های اطرافیان را نقش بر آب کرد. این اثر نیز مانند دیگر آثار این نویسنده بارها روی صحنه‌های تئاتر اجرا شد.

این داستان که بیانگر تقابل سنت و مدرنیته است، قصه زن و شوهری را بیان می‌کند که مرد به علت افتادن از پله‌ها، حافظه خود را از دست می‌دهد. اینجا تنها زن است که می‌تواند کمک کند و با بازگو کردن خاطرات قدیمی حافظه وی را برگرداند. اما ظاهراً نه مرد حافظه‌اش را از دست داده و نه زن حقایق را درست بازگو می‌کند! در «خرده‌جنایات‌های زن و شوهری» هیچ چیز سر جایش نیست. اشمیت خود درباره این نمایشنامه می‌گوید: «به نظر من بزرگ‌ترین ماجراجویی عاشقانه نصیب کسانی می‌شود که در زندگی مشترکشان دوام آورده باشند. هیچ کاری مشکل‌تر از این نیست. به نظر من بزرگ‌ترین ماجراجویی آن خواهد بود که عشق به نفرت و خشونت تبدیل نشود.»

«عشق لرزه» داستانی دیگر از این نویسنده است که خواننده در بین دریایی از کینه، غرور و عشق معلق می‌ماند و برخلاف داستان «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» که اشمیت در تمام داستان به حالت روحانی و صوفی‌گرایانه جملاتش دامن می‌زد، این بار در «عشق لرزه» که چهارمین اثر این نویسنده به حساب می‌آید، وی به مضامین انسانی و عشق زمینی می‌پردازد و نیازهای درونی هر انسان معاصر را. خواه زیبا و خواه در اوج کراهت. در قالب لغاتش به تصویر می‌کشد. غرور و خودخواهی که باعث می‌شود عشقی دیرینه به نفرت تبدیل شود. اشمیت درباره این اثرش می‌گوید: «موضوعی چون عشق را می‌توان برای انسان امروزی نیازی شدید دانست که بی آن زندگی‌اش سراسر تکنولوژی و ماشین است با رنگ‌هایی کدر و بی‌جان. اما عشق که بسیاری آن را به دوست داشتن یا دلبستگی معنا می‌کنند همان واژه‌ای است که زندگی روزمره ماشینی را سراسر روح می‌بخشد.»

اشمیت استعداد خارق‌العاده‌ای در غافلگیر کردن مخاطبانش دارد. او این‌گونه که خودش می‌گوید ادبیاتش ناشی از فلسفه است و داستان‌هایش سراسر احساساتند.

امانوئل اشمیت اکنون در بلژیک زندگی می‌کند. دفتر کار کوچکی دارد که در اصل اتاقک زیر شیروانی است و نام آن را «محل گوش دادن» گذاشته است.

را بهتر بشناسد. او خود درباره قرآن می‌گوید: «قرآن را خوانده‌ام. اما نه آن‌گونه که باید. این‌گونه نیست که این کتاب را به دست بگیری و ورق بزنی و بخوانی. روی هر صفحه آن باید تامل کنی و چند روز بعد سراغ صفحه دیگر بروی.»

موسیو ابراهیم اهل سفر است. از ابتدای داستان سخن از سفرهایش است. شاید برای او سفر به مثابه راهی است که در انتها می‌تواند به کشف وجود و ذات آدمی برسد. اشمیت در این داستان با مفهومی پرمغز دست و پنجه نرم می‌کند. خود را در قالب‌های متفاوت جای می‌دهد و به داستان پردازش ادامه می‌دهد. مخاطب داستان «موسیو ابراهیم» هم با راحتی کلام و مختصر بودن نوشته‌های اشمیت به راحتی در فضای صوفی‌گرایانه موسیو ابراهیم جای می‌گیرد و به پستی و بلندی‌های داستان آگاهی می‌یابد. اشمیت نویسنده‌ای غربی است اما مطالعاتش در زمینه سنت‌ها و اعتقادات شرق و غرب آنقدر بوده که توانسته موسیو ابراهیم و مومو را در قالب دو نفر از دو دنیای متفاوت رویه روی هم قرار دهد.

موسیو اشمیت و گل‌های قرآن



داستان «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» یکی از آثار امانوئل اشمیت است که بی‌شک بسیاری وی را با این داستان می‌شناسند. کتابی که اشمیت را جهانی کرد و نام او را در کشورهای مسلمان از جمله ایران بر سر زبان‌ها انداخت. این کتاب بارها روی صحنه‌های تئاتر ایران به اجرا درآمده و بارها

با عناوین متفاوت به زبان فارسی ترجمه شده است.

نویسنده، این اثر را در سال ۲۰۰۱ هنگامی که تقریباً ۴۰ سال داشت به چاپ رساند. موسیو ابراهیم پیرمردی مسلمان است که با پسرکی یهود به نام «مومو» آشنا می‌شود. مومو، پدرش و موسیو ابراهیم، هر یک نمایانگر شخصیتی متفاوت با طرز فکری متفاوتند. موسیو ابراهیم آن‌گونه که از داستان برمی‌آید دچار نوعی سرخوشی عارفانه

نگاهی به دو نمایشنامه «غریبه» و «هفت کوپه از یک قطار»

مسیرهای تجربه نشده در هنر نمایش

نکته دیگری که باید درباره این دو نمایشنامه به آن اشاره کرد این است که ظاهر هر دو نمایشنامه نویس کارهایشان را بنا به ذهنیت کارگردانی توسط خودشان نوشته اند، زیرا یا در توضیح صحنه ها در جاهای ضروری غلو کرده اند یا به راحتی از کنار توضیح آنها گذشته اند.

یکی از نکاتی که می تواند نمایشنامه نویسان جوان را سر ذوق بیاورد، اجرای کارهای آنها توسط کارگردانی کارگشته است که ایجاد این فضا هم بر گردن دست اندرکاران و مسئولان نمایش است. به هر شکل چاپ دو نمایشنامه «غریبه» و «هفت کوپه از یک قطار» را می شود با تمام مشکلاتی که به آنها اشاره شد به عنوان حرکتی مثبت ارزیابی کرد، حرکتی که به شرط مطالعه بیشتر و جدیت و پشتکار می تواند به سرانجامی در خور منتهی شود.

ای کاش انتشارات نمایش برای جذابیت بیشتر این کارها و بیرون آمدنشان از لاک کارهای تجربی یادداشت هایی از نمایشنامه نویسان پیش کسوت را هم به عنوان مقدمه در کتاب می گنجاند تا هم باعث تشویق نویسندگان شود و هم جامعه نمایشی کشور با دیدی جدی تر با این کارها مواجه شوند.

کتاب نمایشنامه های غریبه و هفت کوپه از یک قطار در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات نمایش عرضه شده است. این کتاب ۱۰۹ صفحه ای در شمارگان دو هزار نسخه منتشر شده و با قیمت هزار و ۶۰۰ تومان به فروش می رسد.

به عنوان شخصیت های محوری که یک نمایشنامه نویس به عمد توانایی های آنها را نادیده می گیرد باقی مانده اند.

نمایشنامه «هفت کوپه از یک قطار» نوشته حسین زارعی هم کمابیش از همین مشکلات رنج می برد. ای کاش دست اندرکاران انتشارات نمایش قبل از انتشار آثار جوانان هیاتی را برای بازبینی و حتی بازنویسی کارها انتخاب می کردند تا لااقل آنچه به عنوان نمایشنامه، آن هم در این آشفته بازار عرضه می شود دارای خط و ربط های اصولی تری باشد یا اگر چنین هیاتی هست، با دقت بیشتری عمل می کرد.

به هر حال زارعی و عباسی نشان داده اند که قابلیت هایی بالاتر از این کارها دارند و به هر شکل باید با دیدی جدی تر به کارهای آنها نگاه کرد. آنچه ظاهر انتشارات نمایش به دنبال آن است کارهایی صرفاً تجربی و کارگاهی است که این خودش می تواند به عنوان جفایی در حق نمایشنامه نویسان جوان باشد.

امروزه در جهان نمایش شاهد رگه هایی تازه هستیم که دستیابی به آنها بدون سرمایه گذاری روی دو نمایشنامه نویس مورد بحث و دیگر چهره های مستعد امکان پذیر نیست و گردانندگان هنر نمایش کشور باید پیش از هر چیز بخشی از توان مالی خود را صرف این کار پایه ای بکنند.

نکته ای که بیش از موارد دیگر کارهای این نمایشنامه نویس را کمی دچار مشکل می کند غفلت از امر گفت و گونویسی است، نکته ای که تمام بار یک نمایشنامه را به دوش می کشد.

کسانی که کارهای پیشین عباسی را خوانده باشند به خوبی می دانند که او در شکار موضوعات و لحظات نمایشی بسیار هوشمندانه عمل می کند، ولی آنقدر مجذوب این لحظه ها می شود که از بازسازی آنها در قالب گفت و گونویسی غافل می ماند.

به زبان ساده تر، می توان گفت که شخصیت های نمایشی عباسی در نمای کلی یادآور یک شخصیت هستند که سعی دارد خودش را در هیئت های مختلف عرضه کند و بر همین اساس گویی شخصیت های زن و مرد به یک شکل به زندگی نگاه می کنند و به یک شکل حرف می زنند.

گرچه عباسی در نمایشنامه «غریبه» یک گام به جلو برداشته و سعی کرده ضعف های کارهای پیشین را رفع کند، اما این تلاش به حدی نیست که بتوان ادعا کرد که او حالا دیگر به عنوان یک نمایشنامه نویس مستقل مطرح است.

نمایشنامه «غریبه» دارای ۶ شخصیت است که به زیبایی انتخاب شده اند، اما در پرداخت نمایشی خوب ظاهر نشده اند، به شکلی که همه آنها در نهایت

دست اندرکاران هنر نمایش در ایران از دیرباز درباره نبود نمایشنامه نویسان جوایگوی عطش علاقه مندان به این هنر نگرانی هایی داشته اند. گرچه هنر نمایشنامه نویسی در دوره هایی بسیار درخشان ظاهر شده و ظهور چهره هایی موثر چند گام به ارتقای آن کمک کرده، اما این را باید پذیرفت که نمایش، هنری به روز است و گذشتگان هر قدر هم تلاش کرده باشند آئینه تمام نمای اوضاع امروز نیستند و این رشته هنری به هر شکل نیازمند بازنگری توسط نسل جوان است. نسلی که با ایجاد پیوند منطقی با تجربیات دیگران گام در مسیرهایی تجربه نشده بگذارد.

خوشبختانه امروزه شاهد نشر نمایشنامه هایی هستیم که توسط نمایشنامه نویسان جوان نوشته شده اند. نمایشنامه نویسانی که گرچه نمی توان آثار آنها را به عنوان کارهایی درخشان به حساب آورد، اما گام هایی که در حال برداشته شدن است به خودی خود می تواند آبی بر عطش نبود متن های خوب نمایشی باشد.

در کتاب حاضر شاهد دو نمایشنامه از دو نمایشنامه نویس جوان هستیم؛ یعنی آرش عباسی و حسین زارعی.

عباسی با نمایشنامه «غریبه» نشان داده است که بدون مطالعه وارد این مقوله نشده و به خوبی با عناصر این هنر آشنایی دارد. به گونه ای که کار او را می توان در کنار کارهای خوب نوشته شده در این سال ها جای داد.



در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات مدرسه با بیست و نه عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ محمدرضا صبوری با چهار عنوان پرکارترین مولف؛ و اکرم ذاکری با هشت عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۹/۱/۲۱ تا چهارشنبه ۸۹/۱/۲۵، ۱۱۹۳ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع علوم عملی و سپس کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم اجتماعی، ادبیات، آموزشی و کمک درسی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

| ردیف | موضوع | تعداد کل | تالیف* | ترجمه | چاپ اول | تجدید چاپ | تهران | شهرستان | شمارگان متوسط صفحه |
|------|----------------------|----------|--------|-------|---------|-----------|-------|---------|--------------------|
| ۱ | کلیات | ۴۷ | ۴۳ | ۴ | ۲۳ | ۲۴ | ۴۵ | ۲ | ۲۶۱۸ |
| ۲ | فلسفه و روانشناسی | ۶۴ | ۳۶ | ۲۸ | ۲۶ | ۲۸ | ۶۱ | ۳ | ۲۹۳۱ |
| ۳ | دین | ۸۹ | ۷۳ | ۱۶ | ۴۷ | ۴۲ | ۷۳ | ۱۶ | ۳۶۳۹ |
| ۴ | علوم اجتماعی | ۱۴۷ | ۱۲۵ | ۲۲ | ۸۱ | ۶۶ | ۱۴۴ | ۳ | ۲۵۲۶ |
| ۵ | زبان | ۵۴ | ۴۹ | ۵ | ۲۹ | ۲۵ | ۴۸ | ۶ | ۲۵۴۲ |
| ۶ | علوم طبیعی و ریاضیات | ۶۲ | ۴۷ | ۱۵ | ۳۴ | ۲۸ | ۵۲ | ۹ | ۱۹۲۵ |
| ۷ | علوم عملی | ۲۱۶ | ۱۴۸ | ۶۸ | ۱۱۸ | ۹۸ | ۱۹۶ | ۲۰ | ۲۶۳۱ |
| ۸ | هنر | ۴۲ | ۲۵ | ۱۷ | ۲۴ | ۱۸ | ۴۰ | ۲ | ۲۰۵۲ |
| ۹ | ادبیات | ۱۲۴ | ۱۱۳ | ۱۱ | ۶۵ | ۵۹ | ۱۰۵ | ۱۹ | ۱۹۲۰ |
| ۱۰ | تاریخ و جغرافیا | ۸۰ | ۷۰ | ۱۰ | ۵۲ | ۲۸ | ۷۷ | ۳ | ۳۲۹۴ |
| ۱۱ | آموزشی و کمک درسی** | ۱۱۱ | ۱۱۰ | ۱ | ۲۲ | ۸۹ | ۱۰۹ | ۲ | ۲۳۶۲ |
| ۱۲ | کودک و نوجوان | ۱۵۷ | ۱۰۱ | ۵۶ | ۶۳ | ۹۴ | ۱۵۱ | ۶ | ۳۹۰۰ |
| | جمع بندی | ۱۱۹۳ | ۹۴۰ | ۲۵۳ | ۵۸۴ | ۶۰۹ | ۱۱۰۲ | ۹۱ | ۲۶۹۵ |

* «تالیف»: به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

| شاخص ها | مقدار | مشخصات کتاب ها |
|------------------------------|-----------------------|---|
| گرانترین کتاب و بیشترین صفحه | ۹۵۰۰۰ ریال و ۲۸۸ صفحه | مجموعه علم شیمی: اتم ها؛ کریس اکسلید؛ مجید عمیق؛ ناشر: مدرسه برهان؛ چاپ ۱؛ ۳۳۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۳۷ مرتبه | قصه های خوب برای بچه های خوب؛ قصه های برگزیده از کلیله و دمنه؛ مهدی آذرزیدی؛ ناشر: امیرکبیر؛ کتابهای شکوفه؛ ۱۰۸ صفحه؛ ۷۰۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۲۰۰۰۰ نسخه | Let's go 1: workbook؛ Karen Frazier؛ ناشر: الوند پویان؛ چاپ ۲؛ ۸۰ صفحه |
| کمترین شمارگان | ۱۰۰۰ نسخه | هیلتر؛ ناشر: آتاموسا؛ چاپ ۱؛ ۴۰ صفحه؛ ۱۰۰۰۰ ریال |

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

| شاخص ها | مقدار | مشخصات کتاب ها |
|------------------|-------------|---|
| ارزاترین کتاب | ۱۰۰۰ ریال | چکانه اشراقی انقلاب اسلامی در فضای مدرنیسم؛ اصغر طاهرزاده؛ ناشر: لب المیزان؛ چاپ ۱؛ ۸۸ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه |
| گرانترین کتاب | ۴۰۰۰۰۰ ریال | کتاب الاینه عن حقایق الادویه (روضه الانس و منفعه النفس)؛ موفق بن علی هروی؛ ناشر: میراث مکتوب؛ چاپ ۱؛ ۶۶۰ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۸۸ مرتبه | قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ قانون تجارت الکترونیکی؛ آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات ...؛ ناشر: دیدار؛ ۳۶۸ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۲۵۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۵۰۰۰۰ نسخه | حلال و حرام در اسلام؛ یوسف قرضاوی؛ ابوبکر حسن زاده؛ ناشر: احسان؛ چاپ ۸؛ ۴۴۴ صفحه؛ ۳۷۰۰۰ ریال |
| کمترین شمارگان | ۱۰۰ نسخه | اولین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین؛ رامین سرچمی؛ ناشر: اندیشه زوین؛ چاپ ۱؛ ۶۲ صفحه؛ ۱۲۰۰۰ ریال |
| بیشترین صفحه | ۱۶۲۶ صفحه | مثنوی معنوی؛ جلال الدین محمد بن محمد مولوی؛ ناشر: الهام؛ چاپ ۱؛ ۱۱۰۰ نسخه؛ ۱۹۰۰۰۰ ریال |
| کمترین صفحه | ۲۴ صفحه | داروهای ضد عفونت آج. آی. وی؛ ناشر: اوسانه؛ چاپ ۱؛ ۲۰۰۰ نسخه |

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

| شاخص ها | مقدار | مشخصات کتاب ها |
|------------------|------------|--|
| ارزاترین کتاب | ۷۵۰۰ ریال | آمادگی از مومن؛ پیش دانشگاهی رشته ریاضی و فیزیک؛ ناشر: مرات؛ چاپ ۱؛ ۴۸ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه |
| گرانترین کتاب | ۹۵۰۰۰ ریال | شیمی پایه؛ مفاهیم، کاربردها، مسائل، محمد منانی؛ محمود دینانی؛ ناشر: نص؛ چاپ ۱؛ ۴۲۲ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۷۷ مرتبه | ۱۱۰۰ سوال چهارگزینه ای ریاضیات پنجم ابتدایی؛ قابل استفاده دانش آموزان سرآمد مقطع ابتدایی؛ حسین انصاری؛ ناشر: پیشروان؛ ۴۳۲ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ ۶۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۵۰۰۰ نسخه | تمرین های طبقه بندی شده علوم تجربی (گام نو) سال سوم دبستان؛ شامل خلاصه ای بخش ها، مجموعه ای از کامل ترین سوال های چهارگزینه ای، درست و نادرست، جورکردن؛ محمدجعفر قرانیان؛ ناشر: منشور دانش؛ چاپ ۱؛ ۱۱۶؛ ۱۴۰۰۰ ریال |
| کمترین شمارگان | ۵۰۰ نسخه | سخت افزار کامپیوتر (سال سوم) کنکور کردانی پیوسته فنی حرفه ای و کاردانش؛ شرح مفاهیم درسی و ذکر نکته های مهم کنکوری؛ پاسخ مشروح به خودآزمایی های ...؛ عباسعلی رضایی؛ ناشر: پیش دانشگاهیان (گزینه های پرت)؛ چاپ ۳؛ ۲۵۸ صفحه؛ ۵۰۰۰۰ ریال |

| تعداد ناشران در این هفته | تعداد پدیدآورندگان | | | | تعداد کتاب های افست |
|--------------------------|--------------------|-----|-------|-----|---------------------|
| | مؤلف * | | مترجم | | |
| ۴۰۳ | مرد | زن | مرد | زن | ۸۲ |
| | | ۱۷۳ | ۷۹ | ۷۹۳ | |

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم.



کتاب برای وقتی که به بن بست می رسیم

طلاق، مذموم ترین و تلخ ترین راه حل است. وقتی زوجین به هر دلیل یا دلایلی دیگر راهی برای ادامه زندگی مشترک ندارند، آن گاه است که کتاب زندگی مشترک آنها بسته می شود و از آن پس، هر یک به شکلی متفاوت از قبل، سطر به سطر داستان زندگی را در گذر ایام به رشته تحریر درمی آورند. شاید مطالعه کمتر کتابی بتواند زن و شوهری را که در آستانه جدانشدن از یکدیگر قرار دارند، از طلاق منصرف کند، اما کارشناسان حوزه خانواده و جامعه شناسان معتقدند که آثار مکتوب می توانند پیش از ازدواج و همچنین هنگامی که زوجین زندگی مشترک را شروع می کنند، راهکارهای زندگی موفقیت آمیز را به آنها آموزش دهند و آنها نیز در سایه چنین آموزه هایی بهتر و عاقلانه تر زندگی کنند. البته آثار مکتوب می توانند اطلاعاتی را نیز درباره حق و حقوق زوجین هنگام طلاق گرفتن و چگونگی ادامه صحیح زندگی در دوران جدایی از یکدیگر به آنها ارائه کنند.

این گزارش به بررسی نقش آثار مکتوب در این حوزه می پردازد.

مهریه مهم تر از مهر!

طلاق در تمام سطوح جامعه اتفاق می افتد و به فراخور آن، مشکلات بسیاری برای مرد و زن مطلقه به وجود می آورد که تأثیری مستقیم بر زندگی اجتماعی و فردی این افراد دارد.

افزایش آگاهی افراد جامعه از موضوعات و مباحث مرتبط با زندگی مشترک، رابطه مستقیم با کاهش میزان طلاق دارد و کتاب به عنوان یکی از عوامل بالابردن سطح آگاهی، به یقین می تواند در این باره تأثیر گذار باشد و صد البته این گونه کتاب ها هرگز به کتاب های حقوقی خلاصه نمی شوند. کتاب هایی که به دلیل ثقیل بودن معانی و قلم نگارشی شان مخاطب عام ندارند و بیشتر برای اعاده حقوق طرفین، آن هم بعد از طلاق خریداری می شوند!

جواد مقیمی، کارشناس حقوق قضایی، با اشاره به با اهمیت بودن موضوع طلاق، به جایگاه کتاب موثر کتاب اشاره می کند و می گوید: «بعید به نظر می رسد که بتوان از کتاب به عنوان اهرمی برای کاهش طلاق بهره جست، زیرا فرهنگ کتابخوانی در جامعه ما نتوانسته است جایگاه خود را پیدا کند و رسانه های تصویری با توجه به سرعت روبه رشدی که دارند، تمام توجهات را به خود جلب کرده و باعث شده اند تا افراد کمتری حوصله خواندن کتاب داشته باشند. کتاب های بسیاری هم که توسط مولفان داخلی و خارجی نوشته شده اند، نتوانسته اند بر آمار طلاق تأثیر بگذارند.

ناگفته نماند که بیشتر کتاب های موجود در بازار به مباحث تخصصی می پردازند و کمتر کتابی است که حقوق خانواده را به زبانی شیوا و روان به بحث گذاشته باشد تا در ایجاد زیر ساخت ها به عنوان اهرمی بازدارنده به افزایش آگاهی قبل از تشکیل خانواده کمک کند.»

محمد ساکت، یکی از قضات کشور در این باره معتقد است: «تاکنون کتابی را با موضوعات محوری طلاق که جنبه تعلیمی داشته باشد، ندیده ام و آنچه وجود دارد، درباره احکام طلاق و انواع آن است و در مقابل آن، بیشتر افراد به قوانین و شیوه مطالبه مهریه علاقه دارند و برای افزایش اطلاعات حقوقی خود به همین حد بسنده کرده اند. این در حالی است که گرفتن مهریه هیچ ارتباطی با طلاق ندارد و زن می تواند در دوران زندگی مشترک خود آن را به اجرا بگذارد و مرد موظف است آن را بپردازد.»

ساکت در ادامه می گوید: «در حالی که مسائل مهم در دوران طلاق به حضانت فرزندان و وجود شرایط برای طلاق مربوط می شود و کمتر زوجی از آن خبر دارد، اغلب این افراد برای طلاق گرفتن، نخستین کاری که می کنند مهریه را به اجرا می گذارند. این آگاهی باید در رسانه های مکتوب و تصویری به مردم داده شود تا افراد بدانند برای داشتن خانواده ای سالم باید چه حقوقی را در مقابل یکدیگر رعایت کنند.»

مقیمی، کارشناس حقوق قضایی نیز در این باره می گوید: «بهتر است برای افزایش آگاهی مردم، این مسائل حقوقی را در مباحث

این زاویه به وی نگریسته شود در نتیجه باید افراد به این باور برسند که هر ازدواجی منجر به خوشبختی نمی شود. در واقع باید امید های بعد از طلاق به افراد تعلیم داده و مثال هایی از زندگی افراد آورده شود که بعد از طلاق توانسته اند تحصیلات خود را ادامه دهند و به یک فرد مفید در جامعه تبدیل شوند. به ویژه برای خانم ها که بعد از طلاق اعتماد به نفس خود را از دست می دهند. اگر این باورها توسط مولفان صاحب علم نوشته شوند،



بسیاری از چالش های

بعد از طلاق را کمرنگ خواهند کرد و بر نگرش عامه مردم نسبت به افرادی که طلاق گرفته اند، تأثیر مثبت می گذارند. نویسندگان می توانند از تجربیات واقعی که هر روز در راهروهای دادگاه به چشم می خورند، رمان های واقعی با مضامین اجتماعی بنویسند؛ رمان هایی که تصویری حقیقی از زندگی را به مردم نشان دهند.»

دکتر شیوا شکاری، کارشناس مطالعات زنان، پدیده طلاق را به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی و ثمره کمبود و گاه نبود آگاهی قلمداد می کند و می گوید: «شناخت افراد نسبت به قوانین ازدواج بسیار ناچیز است و مردم زمانی دنبال یافتن جواب پرسش ها می روند که اغلب در راهروهای دادگاه بلا تکلیف مانده اند. بیشتر آنها هیچ اطلاعی از حقوق متقابل زوجین ندارند، حتی عقد نامه ای را که امضا می کنند، مطالعه نمی کنند و تنها بر اساس سنت و آنچه دیگران انجام داده اند زندگی را شروع می کنند و سپس در مدتی کوتاه به بن بست می رسند.»

وی با تأکید بر ضرورت کسب اطلاعات از طریق کتاب های این حوزه اظهار می کند: «در روند زندگی یا حتی طلاق، زن تنها حقش را گرفتن مهریه می داند تا مرد بر اساس حکم دادگاه آن را بپردازد. باید شناخت درست از قوانین و اصول اخلاقی در زندگی با مطالعه کتاب برای زنان و همچنین مردان حاصل شود و افراد با نگرشی باز به سوی آغاز زندگی مشترک بروند، اما متأسفانه سطح این آگاهی بسیار پایین است و هیچ کتابی در بازار نیست که قوانین را با عنوان کردن زوایای مختلف زندگی افراد بیان کند.»

شکاری در ادامه به آسیب پذیری افراد اشاره می کند و توضیح می دهد: «زمانی که طلاق اتفاق می افتد، میزان آسیب پذیری افراد از نظر اقتصادی و اجتماعی افزایش می یابد. در چنین شرایطی، اگر فرد آگاهی لازم را داشته باشد، کمتر با چالش مواجه

می شود، اما زمانی که از این آگاهی برخوردار نیست، برای کاهش آسیب ها باید مورد حمایت قرار گیرد که در بیشتر موارد این حمایت ها وجود ندارند و فردی که متاثر کرده با سیل عظیمی از مشکلات به سوی جامعه بازمی گردد.»

شکاری در ادامه می گوید: «عمولاً قوانین یک پله بالاتر از سطح فرهنگ جامعه قرار می گیرند تا بتوانند فرهنگ مردم را بالا ببرند و به نحوی مطلوب تر از اعضای جامعه حمایت کنند. طلاق بدترین اتفاق در زندگی فرد است، اما باید در نظر داشت که طلاق، حلال خداوند است و در مواردی راهبردی قانونی و شرعی دارد اما گاه در وضع قوانین دچار کاستی است، زیرا قوانین کمتر با شرایط زمان تغییر می کند. حال اگر ما از همین قوانین موجود نیز بی اطلاع باشیم، و از مطالعه در این حوزه طفره برویم یا منبعی برای مطالعه در دست نداشته باشیم وضع بدتر هم می شود.»

وی درباره کتاب های تألیف شده در این حوزه می گوید: «برخی از این کتاب ها آنقدر تخصصی و با اصطلاحات عربی بیان شده اند که قابل استفاده عموم افراد جامعه نیستند؛ ضمن این که بعضی از آنها، افکاری سنت گرایانه را در خود گنجانده اند و تنها به منافع مردان پرداخته اند در حالی که باید بر اساس زمان و موقعیت افراد جامعه، بعضی از قوانین را تغییر داد. همچنین باید درباره حقوق زوجین کتاب های بیشتری تألیف کرد تا ضمن آگاهی افراد از نقص های قوانین کاسته شود.»

شکاری می گوید: «من ناشر کتاب های تخصصی علوم اجتماعی ام و از وجود کتاب های مختلف آگاهی دارم و در این چند سال به جرأت می توانم بگویم کتابی را ندیده ام که مسائل حقوقی را به زبانی ساده بیان کند تا دست کم فردی که دیپلم دارد بتواند نسبت به حقوق خود آگاهی پیدا کند. بسیار مهم است کسانی که می خواهند کتاب بنویسند، اشراف کامل بر مسایل و امور جامعه داشته باشند و اگر این اشراف را نداشته باشند بر حسب عادات و آوازه های همیشگی استفاده کنند یا هر واژه دیگر که با این گونه قلم نوشته شود، تأثیری بر جامعه نخواهد داشت.»

شکاری ادامه می دهد: «حقوقدانان باید تألیف کتاب را در برنامه کاری خود قرار دهند و کتاب هایی را به رشته تحریر درآورند که مسائل حقوقی را به زبانی ساده شرح می دهند. وزارت فرهنگ و ارشاد نیز می تواند از مولفانی که در این حوزه خبره اند و قلم خوبی دارند، دعوت و آنان را به نگارش کتاب تشویق کند. این طرح در برخی کشور های دیگر انجام شده و موفق هم بوده است.»

شیوا شکاری در ادامه به لزوم توجه مردم به این گونه کتاب ها اشاره می کند و می گوید: «این کتاب ها می بایست در دادگاه ها، کلانتری ها و دفاتر ازدواج و طلاق توزیع شوند تا اگر زوجی اقدام به طلاق می کند، ابتدا این کتابچه را بخواند و با داشتن آگاهی اقدام به گرفتن طلاق کند. این امر می تواند از حجم کار در سیستم قضایی بکاهد و بر کاهش آمار طلاق هم تأثیری مستقیم بگذارد.»

این کاستی ها در حالی است که آمار طلاق طی یک سال گذشته، رشد چهار درصدی داشته و تهران بالاترین آمار طلاق را به خود اختصاص داده و بعد به ترتیب، کردستان، کرمانشاه و اصفهان در رده های پایین تر قرار گرفته اند. چنین شهرهایی، نیازمند اصولی کارشناسی و تخصصی برای رفع بحرانی اند که بعد از پدیده طلاق، بیشترین آسیب را به فرزندان طلاق آن جامعه وارد و ناهنجاری های اجتماعی را مانند سلسله ای زنجیر وار به هم وصل می کند.



نخستین همایش بین‌المللی شاعران ایران و جهان، به همت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۸ فروردین در تهران آغاز و تا یکم اردیبهشت در سه شهر تهران، اصفهان و شیراز پی گرفته شد. در این همایش جهانی ۵۰ شاعر ایرانی و ۵۰ شاعر غیر ایرانی از سی و چند کشور مختلف حضور داشتند. آنچه در پی می‌آید اظهار نظرهای برخی از شاعران شرکت‌کننده در این مراسم است که در گفت‌وگوهای جداگانه با خبرنگار کتاب هفته بیان شده است.

شاعران از همایش شاعران می‌گویند

همایش شاعران را ادامه دهید

■ منیر مزید، شاعر فلسطینی ساکن رومانی



ایران با برپایی این همایش فرصتی فرهنگی برای شاعران جهان ایجاد کرده است و از این منظر که شاعران ملت‌های مختلف همدیگر را می‌بینند و با شعر ملت‌های گوناگون آشنا

می‌شوند اتفاق بسیار مثبتی است. دیگر ویژگی این همایش جریان یافتن اطلاعات فرهنگی شاعران جهان است. شعر صدای مردم است و گویای آرزوها و آمل انسانی. با برپایی چنین همایش‌هایی، صدایی مشترک در بیان این آرزوها پدید می‌آید. به عنوان مثال من می‌توانم از اتفاقاتی که در حوزه شعر در کشورهای دیگر در جریان است خبردار شوم یا بدانم شاعران آن کشورها درباره چه موضوعات و مسائلی شعر می‌سرایند. در واقع حرف انسان‌های دیگر را خواهم دانست و آرزوهایشان را خواهم شناخت.

از سوی دیگر ادبیات و شعر ایران بیشترین منفعت را از برپایی همایش بین‌المللی شاعران به دست می‌آورد. ایران کشور کم‌نظیری در شعر و ادبیات است؛ چه ادب کهن و چه ادبیات و شعر مدرن. حالا با برپایی این همایش ایرانیان می‌توانند از فرصت‌های فرهنگی ایجاد شده بهترین بهره‌ها ببرند و به تعاملات فرهنگی با دیگر کشورها بپردازند. به باور من این حرکت فرهنگی حالا که آغاز شده باید در آینده نیز تداوم بیابد. همچنین عقیده دارم حضور شاعران بیشتری از کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌تواند چهره همایش را جهانی‌تر و شاعران جهان را با اتفاقات ادبی یکدیگر آشناتر کند.

شعر و روزهای پرتلاطم دنیا

■ میخائیل گینل میکوف، شاعر و محقق روس



به نظر من گردآمدن شاعران جهان در این روزهای پرتلاطمی که دنیا سپری می‌کند در ایران، سرزمین شعر و شاعری اتفاق مثبتی است.

این که در سرزمین بزرگ شعر، شاعران گردهم جمع می‌شوند و به تبادل نظر می‌پردازند نکته بسیار مثبت این همایش است.

شاعران، اشعار ناب و ماندگار خود را که رنگ و بویی شرقی دارد در این همایش قرائت می‌کنند و در نهایت نتیجه‌ای که از این همایش به دست می‌آید، این است که زمانی که به کشورهای خود بازمی‌گردند، شعر و داستان زیبایی را در وصف ایران می‌سرایند یا می‌نویسند.

در این همایش با اندیشه و تمدن ایرانی، از نزدیک آشنا شدیم. البته برای من دشوار است که با وجود این همه میهمان نوازی بتوانم انتقادی از نحوه اجرای همایش داشته باشم، چرا که برگزاری چنین همایشی در مجموع، کار آسانی نخواهد بود. برای ما دیدن تمام ایران ارزشمند است، اما متأسفانه در چنین سفرهایی، تنها چند شهر معروف را در برنامه برای بازدید قرار می‌دهند و برای ما که به ایران سفر کرده‌ایم، بازدید از

شهرهای دیگر نیز بسیار جذاب است و اگر تعداد روزهای برگزاری همایش بیشتر شود می‌توانیم نقاط بیشتری از ایران را ببینیم که نتیجه آن بهتر خواهد بود. در این همایش، نشست‌های شعرخوانی بسیاری برگزار شد که همگی عالی بودند اما گاهی شعرهایی که خوانده می‌شد، بسیار طولانی بود. اگر از پیش محدودیت زمانی برای خواندن هر شعر در نظر گرفته می‌شد، خستگی ناشی از جلسات را کاهش داده و تاثیر آنها را افزایش می‌داد.

همایشی برای مقاومت

■ عزالدین المناصره، شاعر فلسطینی



زمانی که برای برگزاری این همایش به ایران آمدم اطلاعاتی که درباره شاعران کلاسیک ایران و شعرهای آنها داشتم را با آنچه در اینجا می‌دیدم و می‌شنیدم مطابقت دادم و

یافته‌های جدیدی درباره شعر ایران و جایگاه این شاعران نزد مردم ایران به دست آوردم. همایش برای آشنایی شاعران با یکدیگر بسیار مفید بود. اما من فکر می‌کنم می‌توان در دوره‌های آینده، این همایش را به صورت موضوعی برگزار کرد. به عنوان مثال می‌شود همایشی با محوریت شعر مقاومت برگزار کرد و از شاعران این گونه ادبی برای شرکت در آن بهره‌جست.

مهم‌ترین ایده‌ای که می‌توان برای چنین همایشی در نظر گرفت تبادل اطلاعات میان ادبیات مقاومت و مدرنیته است؛ چراکه ادبیات مقاومت تنها مبارزه با سلاح نیست؛ بلکه مبارزه با جهل، عقب‌ماندگی، نژادپرستی و اشغال است. ایده مقاومت یک ایده انسانی است و هر انسانی می‌تواند مقاوم باشد به شرط آنکه هدفش رامبارزه با نژادپرستی، عقب‌ماندگی و جهل و نادانی قرار داده باشد. نه آنکه اهداف او تنها محدود به خشونت و مقاومت در برابر جنگ و سلاح‌های جنگی شود.

شاعرانی می‌توانند به ادبیات مقاومت بپردازند که اهداف انسانی را دنبال کنند و در این صورت یک شاعر حقیقی خواهند بود.

ارتقای فرهنگ جهان

■ طیب جبار، شاعر کرد زبان عراقی



ایران همیشه در شعر و ادبیات نامدار بوده است. اما فرصتی که تعامل دیدگاه‌های فرهنگی در این همایش بین‌المللی پدید می‌آورد بی‌شک به ارتقای فرهنگ جهانی می‌انجامد.

اثرات دیگر این همایش، آشنایی شاعران جهان از سرزمین‌های گوناگون با اسم و رسم و آثار یکدیگر است. شاعران در این دیدارها از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند و این تاثیرات در نهایت منجر به اشتراکاتی در فرهنگ کشورها می‌شود. همچنین برپایی این همایش می‌تواند برای تبادل دیدگاه‌های فکری گوناگون به ویژه در شعر و ادبیات مفید باشد و شاعران کشورهای مختلف

با شرایط یکدیگر آشنا می‌شوند.

از سوی دیگر شاعران جهان نیز با ادب امروز ایران آشنا می‌شوند. با ادبیات مدرن کشوری که پایه‌هایش بر شعر کلاسیک و جهانی بوده و حتماً بسیاری از شاعران و ادبیات جهانی مشتاقند تا با ادبیات امروز چنین سرزمینی آشنا شوند.

کردستان عراق همسایه نزدیک ایران و زبان و فرهنگ کردی به زبان و فرهنگ فارسی نزدیک است. برای همین از حضور خود در چنین همایشی بسیار خرسندم.

چهره ایران از رهگذر شعر

■ الفتح علی مصطفی حمدتو، شاعر سودانی



گردهمایی شاعران از نقاط مختلف و آشنایی آنها با یکدیگر بسیار ارزشمند است. ما در این همایش می‌توانیم با فرهنگ‌های مختلف آشنا شویم و اوضاع شعر و موضوعات شعری که

شاعران هر کشور به آن می‌پردازند را بررسی کنیم. شاعران شرکت‌کننده در این همایش می‌توانند در آینده محافل و انجمن‌های شعری مختلفی را تشکیل دهند که این محافل منجر به آشنایی بیشتر با شعر شاعران می‌شود. از سوی دیگر، رسانه‌ها چهره ایران را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهند و یکی از اثرات مثبت برگزاری این همایش، آشنایی با چهره حقیقی ایران و مردم ایران است.

متأسفانه با شعر امروز ایران آشنایی زیادی ندارم و تنها شعر کلاسیک و شاعران کلاسیک سرای فارسی را به خوبی می‌شناسم. البته شاید علت این امر علاقه من به شعر کلاسیک است. اما به هر حال از رهگذر این همایش علاوه بر چهره ایران و مردم ایران، با شعر امروز این کشور که سابقه‌ای دیرینه در ادبیات دارد آشنا شدم.

وارثان حافظ و سعدی

■ خورخه آریلچه، شاعر اروگوئه‌ای



هنگامی که روی خاک ایران قدم می‌گذاریم، شاعرانی چون خیام، سعدی، حافظ، مولانا را به یاد می‌آوریم. این شاعران از جنس گذشته نیستند، بلکه همیشه جاودان و زنده‌اند.

در حقیقت یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این همایش، آشنایی شاعران با یکدیگر است و شعر به عنوان زبانی که مفاهیم را انتقال می‌دهد از رهگذر این همایش نهادینه می‌شود. مثلاً من اطلاع چندانی درباره شعر امروز ایران نداشتم و بیشتر، شاعران کلاسیک ایران را می‌شناختم اما این همایش سبب شده تا کمی در جریان شعر امروز ایران هم قرار بگیرم. افزون بر همه اینها، در این همایش، با ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف و شعر آنها آشنا شدم.

اگر زبان شاعران شرکت‌کننده در همایش محدودتر شود و تعدد زبانی کمتر باشد، شاعران امکان بیشتری برای آشنایی با شعر یک یا دو زبان خارجی دیگر دارند و قطعاً این امر تاثیرگذاری همایش را بیشتر خواهد

کرد. به عنوان مثال، اگر همایش به دو یا سه زبان محدود شود و در نهایت، یک کتاب از این همایش منتشر شود، که همه شعرهای شاعران به همراه ترجمه آنها در آن موجود باشد، می‌توانیم ادعا کنیم که دستاورد بزرگی از این همایش را کسب کرده‌ایم.

همکاری را ادامه دهیم

■ مصطفی اصلان، شاعر اهل ترکیه



این همایش بزرگ نشان می‌دهد که ایران مانند گذشته به مسائل فرهنگی توجه ویژه‌ای دارد. اما نباید تنها محدود به جمع شدن چند شاعر و ادیب در یک مکان شود. استراتژی

همایش باید مبتنی بر تداوم همکاری نویسندگان و شاعران کشورهای منطقه، خاورمیانه و جهان اسلام باشد تا شاهد دستیابی به رهیافت‌های ارزنده‌ای از برپایی چنین همایشی باشیم.

ایران در شعر همواره کشور اعجاب‌انگیزی بوده است و این سرزمین از شهرت خارق‌العاده‌ای در شعر و ادبیات برخوردار است. در ترکیه شهرت شاعرانی چون حافظ سعدی و مولانا بی‌نظیر است. ولی ادب ایران به این شاعران محدود نمی‌شود. مثلاً من به شخصه ادبیات امروز کودک و نوجوان ایران را دنبال می‌کنم و هر کتابی را در این زمینه ترجمه‌شده می‌خوانم. اما همایش شاعران ایران و جهان، یک همایش جهانی بود و من علاوه بر شاعران ایرانی، برخی از ادیبان جهان را ملاقات کردم که بعد از همایش باید بیشتر روی آثارشان تحقیق و مطالعه کنم. برای همین است که معتقدم این همایش و همکاری‌های مربوط به آن باید تداوم و استمرار داشته باشد.

شعر ایران؛ سرآمد منطقه

■ خالد بن محمد نجار، شاعر تونس



شناخت هر شاعر شناخت یک جهان است و همایش شاعران ایران و جهان، باعث آشنایی شاعران با دنیای جدیدی می‌شود. در حال حاضر یک جنبش در ادبیات ایران رخ داده

است که سبب شده ایران در حوزه ادبیات برای جهانیان بیشتر شناخته شود و در منطقه سرآمد باشد. این همایش نیز باعث شکوفایی بیشتر شعر ایرانی می‌شود. البته وسایل ارتباط جمعی نیز در این زمینه موثر بوده‌اند. به عنوان مثال من یکی از شاعران معروف ایرانی را از طریق مجله «شیراز» در کشورم شناختم اما به هر حال این همایش نقطه عطفی برای آشنایی با شاعران بیشتر است.

اگر شعر شاعران ایرانی شرکت‌کننده در همایش ترجمه شود و در اختیار شاعران خارجی قرار گیرد، اثرگذاری بیشتری خواهد داشت و ما با شعر شاعران ایرانی بیشتر آشنا می‌شویم، چرا که در جلسات شعرخوانی‌ای که برگزار شد من به عنوان یک شاعر خارجی به دلیل آشنا نبودن با زبان فارسی، نتوانستم با شعر شاعران ایرانی ارتباط برقرار کنم.